

زندگی یک

مسلمان در ۲۴ ساعت

اللہ  
رسول  
محمد

مترجم: مسعود "ہمت"

ہارون یحییٰ

اللہ  
رسول  
محمد



تقدیم به پدر و مادر مهربان و همسر عزیزم

## مندرجات

مندرجات	۱
پیشگفتار	د
جهت استحضار خواننده	د
در باره ی نویسنده	و
مقدمه	ح

## بخش اول - زندگی یک مسلمان در بیست و چهار ساعت مبني بر اصول قرآن کریم

عنوانصفحه

۵

بر خاستن از خواب هنگام صبح	۱
شستشو و پاکیزه گی	۵
لباس پوشیدن	۰
ناشتای صبح	۱۳
در سر راه	۲۱
در وظیفه	۲۹
خریداری	۳۳
ورزش و تربیت بدنی	۳۷
عبادت و نماز خواندن	۳۹
بخواب رفتن هنگام شب	۴۵

## بخش دوم - سیرت قرآنی یک مومن

عنوانصفحه

۵

طرز برخورد با خانواده و دوستان	۵۰
گرایش بسوی نعمات	۵۳
گرایش بسوی زیبایی ها	۵۷
واکنش علیه واقعات منفي ظاهري	۶۰

- 65..... روش و رفتار در هنگام بیماری.....
- 67..... طرز برخورد در مواقع ناسازگار و پریشانی آور.....

**بخش سوم - ویژه گی برتر شخصیت یک مومن**

**عنوان**

**صفحه**

**۵**

- 69..... بیداری و هشیاری علیه مکر و فریب شیطان.....
- 72..... همدردی، صبر و بخشش.....
- 74..... ثبات و استواری.....
- 76..... سخن خوب و مطلوب.....
- 79..... بافکری.....
- 81..... مهمان نوازی.....
- 82..... سلامتی و احترام متقابل.....
- 83..... اجتناب از نزاع و آشفتگی.....
- 85..... اجتناب از حرص و خودپرستی.....
- 87..... اجتناب از گمان بد و بدگویی.....
- 89..... اجتناب از سخن طعنه آمیز.....
- 91..... فداکاری و از خود گذشتگی.....
- 93..... قضاوت منصفانه.....
- 95..... دیانت و راستکاری.....
- 96..... **خاتمه و نتیجه گیری**.....

### پیشگفتار

زندگی کردن با ارزشهای اسلامی وقتی ممکن است، که اوامر و دستوراتی که در قرآن عظیم الشان فرض گردیده اند، در هر عرصه ی زندگی پیاده شوند. یگانه راهی که مردم میتوانند بوسیله ی آن دست آورد های شایسته تری را در هر دو جهان حاصل نمایند، همانا پیروی از دستورات قرآن عظیم الشان و اجراء سنت نبوی است. چنانچه خداوند(ع) در قرآن عظیم الشان میفرماید که یک شخص زندگی بهتری را بشرطی سپری کرده میتواند که کار های شایسته انجام دهد.

مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾ النحل: ٩٧

ترجمه: هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد ○

این کتاب به واقعات و رویدادهای روزمره ای که مردم با آن مواجه میشوند، از نظر یک مسلمانی که مبنی بر اصول قرآن عظیم الشان زندگی مینماید، رسیده گی میکند. این کتاب بصورت عموم دهدف را دنبال میکند؛ تقدیم نمودن مفکوره ی زندگی خوب که باعث سپاس از اصول قرآنی گردد و دعوت نمودن مردم به زندگی برتر پیشنهاد شده توسط همین اصول. یقیناً، تنها پیروی از اصول و تدریسات قرآن میتواند برای مردم ممکن بسازد تا هرروز، هرساعت و هر لحظه ی زندگی خود را دریک محیط مسالمت آمیز و سعادت مند دور از سختی، اضطراب، تشویش و پریشانی این دنیا بسر ببرند.

### جهت استحضار خواننده

در تمام کتابهای مؤلف، موضوعات در رابطه با مسائل ایمانی در شناخت آیه های قرآن مورد بحث و تفحص قرار گرفته و از افراد دعوت بعمل آمده است تا کلمات الهی را فراگرفته و آنها را در زندگانی خود بکار برند. تمام موضوعاتی که مربوط به آیه های قرآن می باشند طوری شرح داده شده اند که هیچگونه سوال یا ظنی را در ذهن خواننده بر جای نمیگذارد. سبک اصیل، واضح و سلیسی که در این کتابها بکار برده شده است، همه رده های سنی جامعه و گروههای اجتماعی را به راحتی قادر به درک این کتابها می کند. این شرح شفاف و مؤثر سبب می شود تا کتابها را در نشستی ساده بتوان تعبیر کرد. حتی کسانی که شدیداً معنویت را رد می کنند، تحت تأثیر واقعیهایی که در این کتب نقل شده است قرار گرفته و قادر به تکذیب حقایق محتوی آن نیستند.

این کتاب و تمام کتابهای دیگر نویسنده را میتوان بصورت انفرادی خواند و یا در گروه های جمعی راجع به آن صحبت کرد. خوانندگانی که تمایل بهره وری از این کتابها را دارند، چنانچه بتوانند بحث را از طریق که مطالب و تجربیات خود را از کتاب به دیگران انعکاس دهند، سودمند می باشد.

علاوتم؛ کمک در انتشار و همچنان خواندن این کتب که صرفاً جهت رضایت پروردگار نوشته شده اند، کمک شایانی به دین اسلام خواهد بود. تمام کتابهای نویسنده متقاعد کننده می باشند. به همین علت آنهایی که تمایل گفتگو راجع به دین با دیگران را دارند، یکی از مؤثرترین روشها تشویق آنها به خواندن این کتابها است.

امید است که خواننده وقتی را برای مرور کتابهای دیگری که در صفحات آخر این کتاب به آنها اشاره شده است، صرف کرده و از اطلاعات ارزشمندی که در جهت موضوعات اعتقادی بکار رفته است، که خواندن آنها هم خالی از لطف نیست، لذت ببرد.

در این کتابها، همانند برخی کتابهای دیگر، نقطه ی نظر شخصی نویسنده، توضیحات بر پایه منابع مشکوک، سبکهای غیر ملاحظه کارانه در احترام و تکریم به موضوعات مقدس، ناامیدی، شک برانگیزی و یا عذرهای بدبینانه ای که باعث انحراف قلبها می شود وجود ندارد.

### معرفی نویسنده

نویسنده که تحت نام مستعار هارون یحیی قلم میزند، در سال 1956 در انقره تولد یافته است. بعد از تکمیل نمودن دوره ی ابتدائیه و ثانوی در انقره، وی به مطالعه رشته هنر در دانشگاه میمارسینان استانبول و رشته فلسفه در دانشگاه استانبول پرداخت. از سال 1980 تا کنون، نویسنده کتابهای بیشماري را در زمینه ی مسایل سیاسی، علمی و دینی به چاپ رسانیده است. کانون توجه او تکذیب داروین گرایي و ماده گرایی، که دو اسطوره ی جدید در تحت لوای علم اند، می باشد. برخی از کتابهای نویسنده به بیش از 40 زبان مختلف ترجمه شده و در کشورهای مربوطه به چاپ رسیده است. آثار هارون یحیی برای همه افراد – مسلمان و یا غیرمسلمان صرف نظر از سن، ملیت و یا نژاد – جالب توجه می باشد، زیرا این آثار یک هدف را دنبال می کند. باز کردن ذهن خواننده از طریق تشویق آنها برای فکر نمودن در باره ی برخی موضوعات حیاتی از قبیل: وجود خدا و یگانگی او و آشکار ساختن بنیانهای فرسوده و آثار نامعقول نظام بی دینی می باشد.

اسم مستعار، برگرفته از اسامی "هارون" و "یحیی" است که به احترام یاد دو پیامبری که بر علیه کفر جنگیدند، گذاشته شده است. موجودیت مُهر مبارک(ص) در کتابهای نویسنده، معرف محتوی کتب است که نمایانگر قرآن منحیث آخرین کتاب خداوند(ج) و پیغمبر او منحیث آخرین پیغمبر میباشد. سیر و مقصد اصلی نویسنده، باطل ثابت نمودن پایه تفکر و فلسفه های ملحدانه با پیروی از قرآن و سنت رسول اکرم(ص) است، تا سخن آخر را بیان کند که سد راه اعتراضات خلاف دین شود. وی مُهر نبوت خاتم النبیین- کسیکه حکمت اعلی و کردار عظیم اعطا شده بود- را علامت استعمال نموده تا آخرین سخن را برای مردم بیان کند.

محور و مقصد تمام کارهای نویسنده یکی است؛ رساندن پیغام قرآن برای مردم، تشویق و ترغیب نمودن آنها برای فکر کردن در باره ی موضوعات اساسی ایمانی از قبیل وجود خدا و یگانگی او، حیات بعد از موت و آشکار ساختن بنیانهای فرسوده و روش های فکری منحرف شده. کتابهای هارون یحیی خوانندگان زیادی، از هندوستان تا امریکا، انگلستان تا اندونیزیا، پولند تا بوسنیا و اسپانیا تا برازیل دارد. بعضی از کتبش به زبان های انگلیسی، فرانسوی، جرمنی، اسپانوی، ایتالیایی، پرتگالی، اردو، عربی، البانیایی، روسی، صربستانی و کرواتی، پولیندی، مالیایی، ترکی یوگوری و اندونیزیایی نیز موجود اند.

با پذیرایی شرافتمندانه از این کتب در سراسر جهان، برخی بخدا ایمان آورده و برخی دیگر بصیرت عمیقی را در ایمان خویش یافته اند. حکمت موجود، اخلاص و طرز بیان ساده در اینها مقام نمایانی برای کتب میدهد و بر ذهن خواننده تأثیر مثبتی بجا میگذارد. کسانی که این کتب را دقیقاً بررسی نمایند، دیگر حامی کفر و الحاد، روش های فکری منحرف شده و یا فلسفه ی ماده گرایی نمیشوند، زیرا سریع الاثر بوده و بادلایل و نتایج قطعی و انکار ناپذیری منقوش شده اند. حتی ادامه دادن ایشان به این کار فقط میتواند مبنی بر احساسات و یا هم عاطفی باشد، چون این کتب همچو روش ها و نظریات را از بیخ و بن رد و تکذیب مینمایند. امروز با نوشتن این کتب تمام تحریکات منفي آنها بطور ایدیولوژیکی و نظریه ای مورد شکست قرار گرفته اند.

بدون شک، تمام این از برکت نورانیت و حکمت قرآن عظیم الشان است. یقیناً، نویسنده بر علمیت خود ننازیده بلکه بطور محجوبانه قصد داشته تا مردم را به صراط المستقیم هدایت کند. علاوه، در نشر و انتشار این کتب کدام بهای مادی را نیز مدنظر نگرفته و طلب نکرده است.

کسانی که دیگران را به مطالعه ی این کتب تشویق مینمایند تا سبب هدایت ایشان گردد و از جمله بندگان جانسپار خداوند(ج) گردند، خدمت گرانهای مینمایند.

ضمناً، طوریکه از تجارب قبلی معلوم است، نشر کتبی که باعث گيجي و اغتشاش ذهن و سبب هرج و مرج ایدیولوژیکی مردم گردد، انهم در از بین بردن شک از قلبهای مردم اثر صریحی نداشته، ضیاع



وقت و همچنان انرژی خواهد بود. کتبی که قدرت ادبیات نویسنده را نشان میدهد در مقایسه با کتبی که مردم را از زوال ایمان نجات میدهد آنقدر تأثیر گذار نیست. کسانی که در این باره شک دارند به آسانی مییابند که هدف عمومی هارون یحیی غلبه بر بی اعتقادی، بی ایمانی و همچنان منتشر ساختن ارزش سیرت قرآنی است. کامیابی و تأثیر این فقط در عقیده ی محکم خواننده معلوم میگردد.

یک نقطه را باید در ذهن داشته باشیم که سبب اصلی ادامه ی بیرحمی، کشمکش و دیگر شکنجه هایی که اکثر مردم متحمل میشوند، نفوذ ایدیولوژی بی ایمانی است. در صورت خاتمه دادن به این مسأله، ایدیولوژی بی ایمانی با ید با شگفتی های آفرینش و سیرت قرآنی ای که مردم بوسیله ی آن زندگی نمایند شکست داده شود. با ملاحظه ی حالت امروزی دنیا، در صورت روبه پایین آوردن پیچاپیچی خشونت و بیرمتمی، فساد و کشمکش، به این خدمت باید بطور سریع و مؤثر رسیده گی شود و یا در غیر صورت دیر خواهد شد.

باین معنی، کتب هارون یحیی نقش پیشتازی را بهعهده دارند و به یاری خداوند(ج) توانایی این را خواهند داشت تا بوسیله ی آن مردم قرن بیست و یکم به صلح، عدالت، و شادمانی ای که در قرآن ذکر شده نائل شوند.

## مقدمه

در قرآن کریم، خداوند عزوجل راه حل کامل و بیش از همه منطقی تری را در مقابل طلوع هر نوع مشکلی برای بشر تهیه میدارد و همچنان پاسخ به سوالاتی میدهد که یک شخص در طول عمر خویش نیاز به جواب آن دارد، طوری که در آیه ی دوم سوره ی البقره میفرماید.

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿البقره: 2﴾

ترجمه: این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایندگان است ○

آیه های دیگر نیز نشان دهنده این اند که پروردگار ما همه چیز را در قرآن توضیح داده است.

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ○ ﴿يوسف: 111﴾

ترجمه: به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه

[از کتابهایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می آورند رهنمود و رحمتی است ○

... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ ○ ﴿النحل: 89﴾

ترجمه: ... و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است بر تو نازل کردیم ○

شخص با ایمان در همه عمر با پیروی از دستورالعمل های قرآن، از روی دقت کوشش نموده تا روزمره به آنها عمل نماید و زندگی خویش را بسر ببرد. وی سعی بیشتر به این میکند تا همه کارها، فکر کردن، سخن گفتن و غیره اعمال وی از صبحدم، زمانیکه از خواب برمیخیزد تا شب هنگام، که دوباره به خواب میرود مطابق اصول قرآنکریم باشد. خداوند(ج) در قرآن بیان میدارد که این فداکاری زندگی مؤمن را رهبری مینماید.

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ○ ﴿الانعام: 162﴾

ترجمه: بگو در حقیقت نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است ○

مگر بعضی مردم به این باور اند که دین ترکیب شده از شعائر و تشریفات مذهبی که از خود اوقات معین دارند میباشد، یعنی زندگی را به اوقات نماز و اوقات کارهای دیگر تقسیم مینمایند. آنان فقط در هنگام نماز، روزه، صدقه دادن و ادای حج به فکر خداوند(ج) و متوجه آخرت و زندگی پس از مرگ میشوند و در اوقات دیگر مشغول و مجذوب تجارت و دیگر امورات دنیایی میشوند. زندگی این دنیا برای آنها عملیات نا مطبوع رقابت امیز و شتاب امیز است. اینگونه مردم کاملاً از قرآن جدایی یافته و بنا بر خواہشات و اصول شخصی خویش زندگی نموده و تمام امور را از دیدگاه خود تعبیر مینمایند. ایشان حتی نمیفهمند که هدف از نزول قرآن چیست.

شخصیکه زندگی خود را با استفاده از اصول قرآن و اجراً سنت نبوی به پیش میبرد، خداوند وی را در پناه خود داشته باشد، زیرا روش زندگی وی در مقایسه با شخص فوق الذکر بکلی متفاوت است. اینچنین شخص هرگز فراموش نمینماید که تابع تقدیری است که از جانب خداوند (ج) تعیین شده است و میفهمد که در مواقع ناسازگار و هنگام برخورد با مشکلات پریشان، غمگین، بیمناک، ناراحت، بدگمان و دل‌تنگ نباشد. وی با تمام چیزها بگونه ای برخورد میکند که مورد قبول خداوند است. هرکلمه، عزم و اراده و عمل وی ثابت میسازد که وی مطابق سنت، که تجسم عملی تدریسات قرآن است، زندگی مینماید.

خواه قدم میزند، غذا صرف میکند، به مکتب میرود، مطالعه مینماید، کار میکند، ورزش مینماید، سخن میزند، به تلویزیون میبیند و یا به رادیو گوش میدهد، وی آگاه است که مسئولیت دارد تا بگونه ای زندگی خود را بسر ببرد که رضای خداوند(ع) حاصل شود. وی بطور باریکبینانه و با دقت زیاد مواظبت از اموری میکند که به وی واگذار شده و هیچگاه برخلاف اصول قرآن و مخالف سنت نبوی رفتار نمینماید.

زندگی کردن با ارزشهای اسلامی وقتی ممکن است، که اوامر و دستوراتی که در قرآن عظیم الشان فرض گردیده اند، در هر عرصه زندگی پیاده شوند. یگانه راهی که مردم میتوانند بوسیله ی آن دست آورد های شایسته تری را در هر دو جهان حاصل نمایند، همانا پیروی از دستورات قرآن عظیم الشان و اجراً سنت نبوی است. خداوند(ع) در قرآن عظیم الشان بیان میدارد که یک شخص زندگی بهتری را بشرطی سپری کرده میتواند که کار های شایسته انجام دهد:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾ النحل: ٩٧

**ترجمه:** هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد ○

به یاری خداوند(ع)، عیار نمودن زندگی با اصول قرآن و پیروی از سنت نبوی، مردم را قادر به این میسازد تا درک معنوی آنها بلند رفته و تا توانایی تفکیک حق از باطل و خوب از بد در وجود شان پیدا شود و همچنان بتوانند یک موضوع را عمیقاً ملاحظه نمایند. موجودیت چنین ویژگیها و صفات در یک شخص تضمین مینماید که وی هر لحظه ی زندگی خویش را در آسودگی ای که از مزایای همین ویژگیها بدست می آید سپری کند. کسیکه خود را در زندگی تسلیم خداوند(ع) نموده و به اساس اصول قرآن زندگی میکند، با مردمی که به اساس فکر خویش زندگی کرده و تمام سخنان را از دیدگاه خود تعبیر و تفسیر مینمایند و در مقابل رویارویی با مشکلات از طرف خود چاره سازی میکنند بکلی متمایز است.

این کتاب به واقعات و رویدادهای روزمره ای که مردم با آن مواجه میشوند، از نظر یک مسلمانی که مبنی بر اصول قرآن عظیم الشان زندگی مینماید، رسیده گی میکند. هدف عمومی این کتاب دولا میباشد؛ تقدیم نمودن مفکوره ی زندگی خوب که باعث سپاس از اصول قرآنی گردد و دعوت نمودن مردم به زندگی برتر پیشنهاد شده توسط همین اصول. یقیناً، تنها پیروی از اصول و تدریسات قرآن میتواند برای مردم ممکن بسازد تا هرروز، هر ساعت و هر لحظه ی زندگی خود را در یک محیط مسالمت آمیز و سعادت مند دور از سختی، اضطراب، تشویش و پریشانی این دنیا بسر ببرند.

## بخش اول

## اصول و تدریسات قرآن کریم

## برخاستن از خواب هنگام صبح

تفاوت عمده و اساسی بین مسلمانانی که مطابق با اصول قرآن زندگی مینمایند و کسانی که خداوند (ع) را نمیپذیرند در اینجاست که اینگونه مسلمانان دارای فرزاندی و خرد و عقلی اند که بوسیله ای آن سریعاً از علل و اساسات عقب وقایع باخبر میباشند. چون مردم بی دین و آنانی که قادر نیستند تا حقیقت را درک کنند وقوع چنین واقعات را تصادفی و بی معنی ملاحظه میکنند، با آنها در تفاضل اند. بدون شک فرزاندی و خرد بسبب این به آنها اعطا شده که طبق اصول و اوامر خداوندی روش مینمایند و باطن خود را در پرتو جلال خداوند (ع) بکار میبرند.

انسان مؤمن لحظه ای که از خواب بیدار میشود، میفهمد که در طول روز شاهد تجربه کردن نشانه های است که ایمان وی را محکم تر ساخته و موجودیت، صفات و وحدانیت خداوند را ثابت میدارند.

﴿آل عمران: 190﴾ **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِذَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ** ○

ترجمه: مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه هایی [قانع کننده] است ○

برای کسانی که ایمان دارند و زندگی خویش را با پیروی از اصول قرآن به پیش میبرند، هر روز جدید مملو از نشانه ها و حقایقی است که موجودیت خداوند را ثابت مینمایند. طور مثال، باز شدن چشم بعد از خواب یکی از نعمات خداوند (ج) و همچنان یکی از حقایقی است که بشر را به سوی اعتماد به خداوند (ج) سوق میدهد و باید در آن تعمق و تفکر صورت گیرد. این بخاطر است که یک شخص در طول شب بی هوش بوده و ضمیر ناخودآگاه را به خود اختیار کرده که حتی از ساعت ها خوابیدن، فقط همان رویا و خواب غیر روشن خویش را که 3-5 ثانیه بیشتر از بیدار شدنش بوقوع پیوسته است، بیاد میآورد. در این هنگام وی بدون کدام ارتباطی به دنیا، خواب میبازد و بدن و روح وی از همدیگر جدا میباشند. مدتی راکه وی فکر میکند در خواب است، در حقیقت در آن مدت تاحدی در حالت مرگ است. قسمی که خداوند (ج) در قرآن کریم آشکار مینماید که در هنگام خواب جان آدمیان گرفته میشود.

الله يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فِيمُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى... ﴿الزمر: 42﴾

ترجمه: خدا روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می ستاند و [نیز] روحی را که در [موقع] خوابش نمرده است [قبض می کند]

پس آن [نفسی] را که مرگ را بر او واجب کرده نگاه می دارد و آن دیگر [نفسها] را تا هنگامی معین [به سوی زندگی دنیا]

باز می فرستد... ○

﴿الأنعام: 60﴾ **وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى... ○**

ترجمه: و اوست کسی که شبانگاه روح شما را [به هنگام خواب] می گیرد و آنچه را در روز به دست آورده اید می داند سپس شما را

در آن بیدار می کند تا هنگامی معین به سر آید... ○

در این آیات، خداوند (ع) بیان میدارد که جان انسانها در هنگام خواب ایشان گرفته میشود، ولی تا وقتی که مدت معین مرگ شان نرسد دوباره برایشان داده میشود. در هنگام خواب، یک شخص تاحدی حس آگاهی خویش را با دنیا از دست میدهد و برخاستن از این "مرگ" در حقیقت از خواب به هشیاری دوباره و پیداشدن قدرت دیدن، شنیدن و غیره و هویدا شدن دوباره ای تمام حواس بطور کامل و بدون عیب، معجزه ایست که باید تعمق بیشتری در آن صورت گیرد. شخصیکه در هنگام شب به بستر میرود،

نمی‌تواند مطمئن باشد که در هنگام صبح وقتی که از خواب برمیخیزد، چنین نعمات غیر قابل قیاس و بی‌همتا بروی اعطا میشوند یا نه. و ما خاطر جمع بوده نمیتوانیم که آیا در هنگام برخاستن صحت مند میباشیم و یا دچار کدام بدبختی، حادثه، مصیبت و یا کدام مریضی ای خواهیم شد.

انسان مؤمن با شروع روز جدید در باره ی چنین حقایق فکر نموده و شکر خدائی را میکند که با لطف و کرم خویش وی را در پناه خود نگه میدارد. وی همواره در این فکر است که هر روز جدید فرصتی است که از جانب خداوند بوی اعطا میشود تا رضای وی را حاصل کند و بهشت برین را بازیابد. لحظه ای که چشمان خود را قبل از طلوع آفتاب باز میکند، گمان و اندیشه ای وی بسوی خداوند بوده و روز را با ادای نماز بی‌ریا و مخلص صبح آغاز مینماید.

در هنگام روز، وی مواظب بوده تا رضای خداوند(ع) را با فرمانبرداری از اوامر و دستورات وی حاصل کند و طوری عمل کند که گویا خداوند همه وقت وی را میبیند و شاهد هر عمل وی است. وی در حقیقت رابطه ی نزدیکی با خداوند برقرار ساخته و روز را با نماز فجر آغاز مینماید. بدینسان، احتمال کلی ای که وی رضامندی خداوند(ع) را از یاد ببرد و یا چشم پوشی از حدود وی بکند بسیار کم است؛ وی در طول روز باین دانش رفتار میکند که خداوند(ع) وی را در این دنیا آزمایش میکند.

شخصی که فکر و اندیشه و گمان خویش را مخلصانه متوجه خداوند(ع) میسازد، کمک میشود تا در باره ی نعماتی که به وی اعطا شده اند از روی دقت فکر نماید و بداند که جز خداوند(ع) قدرت دیگری نیست تا آنها را به وی اعطا کند. در قرآن عظیم الشان خداوند(ع) میفرماید که مردم باید در این موضوع تعمق نمایند.

قُلْ آرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَارَكُمْ وَ خَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ ... ﴿الانعام: 46﴾

ترجمه: بگو به نظر شما اگر خدا شنوایی شما و دیدگانتان را بگیرد و بر دلهایتان مهر نهد آیا غیر از خدا کدام معبودی است که آن

را به شما بازپس دهد ○

همانا قادر مطلق و توانا بر همه چیز خداوند(ع) است که خواب را برای بشر لحظه ی استراحت و آرامیدن میسازد و در هنگام صبح یعنی بعد از خواب تمام نعمات را دوباره برای آنها اعطا میکند. کسانی که اینرا میدانند، از لحظه ای که روز را آغاز مینمایند احساس نزدیکی با خداوند در وجود آنها پیدا شده و با بهره مندی از نعمات غیر قابل قیاس و بی‌مانندی که توسط وی اعطا شده، خوش و راضی میباشند.

آنانی که دین را رد و تکذیب مینمایند و از ملاحظه ی چنین حقیقتی امتناع میورزند، هیچگاه نمیتوانند از نعماتی که دارا اند آگاه باشند و نیز نمیتوانند سرور مؤمنانی را بدانند که آنرا تجربه میکنند. معمولاً، برخاستن از بستر گرم در هنگام صبح برای آنها دشوار بوده و از تشویش آغاز نمودن روز جدید در فشار روانی و سختی قرار میگیرند. بعضی شان از سبب انجام دادن کار های که هر صبح باید آنرا انجام دهند مضطرب و دل‌تنگ میشوند. آنها نمیخواهند از بستر برخیزند؛ در ذهن آنها همیشه منازعه ی برخاستن از خواب و داشتن خواب برای چند لحظه ی دیگر جریان دارد. ضعف مکرر اخلاقی آنها در اینجاست که آنها هنگامی که از خواب میخیزند، کج خلق، تند مزاج، زود رنج، با تنش و ملول و به اصطلاح عام اوقات تلخ میباشند.

مردمان بی‌خدا، از نعمات خداوند(ع) لذت برده نمیتوانند و از لحظه ای که از خواب برمیخیزند به کار های یکنواخت میپردازند و همه روزه آنرا تکرار مینمایند. شخص دیگری نیز است که بدون در نظر داشت اینکه شاید روز جدید آخرین مجال و فرصت بوی از جانب خدا باشد، خود را با آرزومندی آماده

مینماید تا پول بیشتر حاصل کند، و ملکیت و ظاهر خود را جلوه دهد و مورد عطف و توجه دیگران قرار بگیرد تا باشد که مردم وی را خوش داشته باشند.

کسانیکه از حقایقی که خداوند(ج) آنرا در قرآن آشکار نموده چشم پوشی مینمایند، شاید زندگی را به فکر خویش خوبتر بسر میبرند مگر در خرد و دانایی آنها نقص و کمبودی است چونکه اینرا ملاحظه نمی کنند که خداوند(ج) آنها را خلق نموده است و عهده دار اند تا رضای وی را حاصل نمایند و زندگی را در پرتو جلال وی بسر ببرند. وهمچنان شاید روز جدید آخرین فرصتی باشد در انجام دادن وظیفه ای که از جانب خداوند بر آن گماشته شده اند. خداوند(ج) حالت آنها را در قرآن چنین بیان میکند:

﴿أَقْرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾ ﴿الأنبياء: 1﴾

ترجمه: برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است و آنان در بی‌خبری رویگرداندند ○

صریحاً، کسانیکه در چنین خطای بزرگ غوطه ور شده اند، مرتکب گناه و اشتباه عظیمی اند. باید فراموش ننمود که هر صبح احتمالاً آغاز آخرین روز عمری باشد که به انسان اعطاً شده است. مرگ در هر لحظه ای آمدنی است، بواسطه ی واقعه ی ترافیکی، مرض غیر منتظره و یا یکی از علل بی‌شمار دیگر. در اینصورت، قسمیکه در فوق نیز ذکر شد، ما باید در باره ای اینکه چگونه روز خود را بوجه احسن صرف کنیم، فکر نماییم تا باشد که رضا و خشنودی خداوند(ج) حاصل شود.

## شستشو و پاکیزگی

وقتی که از خواب بر میخیزید، بعضی تغییرات در بدن تان رونما میگردد. طور مثال، روی شما متورم میشود، موهای تان کثیف و بدن تان بوی و رایحه ی بد میدهد و از دهان تان بوی ناخوش آیند بیرون میآید. با دیدن روی متورم و برجسته و موهای ژولیده ی خویش در آینه، میتوانید حس کنید که تا چه اندازه محتاج و وابسته اید. هر شخص باید روی خویش را در صبح شسته، دندانهای خود را با صاف و پاک نموده و موهای خود را مرتب کند. انجام دادن چنین کار برای کسی که به قرآن عقیده داشته و مطابق آن پیروی میکند، وی را به این یاد می آورد که از مردم دیگر تفاوت ندارد و نیز اینکه که تنها ذات خداوند است که بدون نقص و عیب است.

علاوه بر این، موقعی که شخص صادق و مخلص به خداوند(ج)، صورت خود را در آینه میبیند و از چیزی که دیده احساس ناراحتی مینماید، اینرا در مییابد که نمیتواند زیبایی را به میل و اختیار خود در تصرف داشته باشد.

دیده میشود که خداوند(ج) در وجود بندگان خویش بعضی نواقص را خلق نموده تا بندگان یاد آوری از وابستگی شان به وی بنمایند. حقیقت اینکه جسم شخص و یا محیط زیست در مدت بسیار کم کثیف میشود نیز همین است. مگر خداوند(ج) برای مردم نشان داده است تا چگونه برین عیوب فایق آیند و نعمات خود را مانند آب، صابون، شوینده و داروی پاک کننده و غیره برای ما مهیا ساخته است. خداوند اینرا در قرآن چنین بیان میکند.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ○ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ○ ﴿الانشراح: 5-6﴾

ترجمه: پس [بدان که] با دشواری آسانی است ○ آری با دشواری آسانی است ○

توانایی ملاحظه ی راز تکوین نعمات و سپاس از خداوند از برای آنها، تنها متعلق به مؤمنانی میگردد که باهوش بوده و از چنین چیزها نیز مطلع اند.

موقعی که انسان مؤمن خود را پاک میکند، در هنگام صبح و یا در طول روز، وی سپاسگزاری از اعطای وسایلی میکند که ذریعه ی آن خود را پاک میکند. چونکه وی میداند که خداوند(ج) پاکي و مردمان پاک را دوست دارد، شستن خویش را ینکوع عبادت پنداشته تا باشد که رضا و خشنودی خداوند(ج) حاصل شود. وی با مسرت خاطر و بخوشی اطاعت از فرمان خداوند(ج) که در سوره المدثر بیان شده است میکند.

وَيَبَّاكَ فَطَهَّرْ ○ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ○ ﴿المدثر: 4-5﴾

ترجمه: و لباس خویشتن را پاک کن ○ و از پلیدی دور شو ○

در آیه ی ذیل که درباره ی واقعات در جریان جنگ بدر بیان شده است، خداوند(ج) میفرماید که وی از آسمان برای مردم آب میفرستد تا خود را پاک کنند و از آن به نوع دیگر نیز استفاده نمایند.

إِذْ يُغَشِّيكُمْ النَّعَّاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُدْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ○ ﴿الأنفال: 11﴾

ترجمه: [به یاد آورید] هنگامی را که [خدا] خواب سبک آرامش بخشی که از جانب او بود بر شما مسلط ساخت و از آسمان

بارانی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند و وسوسه شیطان را از شما بزدايد و دلهايتان را محکم سازد و گامهايتان را بدان

استوار دارد ○

آب نیازمندی اساسی مردم بوده، تا ذریعه ی آن جسم و خانه و دیگر ملکیت های خویش را پاک نمایند. گذشته از اینکه آب قادر به پاک و صاف نمودن کثافت قابل رؤیت و یا غیر رؤیت (باکتریا) بوده، در آب توانایی راحت ساختن مردم نیز است. ریختن آب بالای بدن، باعث پراگندگی و متفرق شدن برق ساکنی میشود که موجودیت آن در وجود انسان سبب خستگی و فرسودگی میگردد. برق ساکنی که در وجود ما اقامه میداشته باشد، قابل رؤیت نیست ولی گاهی خود را با یکنوع صدا توأم با تکان بسیار ملایم و خفیف در هنگام تبدیل نمودن کالا و در هنگام برخورد با اشیاء و همچنان در هنگام شانه کردن موی برجسته و قابل ملاحظه میسازد. وقتیکه ما خود را با آب میشوئیم، از تجمع و انباشتگی برق ساکن در وجود خویش رهایی مییابیم و خود را راحت و سبک احساس میکنیم. تازگی و طراوت هوا بعد از باریدن باران نیز به اینطور میباشد زیرا آب خشکی هوا را که بوجود آورنده ی برق ساکن است صاف و پاک مینماید.

خداوند(ج) از پاکي مردمان يعني در هنگامیکه ظاهر آنان پاک باشد نیز خوش است. این در آیات قرآن که در رابطه با پاکي فزیکي و جسماني مردم در بهشت است دیده میشود، مانند آیات ذیل.  
خداوند(ج) میفرماید:

... كَأَنَّهُمْ لَوْلُو مَكْنُونٌ ﴿الطور: 24﴾

ترجمه: انگاری آنها مروریدی اند که [در صدف] نهفته است ○

... "أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ" ... ﴿البقره: 25﴾، ﴿آل عمران: 15﴾، ﴿النساء: 57﴾

ترجمه: ... همسرانی پاکیزه... ○

بعضی مردم پاکي ظاهري را فقط در هنگامی اهمیت میدهند که همراه دوستان یکجا بوده تا باشد که مورد پسند آنان قرارگیرند. آنها وقتی که در حضور دیگران حاضر نمیشوند، توجه به پاکي و نظافت نمینمایند. بطور نورمال، گردش روی خانه تا هنگام شام با روی کثیف و ناشسته، با بوی بد و با بستر نامنظم، در اطاق در هم و بر هم نیز نتیجه ی همین استددلال ناقص آنهاست.

هرچند خداوند(ج) انسان را اصرار به این مینماید تا پاکترین محیط را بسازد و امر مینماید تا هر کس حد اکثر کوشش داشته باشد تا پاکي را در هرچیز، از غذا گرفته تا به لباس پوشیدن و در هر جایی که زندگی میکنند مراعات نمایند.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا ... ﴿البقره: 168﴾

ترجمه: ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید ... ○

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ ... ﴿المائدة: 4﴾

ترجمه: از تو می پرسند چه چیزی برای آنان حلال شده است بگو چیزهای پاکیزه برای شما حلال گردیده ... ○

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ ... ﴿الأعراف: 157﴾



ترجمه: همانان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند ... ○

... وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ○ ﴿البقرة: 125﴾

ترجمه: ... [و فرمودیم] در مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود اختیار کنید و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان پاکیزه کنید ○

... قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَيْسْتُمْ فَاذْعَبُوا أَحَدَكُمْ يَورِقْكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ○ ﴿الکہف: 19﴾

ترجمه: ... [سرانجام] گفتند پروردگارتان به آنچه مانده‌اید داناتر است اینک یکی از خودتان را با این پول خود به شهر بفرستید تا ببیند کدام یک از غذاهای آن پاکیزه‌تر است و از آن غذایی برایتان بیاورد و باید زیرکی به خرج دهد و هیچ کس را از [حال] شما آگاه نگرداند ○

وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا ○ ﴿مریم: 13﴾

ترجمه: و [نیز] از جانب خود مهربانی و پاکی [به او دادیم] و تقوایبش بود ○

تاجاییکه طرز زندگی مردم نادان و جاهل آنها را وادار به این میکند تا بدست خود محیط را ناسالم نموده و در آن زندگی نمایند؛ مسلمانان برخلاف آنها با پیروی از اصول قرآن زندگی بهتری را در این جهان بسر می‌برند. مردم نادان و جاهل محیطی را می‌سازند که هم به خود و هم به دیگران در سدردهنده است. برعکس مسلمانان در جاهایی زندگی مینمایند که نیروبخش بوده و هر کس بتواند در آنجا به راحتی و آسودگی خاطر زندگی کند.

خلاصه، در همنوایی و همشویی با اصول قرآن، مؤمنان پاک و پاکیزه خواهند بود، نه برای مردم، بلکه برای اینکه پاکیزگی چیزی است که خداوند (ج) آنرا دوست دارد. با پاک و سالم نگه داشتن جایی که در آن زندگی مینمایند، و با ساختن محیطی که مردم دیگر در آن احساس راحتی نمایند لذت بیشتری در دل آنها پیدا میشود و در خصوص نظافت و پاکیزگی هیچگاه از خود لینت و سستی نشان نمیدهند.

## لباس پوشیدن

هنگامیکه یک مؤمن تصمیم میگیرد تا کدام لباس را در طول روز بپوشد، وی از این حقیقت آگاه است که لباس یکی از نعمات بی پایان خداوند (ع) بوده که تمام مردم از آن در بهره اند، مگر تنها مؤمنی که بنا بر اصول قرآن زندگی میکند، میتواند همواره سپاسگزاری و قدردانی از این کند که لباس زیبا بخششی است از جانب خداوند (ع). لباس فوراً وی را به این یاد می آورد که موجودات زنده منبع پشم، نخ، پنبه و پارچه ی ابریشمی میباشند و در حقیقت مواد خام لباس که در هر لحظه ی زندگی از آن استفاده میکنیم، از حیوانات و نباتات که از شگفتی های آفرینش اند گرفته میشود. از سوی دیگر، اگر خداوند (ع) بعضی از موجودات زنده را با توانایی تهیه نمودن اقسام لباس ساده ویا مجلل و راحت برای بشر خلق نمیکرد، این مواد خام وجود نمیداشت.

با وجود اینکه مردم از این حقیقت باخبر اند، بعضی شان یا نادیده میندازند و یا به سبب عقیده ی نادرستی که دارند بر بهای آن نمی افزایند. این بخاطر است که لباس برای آنها از لحظه ی که تولد میشوند ضرور میباشد، و بعدها به یک عادت مبدل میگردد. همین عادت آنها مانع میشود تا آنها گاهی هم فکر نکنند که لباس نعمت خداوندی است. هر چند که خداوند (ع) نعمات را آفرید تا انسان با استفاده از آن سپاس گزاری وی را نماید. اجازه دهید تا دلایلی را که خداوند چرا لباس را آفرید برای تان بیان داریم.

لباس مانند غلاف و محافظی است که وجود انسان را از سردی، تشعشعات پرخطر آفتاب و بعضی خطرات خورد و ریزه ی دیگر از قبیل ساییده شدن، ضربت دیدن و پاره شدن اعضای بدن نگه میدارد. اگر لباس نمیبود، اینگونه خطرات منجر میشد تا پوست نازک بدن انسان همیشه آسیب ببیند. اینها همه ناراحت کننده بوده و به صحت مضر واقع شده و همچنان پوست بدن منجر میشد تا ظاهر بدن انسان قیافه ی بسیار خرابی را بخود گیرد.

پروردگار ما در قرآن علت دیگری را بر علاوه ی علی که در فوق ذکر شد بیان میدارد:

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ ﴿الأعراف: 26﴾

ترجمه: ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت های شما را پوشیده می دارد و [برای شما] زینتی است

و [لی] بختن جامه [لباس] تقوا است این از نشانه های [قدرت] خداست باشد که متذکر شوند ○

قسمیکه از این آیه معلوم میشود، لباس بر زیبایی ظاهری انسان نیز خیلی می افزاید.

علاوتاً، لباس نیازمندی ضروری و نعمت نهایت مهم بوده که از جانب خداوند برای سودمندی ما هدیه شده است. مؤمنی که از این سخن آگاه است، در انتخاب لباس و استفاده از آن خیلی باریک بین بوده، زیرا همین حس باریک بینی وی اشاره ی است که وی بدرستی خداوند را شاکر و سپاسگزار است. خصوصیت دیگری را که مؤمن از ارزشهای قرآن حاصل کرده است اینست که وی در خرج نمودن پول میانه روی مینماید. این در هنگام خریدن لباس نیز قابل اجرا است. وی چیزی را میخرد که به آن ضرورت دارد و مناسب حال وی است. وی پول خویش را در چیزهای بیهوده و بی نیاز صرف نمینماید. آیه ی ذیل موضوع را خوبتر از اختفا بیرون می آورد.

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿الفرقان: 67﴾

ترجمه: و کسانی اند که چون انفاق کنند نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی گزینند ○

مواظبت شخصی که بنابر اصول قرآن زندگی مینماید محدود به این نیست بلکه بر علاوه از این وی کوشش مینماید تا لباس پاک بپوشد و از پاک لباس خویش نیز مواظبت کند. طرز لباس پوشیدن

پیغمبر(ص) و توصیه وی در این مورد را در احادیث شریف میتوان پیدا کرد که بعضی آنها در ذیل بیان گردیده اند:

"بخورید هر چه را دوست دارید (حلال)، و بپوشید هر چه را خوش دارید که خالی از دو چیز باشد: زیاده روی و خودستایی". (مولانا محمد منظور نعمانی، معارف الحدیث)

و در حدیث دیگری آمده است که:

"وقتی قومی برای ملاقات با آنحضرت می آمدند، وی بهترین لباس خود را میپوشید و برای صحابه کرام نیز چنین امر میفرمود". (طبقات الحدیث، جلد چهارم، شماره 346)

اگر یکی از صحابه کرام به ظاهر خود اهمیت نمیداد و نا مرتب بنظر میخورد، وی(ص) آنرا سریعاً آگاه میساخت، که نمونه ی آن در ذیل بیان گردیده است:

پیغمبر خداوند(ع) در مسجد بود که یک مرد با موهای ژولیده و ریش درهم و برهم بداخل آمد. پیغمبر(ص) به وی اشاره کرد، طوریکه آنمرد دانست تا برود و موها و ریش خود را مرتب سازد. مرد رفت و چنین کرد و دوباره به مسجد برگشت. پیغمبر(ص) فرمود: "آیا این خوب نیست از اینکه با موهای ژولیده بیایی". (الموطأ الامام مالک، جلد دوم، شماره 949)

در قرآن کریم، خداوند(ع) میفرماید که لباس، زیور و پیرایه و زینت از جمله بهترین نعمات جنت اند. بعضی از آیات قرآن که در این مورد اند در ذیل ذکر گردیده اند:

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُجْلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَوْلَا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿الحج: 23﴾

ترجمه: خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی آورد در

آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند و لباسشان در آنجا از پرنیان است ○

يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَاسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿الدخان: 53﴾

ترجمه: پرنیان نازک و دیبای سبز می پوشند [و] برابر هم نشسته اند ○

عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُندُسٍ خُضْرٌ وَاسْتَبْرَقٌ وَحُلُوعَاوِرٌ مِنْ فَصَّةٍ... ﴿الإنسان: 21﴾

ترجمه: [بجستیان را] جامه های ابریشمی سبز و دیبای سبز در بر است و پیرایه آنان دستبندهای سیمین است ... ○

در این آیات، پروردگار ما در باره ی پارچه ی ابریشمی و زیوراتی که از طلا، نقره و مروارید ساخته شده اند سخن میگوید. زیوراتی که در دنیا صاحب آن هستیم مشابه با زیوراتی اند که در جنت اند، و برای شخص با ایمان، دیدن همین زیورات – خواه داشته باشد و یا نه – وسیله ی است که وی را به اندیشیدن در مورد جنت سوق میدهد و آرزوی رفتن به آنجا را در دل وی بیشتر میسازد. مؤمن این را درک میکند که تمام نعمات این دنیا ناپایدار و زودگذر اند. نعمات حقیقی و جاودانی را تنها در زندگی بعد از مرگ، در بهشت میتوان حاصل کرد.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ۝ أُولَئِكَ هُم جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَاسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَ حَسَنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿الكهف: 30-31﴾

**ترجمه:** کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدانند که] ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباہ نمی کنیم ○  
آنانند که بهشت‌های عدن به ایشان اختصاص دارد که از زیر [قصرها] شان جویبارها روان است در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند و جامه‌هایی سبز از پرنیان نازک و حریر ستر می‌پوشند در آنجا بر سریرها تکیه می‌زنند چه خوش پاداش و نیکو تکیه‌گامی ○

یکی از نکاتی را که باید انسان مؤمن در رابطه به لباس خصوصاً در هنگام برقراری رابطه با مردم دیگر مدنظر گیرد اینست که در هنگام اینکه مردم را به دین قرآنی خویش دعوت مینماید باید در لباس خود نیز توجه داشته باشد. وی باید مشتاق این باشد تا لباس با حیا و میانه را بپوشد. این نشان میدهد که وی واقعاً از روی اخلاص یک شخص دیندار است چونکه او امر خداوندی را اطاعت مینماید و احترام به مردم نیز دارد. در هنگام سخن گفتن در باره رستگاری ابدی برای دیگران و از ادراک حالت روانی افراد از رفتار ایشان فقط کسانی میتوانند موفق باشند که در زندگی دارای سیرت قرآنی اند.  
در خاتمه، شخص با ایمان، با گرفتن مثال از پیغمبر (ص)، همیشه با لباس پاک آراسته میباشد و از پاکي لذت میبرد تا باشد که رضای خداوند (ج) حاصل گردد و پاکي ظاهري وي بر پاکي باطني وي تأثیری پدید آرد.

## ناشتای صبح

هر مؤمنی را که خداوند(ج) قدرت و توانایی فکر کردن و فهمیدن داده است - هنگامیکه وی به محل خوراک پزی به اصطلاح عام، آشپزخانه می‌رود تا صبحانه نوش جان کند - درک مینماید که تمام انواع غذاها و یا نوشیدنی‌ها نعماتی‌اند که از جانب خداوند(ج) اعطا شده‌اند و درحقیقت حقایقی‌اند که وی را بسوی اعتماد به خداوند(ج) سوق میدهد.

طورمثال، آتشی که وی آنرا جهت پخت و پز غذا استفاده مینماید میتواند به خود وی و یا اشیایی دیگر اطراف وی مضر واقع شود، بلکه قابلیت تخریب را نیز دارد. مگر آتش، غذا را چیز خوردنی، قابل هضم و گوارا و عاری از مکروب میسازد. از اینجهت گفته میتوانیم که یک نعمت نهایت هنگامت و بزرگ است. از طرف دیگر، آتش مانند تمام اشیایی دیگر در زمین برای منفعت انسان گذاشته شده است. در قرآن، خداوند(ج) میفرماید،

﴿الجمانیة: 13﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ○

ترجمه: آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد همه از اوست قطعا در این [امر] برای مردمی که

می‌اندیشند نشانه‌هایی است ○

گذشته از این، آتش این دنیا در حقیقت برای مؤمنان یاد آوری است از آتش دوزخ است. با تذکر حال کسانی که بدوزخ می‌روند در قرآن، خداوند(ج) از تندی آتش و در اندکی از آیات دیگر، در مورد کیفیت آتشی که صرفاً برای کفار آماده شده است نیز بیان میدارد.

﴿الناریات: 13﴾ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ○

ترجمه: همان روز که آنان بر آتش عقوبت [و آزموده] شوند ○

﴿المومنون: 104﴾ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ○

ترجمه: آتش چهره آنها را می‌سوزاند و آنان در آنجا ترش‌رویند ○

﴿الفتح: 13﴾ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ○

ترجمه: و هر کس به خدا و پیامبر او ایمان نیاورده است [بداند که] ما برای کافران آتشی سوزان آماده کرده‌ایم ○

هنگامیکه مؤمنان عمیقاً در باره ی آتش طغیان کننده و خشمناک دوزخ می‌اندیشند، حس ترس از خداوند(ج) در وجودشان بیشتر شده، وی را بیشتر عبادت میکنند و به وی پناه می‌برند. از اینرو، اندیشیدن در باره ی چنین چیزهای کوچک، همه روزه برای یادآوری از مسایل مهم سودمند بوده و از بخش‌های بسیار مهم عمل و طرز کار مؤمن بشمار میرود.

هرگاه یک شخص در باره ی غذایی که در صبح می‌خورد از روی اخلاص و بدون غرض ورزی فکر نماید، حتماً بسیار چیزها را در مییابد. مزه و بوی نان، عسل، پنیر، تخم، بادنجان رومی، چای، آب میوه، ارزش غذایی و رنگهای گوناگون آنها تماماً نعماتی‌اند که از جانب خداوند(ج) داده شده‌اند. تمام آنها در حقیقت تهیه کننده ی انواع پروتئینها، امینو اسیدها، کاربوهایدریتها، ترگلیسیرایدها، ویتامینها، منرالها و مواد دیگری که خون انسان را تشکیل داده و بدن به آنها نیاز دارد، میباشند. برای سپری نمودن زندگی خوب، ما باید خود را بطور منظم تغذیه نماییم. مگر این یک کار سخت و طاقت فرسا نیست، بلکه چیزی است که از آن لذت نیز می‌بریم. انواع میوه جات، سبزیجات، حبوبات و غیره بر علاوه ی مرفوع ساختن

نیازمندی های بدن به انسان لذت نیز میبخشد. طور مثال، سیراب شدن بعد از تشنگی و یا غذا خوردن بعد از گرسنگی لذت دیگری دارد.

در حقیقت، تمام چیزهایی که ذکر شد مسایل بسیار کوچکی اند که هر شخص آنرا خوب میداند. مگر بیشتر مردم اینرا ملاحظه نمینمایند که این نعمات توسط خداوند(ع) جهت استفاده روزانه برای ما اعطا شده اند. آنها جهت استفاده بیشتر و فکر نکردن در باره ی آنها اکنون نمیتوانند ارزش آنها را درک نمایند. علاوه بر این، انواع غذا های لذیذ و نوشیدنی ها برای وجود انسان منفعت بیشتری میبخشند که هر کدام آنها از جمله ی شگفتی های آفرینش اند.

طور مثال، زنبوری که فقط چند گرم وزن دارد عسلی تولید مینماید که هم از جهت داشتن ویتامینها و منرالها و هم از سبب داشتن خصوصیات ساختمانی برای صحت انسان مفید واقع گردیده و برای معالجه بعضی امراض داخلی بدن انسان نیز خیلی مؤثر میباشد. در قرآن خداوند(ع) میفرماید که وی چنین کیفیت و کار فیزیکی زنبور عسل را ملهم نموده است:

وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ۝ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلَالًا يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهِنَّ شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ ﴿النحل: 68-69﴾

ترجمه: و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [=الهام غریزی] کرد که از پاره‌های کوهها و از برخی درختان و از آنچه داربست [و چفته‌سازی] می‌کنند خانه‌هایی برای خود درست کن ۝ سپس از همه میوه‌ها بخور و راههای پروردگارت را فرمانبردارانه پیوی [آنگاه] از درون [شکم] آن شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می‌آید در آن برای مردم درمانی است راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه [قدرت الهی] است ۝

مؤمنی که عمل آوری و حاصل زنبور عسل را ملاحظه میکند، از شگفتی و راز آفرینش آن نیز آگاه میشود. وی بدون واسطه درک میکند که نه شگوفه های درختان میوه که تهیه کننده مواد خام عسل بوده - که شهد آنرا زنبور به عسل تبدیل میکند - و نه خود عسل شگفت آور، ذریعه ی چانس بمیان آمده است. و همین حقیقت، وی را دیگر هم به خداوند(ع) نزدیکتر میسازد.

علاوه بر این، اطاعت کامل یک زنبور ناچیز و خرد از خدای متعال، حقیقت دیگری است که وی را به سوی اعتماد به خداوند(ع) هدایت میکند. انسان مؤمن سریعاً درک مینماید که زنبور عسل با نداشتن هوش و هشیاری، کار خویش را تنها توسط الهام خداوندی، بطور لاینقطع و با دسپلین خاص بطور شگفت انگیز انجام میدهد.

اهمیت گوشت، شیر، پنیر و دیگر حاصلات حیوانات که نعماتی اند از جانب خداوند(ع) برای بشر، در قرآن چنین تذکر یافته است:

إِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بَطُونِهِنَّ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۝ ﴿المؤمنون: 21﴾

ترجمه: و البته برای شما در دامها[ی گله درس] عبرتی است از [شیری] که در شکم آنهاست به شما می‌نوشانیم و برای شما در آنها سوده‌های فراوان است و از آنها می‌خورید ۝

در آیه ی فوق با اشاره به مزایا و منفعت های که از حیوانات حاصل مینماییم "از چیزی که در شکم هایشان است"، نیز ذکر گردیده است. یعنی بقایای غذایی که در دوران هاضمه گاو بعد از خوردن غذا باقی مانده، آبی که نوشیده و خونی که در وریدها و جهازهای داخلی بدن گاو مانده است با هم یکجا شیر را تشکیل میدهند. این در واقع بسیار عجیب است که شیر صاف، سفید و خوشمزه که برای صحت انسان خیلی ها مفید است، از چنین مخلوطی در داخل شکم گاو است بمیان می‌آید. علاوه بر این، شیر

با وجودیکه در داخل شکم حیوان در ناحیه ی تولید میشود که مواد بیهوده در آنجا است، بطور بسیار سالم تولید میشود.

حقیقت دیگری که دلالت بر افضل بودن علم خداوند مینماید اینست که چون تنها غذایی که در داخل بدن گاو باعث تولید شیر میگردد، سبزه و علف سبز است، بنابراین حیواناتی که شیر تولید مینمایند، شیر سفید را از یک ماده ی سبز سفت و محکم ایجاد مینمایند. سپس از چنین سیستم عجیبی که خداوند(ج) در بدن آنها خلق نموده است. در قرآن پروردگار متعال در باره ی خصوصیات شیر چنین میفرماید:

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ ﴿٦٦﴾ النحل: 66

ترجمه: و در دامها قطعا برای شما عبرتی است از آنچه در [لابلای] شکم آنهاست از میان سرگین و خون شیری ناب به شما

می‌نشانیم که برای نوشندگان گواراست ○

قسمیکه معلوم است، شیر غذای سرشار از مواد گوناگونی است که بدن انسان بدان نیاز دارد. مایعی است که در حصه تغذیه و پرورش اطفال و بزرگ سالان رول عمده ای را بازی مینماید.

غذای دیگری که از حیوانات حاصل میگردد و در ذات خود کوچک، ولی از نگاه اهمیت غذایی خیلی بالا میباشد عبارت از تخم است. تشکیل این انبارسروپوشیده ی پروتینها، ویتامینها و منرالها شگفتی دیگریست که در آن باید تعمق گردد. مرغ با هشیاری بسیار اندکی، همه روزه تخم تولید نموده و آنرا بطور عجیب نگه داشته و تحت پوشش خود قرار میدهد. با ملاحظه ی پوست تخم که در داخل آن مایع قرار داشته و با تعمق در باره ی چگونگی قرارداشتن مایع در داخل چنین پوش و با ملاحظه ی هنر خلاق خداوند(ج) مؤمن در وجود خویش حس فکر نمودن در باره ی دیگر نعمات را نیز پیدا مینماید.

انواع و اقسام نوشیدنی های که خوردن آنرا مردم در ناشتایی صبح ترجیح میدهند از گیاهان و نباتات بوجود میآیند. بعد از اینکه برگ، دانه و یا خود این گیاهان و نباتات طی پروسه ی معینی گذاشته میشوند، به مایع شیرین و خوشبوی مبدل میگرددند. هزاران نبات دیگری که در یکنوع خاک رشد مینمایند نمایانگر قدرت و علم بی پایان خداوند(ج) بوده که لطف و مرحمت وی را بالای انسانها نشان میدهد. قسمیکه پروردگار ما در قرآن بیان میدارد:

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مَتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ ﴿١٤١﴾ الأنعام: 141

ترجمه: و اوست کسی که باغهایی با داربست و بدون داربست و خرما و کشتزار با میوه‌های گوناگون آن و زیتون و انار شبیه

به یکدیگر و غیر شبیه پدید آورد از میوه آن چون ثمر داد ○

خداوند(ج) در این دنیا نعمات خویش را از سببی برای انسان مهیا ساخته است تا آنها را در هنگام توانگری و تنگدستی آزمایش نماید. کسانی که در چنین آزمایشات از خود وضعیت خوب اخلاقی نشان میدهند، خداوند(ج) از آنها خرسند بوده و در قرآن نیز بیان داشته است که چنین افراد از نعمات بی‌شمار بهشت برخوردار اند. طورمثال، بعضی افراد صبحانه ی بسیار خوبی نوش جان میکنند، حالانکه دیگران فقط چند لقمه ی ناچیزی را. لیکن یک مؤمن خواه در زندگی خویش خوشبخت و کامیاب باشد و یا نه، طوری عمل مینماید که رضای خداوند(ج) حاصل شود و همواره از وی با خلوص نیت سپاسگزاری مینماید. هرگاه پولدار باشد، گردن فرازی و خودستایی نمیکند و اگر غریب باشد احساس نارضایتی ننموده و غمگین نیز نمیباشد.

انسان مؤمن باخبر است که این دنیا ناپایدار و زودگذر است چونکه خداوند(ج) وی را امتحان مینماید. قسمیکه در قرآن ذکر شده است، خداوند(ج) انسان را با خیر و شر امتحان مینماید.

... وَنَبَلُّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿35﴾ ﴿الأنبياء: 35﴾

ترجمه: ... و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود و به سوی ما بازگردانیده می‌شوید ○

از اینرو، شخصی که بنا بر اصول قرآنکریم زندگی مینماید خوبتر میفهمد که هدف اصلی بدست آوردن نعمات نیست بلکه طرز برخورد در مقابل اعطای آنها جهت کسب ثواب، در دیدگاه خداوند است. حتی اگر وی خوشبخت و کامگار هم نباشد، کوشش مینماید تا از روی اخلاص به خداوند رجوع نماید. در قرآن کریم خداوند(ج) بیان میدارد که وی نعمات کسانی را که با عزم و اراده ی خالص از وی سپاس میکنند بیشتر میسازد و به شخص ناسپاس نیز یاد آور شده که عذاب دوزخ بسیار وحشت آور و هولناک است:

... لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿7﴾ ﴿إبراهيم: 7﴾

ترجمه: ... اگر واقعا سپاسگزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد و اگر ناسپاسی نمایید قطعا عذاب من سخت خواهد بود ○

کسیکه نشانه های بدون عیب آفرینش و همچنین غذاها را ملاحظه مینماید، از منظور الهی ساختمان و فعالیت دهن که جهت غذا خوردن خلق شده است نیز آگاه میشود. وقتی که یک شخص غذا صرف مینماید، لبها، دندانها، زبان، الاشه ها، غده ی مترشح آب دهن و میلیون ها حجرات دیگر متفقاً با یک هم اهنگی خاصی عمل مینمایند تا وی غذا را بطور بسیار آسان و با لذت خاصی بخورد. اینهمه طوری آراسته شده که تمام فعالیت ها، بدون کدام مانعی، بطور همزمان اجرا میشوند. دندانها غذا را خورد و ریزه ساخته و زبان مکرراً آنرا بسوی دندانهای راست و چپ میبرد تا خوبتر جویده شود. الاشه با عضلات قوی، دندانها را در هنگام جویدن غذا نیز کمک مینماید. لبها به نوبه ی خود به گونه ی یک دروازه ی بسته عمل مینمایند تا مانع بیرون افتادن غذا از دهن گردند.

گذشته از این، هر دندان نظر به موقعیت و ساختمانی که دارد، در جویدن و ریزه نمودن غذا اهمیت بسزا دارد. هر دندان چنان منظم است که به تدریج رشد نموده و به طول معین رسیده تا با دندان مقابل خویش با تشریک مساعی فعالیت نماید. مطمئناً این اعضا فاقد هشیاری و حس آگاهی اند؛ جهت همکاری با یکدیگر با هم تصمیم نیز گرفته نمیتوانند و امکان ندارد که همین ترتیب شگرف و عالی که بطور مختصر در فوق ذکر گردید از روی تصادف و یا بطور بی مقصد بمیان آمده باشد. هر قسمت آن جهت بدست آوردن هدف معینی بطور دقیق و کامل بوجود آمده است. شکی نیست که همین طرح عجیب و حیرت آور از جانب خداوند است.

وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا ﴿2﴾ ﴿الفرقان: 2﴾

ترجمه: و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که درخور آن بوده اندازه گیری کرده است ○

یقیناً، خداوند(ج) تمام این چیزها را از سببی خلق نمود تا غذا خوردن برای انسان ها آسان شود و از آن فایده و لذت نیز حاصل نمایند.

نقطه ی مهم دیگری که انسان مؤمن آنرا بازتاب میدهد و در باره ی آن فکر میکند اینست که وی میتواند بوی و ذایقه ی غذا را بدون کدام تلاش و تقلایی دریافت نماید. این به جهت موجودیت توانایی و نیروی ذهنی عجیبی که در وجود وی است ممکن است. حس بوی نمودن و ذایقه ی که در طول عمر در وجودش میباشد، بطور بسیار کامل و بدون عیب و با مصرف نمودن هیچ قیمتی فعالیت مینمایند. آنها کدام



آموزشی نیز ندیده اند تا باین زیادی بطور موثر فعالیت نمایند، حالانکه عاری از هوش بوده و از کار و فعالیت خویش نیز بی هوش و بی خبر اند.

هرگاه شخصی فاقد حس ذایقه باشد، مزه ی گوشت، ماهی، سبزیجات، سوپ، سالاد، میوه جات، نوشیدنی ها و انواع مربا و غذاهای دیگر برای وی کدام معنی ای ندارند. گذشته از این که وی مزه ی چنین چیزها را احساس نمیکند؛ آنها بی مزه، بی طعم و ناخوش آیند بوده و باعث واژگونی و اشفتگی شکم خواهند شد. شکی نیست که مزه و توانایی حس نمودن آنها صرفاً برای انسان ها خلق شده است. نا آگاه بودن از این، به سبب خود پسندی ای که عادتاً بوجود میاید اشتباه بزرگی است. در قرآن کریم خداوند (ع) بیان میدارد که وی غذایی خوب و پاک را برای انسان ها آفریده است:

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿غافر: 64﴾

ترجمه: خدا [همان] کسی است که زمین را برای شما قرارگاه ساخت و آسمان را بنایی [گردانید] و شما را صورتگری کرد و صورتهای

شما را نیکو نمود و از چیزهای پاکیزه به شما روزی داد این است خدا پروردگار شما بلندمرتبه و بزرگ است خدا پروردگار جهانیان ○

یقیناً، برای مردم دانا، مزه ی هر غذا وسیله ایست که باعث سپاسگزاری بطور شایسته ای از خداوند (ع) میگردد. آنها وی را با قدردانی خاصی تحسین و تمجید مینمایند. مؤمنی که توانایی فهمیدن اینرا دارد که تمام انواع غذاهای لذیذ از جانب و به فضل خداوند (ع) حاصل میشوند همیشه در هنگام نان خوردن در روی میز و یا دسترخوان از پروردگار خویش عمیقاً سپاسگزاری مینماید. خداوند (ع) در قرآن میفرماید:

وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ○ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَجِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ○ ﴿يس: 33-35﴾

ترجمه: و زمین مرده برهانی است برای ایشان که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن می خورند ○ و در آن [زمین]

باغهایی از درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمهها در آن روان کردیم ○ تا از میوه آن و [از] کارکرد دستهای خودشان بخورند

آیا باز [هم] سپاس نمی گزارند

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ○ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ○ وَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ○ ﴿يس: 71-73﴾

ترجمه: آیا ندیده اند که ما به قدرت خویش برای ایشان چهارپایانی آفریده ایم تا آنان مالک آنها باشند ○ و آنها را برای ایشان رام

گردانیدیم از برخی شان سواری می گیرند و از بعضی می خورند ○ و از آنها سودها و نوشیدنیها دارند پس چرا شکرگزار نیستید

○

بعضی مردم به این باور اند که فکر نمودن در باره ی چنین چیزها مهم نیست، اگر چه آنها تا حال غذا های خوشمزه و خوشبو را خورده اند که تماماً در رفع ضروریات بدن ایشان در طول زندگی شان خیلی مفید و مؤثر واقع شده است. حقیقتی را که خداوند(ع) نعمات بی شمار را برای آنها بوجود آورده است تا سپاسگزاری کنند، به دست فراموشی سپرده اند. چنین رویه ی آنها بکلی اشتباه میباشد، آنها باید این را از یاد نبرند که در روز آخرت پرسیده خواهند شد که در مقابل استفاده از نعمات چه نوع عکس العمل نشان دادند.

انسان مؤمن همیشه آگاه بوده که خداوند(ج) بدن وی را به قسم امانت به وی سپرده است، و نیز وی مسئول است تا مواظبت از آن کند و آنرا به گونه‌ی بهتری تغذیه نماید. به خاطر اینکه وی کارها را به آسانی انجام دهد، وی میداند که در قدم اول باید صحتمند باشد و همچنان با غذای کامل همراه با رژیم غذایی معتدلی تغذیه گردد. وی باخبرست که بدن وی باید تمام غذاها را برای رشد و توسعه‌ی 100 ترلیون حجرات موجوده بی بدنش داشته باشد. بنابراین چه در ناشتای صبح و یا در اوقات دیگر، وی کوشش مینماید تا غذای سالم و طبیعی را نوش جان کند و از خوردن غذا های مضر و پرگزند اجتناب نماید، حتی اگر جاذب و دلکش و خوشمزه نیز باشند. وی در این خصوص تنبل و بی دقت نمیشد. طور مثال، وی میداند که تمام فعالیت های اعضا و اندام وی، قدرت موجوده ی بدن وی در جلوگیری از پراکنده شدن مواد زهرالود و مضر و ظرفیت بدن وی در غلبه نمودن بر خستگی و فرسودگی تماماً وابسته به آب است، که بسیاری مردم از نوشیدن مرتب آن در اهمال اند. وی مواظب میباشد تا در طول روز به حد کافی آب بنوشد. پیغمبر ما، صلی الله علیه وسلم، در جاهای بیشتری، ما را متوجه اهمیت آب مینماید.

طور مثال، حضرت محمد (ص) در هنگام یک سفر خویش بعد از نشستن به جایی، از کسانی که در جلو وی نشسته بودند تقاضای آب نمود. بعد از اینکه دستها و روی خود را با آن شست و یک اندازه ی آنرا نوشید، به اصحاب خویش گفت: یک اندازه از این آب را در روی و سینه های خویش بریزانید. (صحیح البخاری) پیغمبر (ص) بعد از نوشیدن آب گفت: شکر و سپاس از خداوند (ج)، کسیکه آب را خوشمزه و شیرین ساخته است که نه نمکین است و نه بی مزه. (امام غزالی، احیاءالعلوم الدین)

## در سر راه

مردم حالا ناشتای صبح خویش را تمام نموده و خود را آماده ساخته تا چالش های گوناگونی را در محل کار، مکتب و جاهای دیگر مقابل شوند. بسیاری از مردم کارهایی دارند که باید آنرا قبل از آخر روز بانجام برسانند. خداوند(ع) این وضعیت را در قرآن چنین بیان میدارد:

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْعًا طَوِيلًا ﴿المزمل: 7﴾

ترجمه: [و] تو را در روز آمد و شدی دراز است ○

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿الفرقان: 47﴾

ترجمه: و اوست کسی که شب را برای شما پوششی قرار داد و خواب را [مایه] آرامشی و روز را زمان برخاستن [شما] گردانید ○

روزی را که انسان مؤمن در پیش دارد، فرصتی میپندارد تا رضا و خشنودی خداوند (ع) را در آن حاصل نماید، و تا بهشت را، که بخاطر آن جودهد مینماید تا عمل خوب انجام دهد، بدست آورد. اگر مصروف نیز باشد، مصروفیت خویش را اهمیت نداده و مواظب میباشد تا حصول رضا و خشنودی خداوند (ع) را هیچگاه از یاد نبرد. وی دعای حضرت سلیمان (ع) را که در قرآن بیان شده است، با آرزوی اینکه خداوند (ع) در طول روز وی را میبیند، سرمشق زندگی قرار میدهد.

وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿النمل: 19﴾

ترجمه: [سلیمان] از گفتار او دهان به خنده گشود و گفت پروردگارا در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس بگزارم و به کار شایسته‌ای که آن را می‌پسندی پردازم و مرا به رحمت‌خویش در میان بندگان شایسته‌ات داخل کن ○

هر شخصی که از خانه خویش به قصد رفتن به مکتب، وظیفه و یا جای دیگر خارج میشود، در طول راه با مردم، اشیاء و واقعاتی روبرو میشود که در باره ی آنها باید فکر نماید. تمام چیزهایی را که یک شخص میبیند برای خداوند معلوم بوده و به اراده ی وی بوجود آمده و نیز اینکه واقعات بخاطر دلایل معینی واقع میگردد. بنابراین، وقتی که انسان مؤمن با این نیت به آسمان نگاه میکند، درمییابد که آسمان بطور بسیار شگفت انگیز آفریده شده است. وی حقیقت آیه ی ذیل را در پیش چشمان خود مییابد:

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا... ﴿الانبیاء: 32﴾

ترجمه: و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم ○

فعالیت آسمان به حیث یک "سقف حفاظت کننده" از اتموسفر آن پیداست، یعنی همین اتموسفر فعالیت خود را با بسیار دقت انجام داده و باعث احاطه ی زمین گردیده، تا انسانها زندگی نمایند. هر طبقه ی آسمان زمین یا اتموسفری که به هفت طبقه ی مسلسل تقسیم شده است دارای خصوصیات خاصی بوده که تا کنون ساینسدانها در باره ی آن مطالعه مینمایند. طورمثال: یک طبقه ی از اتموسفر مانع از داخل شدن شعاعات مضره ی کاینات به زمین میشود که چنین شعاعات به مخلوقات روی زمین خیلی مضر است. همچنان سنگهای خورد و بزرگ آسمانی را تبخیر مینماید تا مانع ورود آنها به زمین گردد. زمین را از یخ زدن نیز نجات میدهد، چونکه هوای کاینات در حدود 270 درجه ی سلسیوس میباشد این

طبقه مانع انجماد و یخ بندان زمین نیز میگردد. طبقه ی دیگر آن بخارات ابحار را نمیگذارد تا به فضای کاینات پراکنده شوند؛ سپاس از قدرتی که اینرا بوجود آورده است، از اینکه همین طبقه باعث تولید ابر گردیده که در نتیجه، آب آن دوباره ذریعه ی باران، برف و یا ژاله به اندازه ی معین به زمین میرسد. با وجود اینکه بعضی کسان اظهار قدردانی و سپاس از خداوند عزوجل نمی نمایند. سپاسگزاری یک امر حتمی است زیرا خداوند (ج) برای ما یک محیط عیار، کامل و دلخواه را ساخته است تا ما را از تهدید خطراتی که ممکن است از آسمان بیاید نجات دهد.

در قرآن کریم، خداوند (ج) بیان میدارد که مؤمنی که به آسمان نگاه میکند، به صراحت ثبوت اینرا در مییابد که آفرینش آن کامل و موزون و بدون عیب است.

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُتُورٍ ○ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ○ ﴿الملك: 3-4﴾

ترجمه: همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید در آفرینش آن [خدای] بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی بینی

بازنگر آیا خلل [و نقصانی] می بینی ○ باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سویت بازگردد ○

خداوند (ج) در قرآن مجید میفرماید که برای کسانی که از روی ایمانداري و با اعتقاد خاص به خلقت آسمانها و زمین نگاه میکنند، نشانه های بسیار موجود است.

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَرَبَّيْنَاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ○ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ ثَلٍّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ○ تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ○ ﴿ق: 6-8﴾

ترجمه: مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته اند که چگونه آن را ساخته و زینت داده ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست

○ و زمین را گسترده و در آن لنگر [آساکوه]ها فرو افکندیم و در آن از هر گونه جفت دل انگیز رویانیدیم ○ [تا] برای هر بنده توبه کاری بپوشانیم و پندآموز باشد ○

مؤمنی که نگاه با دقت خود را از آسمان پر از شگفتی ها به زمین بیندازد، نشانه ی دیگر خلقت را نیز در مییابد. زمینی که بالای آن وی قدم میزند، در قسمت پایین خود لایه ی را بنام مگما که پر از سنگها و صخره های آتشین و ذوب شده ی غیر قابل باور بوده دارا میباشد. با مقایسه ی این لایه با تمام زمین، قشر زمین بسیار باریک به نظر میرسد، یعنی همین سنگها تقریباً زیر پاهای مردم قرار دارند. از آنرو، ضخامت قشر زمین در مقایسه با خود زمین مانند ضخامت پوست سیب با خود سیب میباشد. مؤمنی که در باره ی چنین چیزها فکر میکند، دوباره به این فکر می افتد که زمین با تمام موجودات جنبنده و غیر جنبنده ی آن بخاطری بدون عیب است که خداوند (ج) به اراده ی کامل خویش تعادلی را بوجود آورده است تا هر جنبنده زندگی خود را در محیط بیخطر و پر از مسئولیت و اسایش بسر ببرد.

مؤمنی که همین زیبایی ها و شگفتی های آفرینش را با چشم بصیرت و با فکر عمیق خود مطالعه مینماید، قدرت و عظمت خداوند (ج) را میتواند درک نماید. طور مثال، پرندگان در هوا، میوه جاتی که چوکات های دوکان میوه فروشی را با رنگهای مرغوب خویش زینت داده اند و بوی خوشی که از

نانوایی یا از دوکان شیرینی پزی میاید، به انسان مؤمن حقیقتی است که مردم دیگر آنرا هیچگاه درک کرده نمیتوانند.

مؤمنی که در هنگام قدم زدن در سرک راجع به نشانه های بیشمار و متنوعی که با آنها روبرو میشود، تعمق مینماید، در باره ی اینکه چگونه باید رفتار نماید نیز فکر میکند. طور مثال، وی بدون اینکه اندکی مبالغه و گزاف گوئی و گزاف پوشی و تظاهر نماید، در راه قدم میزند. چونکه خداوند (ج) در یکی از آیه های قرآن چنین بیان مینماید:

وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿لقمان: 19﴾

ترجمه: و در راه رفتن خود میانه رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازه بانگ خران است ○

شخص متواضع از اوامر خداوندی با فروتنی اطاعت نموده و در راه رفتن نیز طریق میانه را انتخاب مینماید. که این کار وی هم از دیدگاه خداوند (ج) و هم از دیدگاه مؤمنان قابل قبول است.

مؤمنان اینرا میدانند که خداوند (ج) تمام انسانها را خلق نموده است و نیز اینکه تمام خصوصیات و ویژگی های خاصی را برای آنها اعطا کرده است. مگر کسانی که از اصول و تدریسات قرآن کریم بی خبر اند، این حقیقت را تقدیر ننموده و به فکر ایشان تمام ویژگی ها و صفاتی که در وجود شان است، از خود شان بوده و بطور خود بخودی به کوشش خود ایشان بدست آمده است. فکر نمودن آنها به گونه ی که گویا زیبایی، ثروت، علم و کامیابی شان فقط توسط خود شان بوجود آمده است، ایشان را متکبر و گردن فراز و خودبین میسازد. و به سبب تکبر، ایشان دیگران را تخریب نموده تا باشد که مورد توجه مردم قرارگیرند و تفوق و برتری خویش را نمایان سازند. چون طرز برخورد ایشان از صحبت نمودن و عمل نمودن آنها معلوم است، بناءً گفته میتوانیم که در هنگام راه رفتن نیز اینگونه مردم شناخته میشوند. بهر حال، به نزد خداوند عالی مرتبه و علیم، تمام مردم ناتوان اند و به وی در همه عمر محتاج اند. خداوند(ج) در قرآن کریم ما را از اینگونه رفتار باخبر ساخته و از چنین خود ستایی و از گفتن سخن اغراق آمیز، منع مینماید.

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿لقمان: 18﴾

ترجمه: و از مردم [به نخوت] رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لافزن را دوست نمی دارد ○

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّكَ لَنْ تُخْرَقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ﴿الإسراء: 37﴾

ترجمه: و در [روی] زمین به **نخوت** گام برممدار چرا که هرگز زمین را نمی توانی شکافت و در بلندی به کوهها نمی توانی رسید ○

هر شخصیکه بنابر اصول قرآن زندگی خویش را بسر میبرد، از ناتوانی و عاجز بودن خویش دانا بوده و میفهمد که نظر به خواست خداوند(ج) زندگی مینماید و نیز اینکه، تمام دارایی هایی که صاحب آن است، از جانب خداوند عالمیان به وی اعطا شده اند. چونکه وی با این آگاهی زندگی مینماید، اینرا که باید چگونه با چیزهایی که رخ میدهند در پرتو آیه های قرآنی عمل کند نیز در می یابد.

واضحاً، یک شخص نمیتواند مسافه ی زیادی را با قدم زدن و یا دویدن طی نماید، بلکه به قصد رسیدن به جاهای نزدیک میتواند قدم بزند، که قدرت قدم زدن و دویدن نیز یکی از نعمات خداوند(ج) است. مگر مردم نمیتوانند فواصل زیادی را با قدم زدن یعنی با پا طی نمایند، چونکه بدن آنها خسته و مانده میشود. بنابراین، خداوند(ج) ضعف بندگان خویش را میفهمد و از همین سبب است که چهارپایان و عراده جات را خلق نموده تا آنها را به جاه های دور تر به آسانی انتقال دهند و نیز اینکه حمل و نقل اموال به آسانی

صورت گیرد. بعضی از آیات قرآن در رابطه با نعمات خداوند(ج) که نشاندھی از لطف و مرحمت و شفقت وی بر بندگانش مینماید، ذیلاً بیان شده اند:

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْبِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرُؤُوفٌ رَّحِيمٌ ○ وَالْحَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرْكُبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ○ ﴿النحل: 7-8﴾

ترجمه: و بارهای شما را به شهری می‌برد که جز با مشقت بدن شما نمی‌توانستید برسید قطعاً پروردگار شما رؤوف و مهربان است

○ و اسبان و استرآن و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تحملی [باشد] و آنچه را نمی‌دانید می‌آفریند ○

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ○ ﴿الزخرف: 12﴾

ترجمه: و همان کسی که جفتها را یکسره آفرید و برای شما از کشتیها و دامها [وسیله‌ای که] سوار شوید قرار داد ○

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَّحِيمٌ ○ ﴿الحج: 65﴾

ترجمه: آیا ندیده‌ای که خدا آنچه را در زمین است به نفع شما رام گردانید و کشتیها در دریا به فرمان او روانند و آسمان را نگاه می‌دارد

تا [مبادا] بر زمین فرو افتد مگر به اذن خودش [باشد] در حقیقت خداوند نسبت به مردم سخت رؤوف و مهربان است ○

با بکار انداختن قوه درك و هوش خود، به صراحت دیده میتوانیم که خداوند(ج) موادی همچون آهن و فولاد را با امکانات و مقدرات خاص و معینی خلق نموده و مردم را ملهم نموده تا با استفاده از آنها به انواع گوناگون، انواع مختلف عراده جات را نیز آماده نمایند. و نیز اینکه مردم تنها به خواست و اراده ی خداوند(ج) توانستند انواع موترهای خورد و بزرگ، ریلها، کشتی ها و هواپیما ها را بسازند. بنابراین، خداوند(ج) با اعطای نمودن همین چیزها، پیمودن راه هائی را که هیچگاه نمیتوانستیم خود ما انجام دهیم، آسان ساخته است. در بدل اعطای چنین نعمات ما باید در هنگام سوار شدن به اینگونه عراده جات و وسایل حمل و نقل، خداوند(ج) را تمجید و تحسین نموده و سپاسگزاری از وی نماییم. خداوند(ج) در قرآن چنین بیان نموده است:

لَتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ○ ﴿الزخرف: 13﴾

ترجمه: تا بر پشت آن [ها] قرار گیرید پس چون بر آن [ها] برنشستید نعمت پروردگار خود را یاد کنید و بگوئید پاك است کسی

که این را برای ما رام کرد و [گرنه] ما را یاری [رام‌ساختن] آنها نبود ○

حمل نقل امروزی نسبت به گذشته ها خیلی سریع، آسان و با راحتی انجام میگردد. کسیکه بنا بر اصول قرآن زندگی خویش را بسر میبرد، فکر نمودن در باره این حقیقت، اصل مهمی است که وی را به خداوند(ج) نزدیکتر ساخته و اینرا ممکن میسازد تا بطور صادقانه سپاسگزاری از نعماتی نماید که به وی اعطای شده اند.

انسان مؤمن در هنگام سفر نمودن نیز در باره خداوند(ج) فکر مینماید. شخصی که در پهلو وی رانندگی مینماید، مدل و رنگ موتر وی، تعمیراتی را که در مسیر سفر در راه مشاهده مینماید، طرح های آنها، کلکین و پنجره های آنها و غیره چیزها را که تماشا مینماید تماماً به حکم و قضاء خداوند(ج) خلق شده اند. خداوند(ج) این را برای مردم در قرآن چنین بیان نموده است:

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ○ ﴿القدر: 49﴾

ترجمه: ماییم که هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم ○

با تمام چیزهایی که ما در هر لحظه‌ی از زندگی خویش روبرو می‌شویم، فقط منحصر به فرد و یا کدام گروه خاصی از افراد نمی‌باشد، بلکه برای هر یک از ملیاردها افرادی است که در زمین زندگی مینمایند. برای شخصیکه زندگی خود را با استفاده از اصول قرآن بسر میبرد، فکر کردن در باره این حقیقت، وی را آگاه مینماید که خداوند(ج) همیشه در کنار وی است و نیز اینکه خداوند(ج) هر فعل و عمل وی را مشاهده مینماید. علاوه‌بر آن، چونکه در طول روز این حقیقت با وی است، با برخورد به هر نوع مشکلی و با تجربه نمودن هر حادثه‌ای، وی همین حالت خود یعنی تسلیم شدن خویش را به خداوند(ج) تغیر نمیدهد.

بعضی از افراد حتی با دیدن و برخورد نمودن با بدشانسی‌های نهایت کوچک، آنها را بدبختی و فلاکت و مصیبت خیلی عظیم میندازند؛ آنها صبر نداشته و بعضی اوقات کنترل خویش را از دست داده و سلوک و حرکت آنها نیز بطور غیر منطقی میگردد. قرار گرفتن در ازدحام ترافیکی و یا رویارویی با یک راننده‌ی بی‌اعتنا آنها را سریعاً عصبانی ساخته و دفعتاً آنها را وادار به جیغ و داد زدن و نهایتاً سبب گفتن سخن بد به آن راننده مینماید. آنها در هنگام ازدحام ترافیکی از خود حوصله نشان نداده و پیوسته هارن موتر خویش را فشار داده که این کارشان سبب رنجاندن مردم میگردد. علت اصلی‌ای که آنها از خود اینگونه عکس‌العمل را نشان میدهند اینست که آنها فراموش نموده‌اند که همه چیز تحت کنترل و فرمان خداوند(ج) عمل مینماید.

برای کسیکه از راه خداوند(ج) فاصله گرفته است، وسایل حمل و نقل نعمت محسوب نمیشود، بلکه درد سر و دلخوری است. طور مثال، سوراخها و حفره‌های روی سرک، ازدحام ترافیکی، بادوباران شدید و ناگهانی و چیزهای بیشمار دیگر ذهن وی را در طول روز مشغول به خود نموده که اینچنین اندیشه و گمان نه در دنیا کدام سودی برای وی میبخشد و نه در آخرت به سود وی تمام میشود. بعضی مردم ادعا مینمایند که یگانه چیزی که آنها را از تفکر عمیق در باره موضوعات اساسی باز میدارد، مبارزه‌ی است که در دنیا دارند. بخاطر صرف نمودن وقت خود برای پیدا نمودن غذا، پناگاه، و صحت مطلوب، ایشان در باره موجودیت خداوند(ج) و علاماتی که سبب هدایت آنها میگردد و ایمان شان را تقویت میبخشد، هیچگاه تفکر مینمایند. این چیزی جز گریز از مسئولیت نیست. حقوق خانوادگی و یا موقف اجتماعی وی چیزی مهمی نیست که سد راه وی شود تا از فکر و اندیشه وی را مانع سازد. شخصی که در باره حصول رضای خداوند(ج) فکر نموده و همواره در باره علامات و نشانه‌های که باعث تقویت ایمان وی شده، در باره قضا و قدر خداوندی، مرگ، آخرت و همچنان در باره نعماتی که به وی در دنیا اعطا شده‌اند اندیشه مینماید، کمک خداوند(ج) را در کنار خویش مییابد. وی شاهد حل خیلی مشکلات خویش شده و قادر میشود تا به آسانی وقت تفکر نمودن را پیدا کند.

با هر وضعیت و حالتی که انسان مؤمن در طول روز مواجه میشود، میداند که از جانب خداوند(ج) است. هدف از خلقت چنین چیزها برای ما اینست تا صبر نمودن را بیاموزیم و تا در حل نمودن مشکلات به شیوه‌ای از ذهن خود کار بگیریم که باعث خشنودی خداوند(ج) گردد. هرگاه با مشکلی برمیخوریم که حل نمودن آن به کوشش خود ما مشکل باشد، باید از صبر کار بگیریم. عصبانی شدن و شروع نمودن چیغ و فریاد و مشاجره‌ای که بعضی مردم انجام میدهند، اشتباه عظیم و احمقانه است، زیرا ممکن است هم به خود اینگونه مردم و هم برای مردم دیگر خطرناک و نادرست واقع شود.

توقع داشتن به اینکه امتحانات خداوندی برای ثابت نمودن اندازه‌ی صبر ما، همیشه درد و رنج و فاجعه‌ی بزرگ بوده اشتباه است، چونکه خداوند(ج) بندگان خویش را در طول روز با امتحانات خورد و بزرگ آزمایش مینماید. چنین چیزهای رنج‌آور مانند، مواجه شدن با ازدحام ترافیکی و یا سر وقت نرسیدن به جایی و یا مواجه شدن با حادثه‌های ترافیکی کوچک، فقط برای آزمایش انسانها است. فقط کسانی میتوانند در این وضعیت از خود گذشت و حوصله نشان بدهند و حتی بدون شکایت نمودن صبر

نمایند که مبني بر اصول قرآنکریم زندگی خویش را بسر میبرند. در قرآنکریم، خداوند(ج) برای ما نیز بیان میدارد که یکی از خصوصیات برجسته ی انسان مؤمن اینست که در هنگام مواجه شدن با امتحانات و آزمایشات الهی از نهایت صبر و بردباری کار میگیرد.

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُفِيي الصَّلَاةَ وَمَا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿35﴾

ترجمه: همانان که چون [نام] خدا یاد شود دلهایشان خشیت یابد و [آنان که] بر هر چه بر سرشان آید صبر پیشه کنند و برپا دارندگان نمازند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند ○

در هنگام برخورد با حوادث ترفیکی تسلط بر نفس داشته، آرامش خود را حفظ نموده و نیز اینکه تسلیم به تقدیری اند که از جانب خداوند(ج) تعیین شده است. این از بی اراده گی آنها نیست بلکه، بطور واقع بینانه تسلیم تقدیر خداوندی میشوند. ایشان میدانند که مسئول اند تا هر لحظه ی زندگی خود را طوری به پیش ببرند تا رضا و خشنودی خداوند(ج) حاصل شود، در هنگام برخورد با این نوع مشکلات نیز معقولانه عمل مینمایند تا باشد که در اینگونه حوادث، سبب نجات زخمی ها شده، برای کمک صدا زده و خساره و تاوان را نیز محدود سازند.

در سوره الملك، خداوند (ج) هدف از خلقت انسانها و نیز مسئولیت آنها را بیان نموده است که در ذیل به آن اشاره گردیده است:

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ ﴿2﴾

ترجمه: همانکه مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده ○

شخصی که هر لحظه ی زندگی خویش را با پیروی از اصول قرآنکریم سپری مینماید، به خود اجازه نمیدهد تا ذهن وی در هنگام سفر نمودن توسط اندیشه های بیمعنی و بیهوده سرگرم شود. وی سریعاً فکر و گمان و اندیشه ی خود را معطوف به چیزهای مینماید که به تفکر عمیق ضرورت دارند. طور مثال، کسانی که از پیروی اصول و تدریسات قرآن دور مانده اند، دیدن پرواز پرندگان در هوا را يك رویداد معمولی و پیش پا افتاده ملاحظه مینمایند. اما، برای يك انسان مؤمن، مشاهده نمودن حقیقتی که پرندگان بدون ارتباط داشتن به کدام چیزی، در هوا پرواز مینمایند و مانور های بیشماری را با بالهای حساس خویش انجام میدهند و نیز اینکه بالهای آنها طوری ساخته شده است که سبب پرواز آنها شده و میتوانند تیزتر حرکت نمایند، ساختمان شگفت انگیز بدن آنها، تخنیک و تکنیک های آنها در هنگام پرواز، ساختمان های خاص اسکلتی آنها، سیستم تنفسی، عصبی و دیگر سیستم های آنها، ساختمان مغلق ایرودینامیکی (مربوط به مبحث حرکت گازها و هوا) پرهای شان، تخنیک های آنها در هنگام ساختن لانه، ارگانهای حسی آنها، میتود های شکار و تغذیه آنها، سلوک آنها، صدا های گوناگون آنها در مواقع مختلف، و نیز حقیقتی که سیستم ساخته شده در پرندگان خیلی عجیب است، همه دلایلی اند که موجودیت، قدرت و علم افضل خداوند (ج) را نشان میدهد. خداوند (ج) ما را از این مسئله در قرآن نیز باخبر ساخته است:

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَائِتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ ... ﴿19﴾

ترجمه: آیا در بالای سرشان به پرندگان نگرسته اند [که گاه] بال می گسترند و [گاه] بال می آند جز خدای رحمان ... ○

بهمان اندازه بی که مؤمنان راه های بیشتر را می پیمایند، بر علاوه ی مشاهده نمودن عجایب و شگفتی های بیشتر آفرینش، همواره شاهد قدرت بی پایان خداوند(ج) نیز میباشند.



## در وظیفه

حد اکثر بزرگسالان و کسانی که به سن بلوغ رسیده اند، قسمت بیشتر روز خود را وقف کار مینمایند. با آنها کسانی که با پیروی از اصول قرآن کریم هر لحظه ی از زندگی خویش را سپری مینمایند، از همقطاران و همکاران خویش که اخلاق پیش پا افتاده دارند، تفاوت خیلی عمده ای دارند. برای يك انسان مؤمن، ضروری بودن و فوریت سوداگری و یا کار و کسب در طول روز هیچ اهمیت ندارد؛ اطاعت و فرمانبرداری از خداوند(ع) و عبادت نمودن، برای وی از تمام چیزها مهم است. خداوند(ع) در قرآن نیز این مطلب را بیان نموده است:

... مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿الجمعة: 11﴾

ترجمه: ... بگو آنچه نزد خداست از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است و خدا بهترین روزی دهندگان است ○

مؤمنی که از این حقیقت آگاه است، هیچنوع کاری وی را مانع از ذکر و عبادت خداوند(ع) ساخته نمیتواند. وی از معطل ساختن و یا از اجتناب از اجرا نمودن وظیفه ی دینی برای حصول مال و متاع دنیایی، خودداری مینماید. پروردگار ما در قرآن در این مورد چنین بیان میدارد:

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ○ رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ○ ﴿النور: 36-37﴾

ترجمه: در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود در آن [خانه]ها هر

بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند ○ مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن

زکات به خود مشغول نمی‌دارد و از روزی که دلها و دیده‌ها در آن زیور می‌شود می‌هراسند ○

علت اینکه خداوند (ج) ما را متوجه همین حقیقت مینماید اینست تا بیان نماید که آرزوی خواستن مال و متاع دنیا یکی از بزرگترین ضعیفی های است که در انسانها دیده میشود. چونکه بعضی مردم حتی آماده اند جهت کسب پول و حاصل نمودن دارایی و قدرت بیشتر، در احکام و مقررات دین غفلت نمایند. طور مثال، آنها نماز و دیگر مسئولیت های ایمانی خویش را انجام نداده و از خود سیرت خوب اخلاقی نشان نمیدهند.

اینگونه مردم در بدل کار و رنج و کوشش خود خواهان تعداد بیشمار چیزها اند. آنها خواهان زندگی خوب، موفقیت، جایگاه، مقام و منزلت و خانم و اطفال ستودنی بوده و امید دارند تا در اجتماع نیز مورد احترام قرار گیرند. آنها به امید حاصل نمودن چنین چیزها و موضوعات پیش پا افتاده ی دیگر، هم فکر خویش را از آخرت باز داشته اند و هم از قرآن جدا و منفصل شده اند. درحقیقت، این چیزها نعمات مشروعی اند که بدست آوردن آنها با حاصل نمودن رضای خداوند(ج) خیلی ساده و آسان است. یعنی مؤمنان نیز خواهان اینگونه نعمات بوده تا کار و شغل قابل استفاده یی داشته و تا پول و دارایی شخصی حاصل نماید، مگر بعضی صفاتی دارند که از مردم دیگر آنها را خیلی متمایز میسازد؛ تمام کارها را بگونه ای انجام میدهند که رضا و خشنودی خداوند(ج) حاصل شود. همچنان پول خود را بطور خردمندانه و در راه مشروع و بگونه ای که توسط خداوند(ج) حکم شده است به مصرف میرساند. ایشان چه در تجارت مصروف باشند و چه در کارهای دیگر، کوشش مینمایند تا خداوند(ج) را با دقت زیاد اطاعت مینمایند.

بعضی اوقات مردم، تجارت و داشتن بعضی چیزهای دیگر را بردین ترجیح میدهند. در یکی از آیه های قرآن خداوند(ع) ما را متوجه خطری مینماید که از اندیشه ی ایگونه مردم حاصل میشود باخبر میسازد:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿التوبة: 24﴾

ترجمه: بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادهای بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در] آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند ○

انسان مؤمن با ایمان عمیق خود، تلاش‌ها به خرج می‌دهد تا از داشتن علاقه‌ی شدید به اینگونه چیزها دوری نماید. وی مشغول هر کاری که باشد، از خود سیرت و اخلاق خوب و باشکوه نشان می‌دهد تا سبب خشنودی خداوند (ج) گردد. در هنگام کار و کسب آنها خیلی راستکار، صمیمی، ناخودخواه، متواضع، پرکار، زحمت‌کش، باحیاً و با اعتدال می‌باشند. فکر آنها فقط معطوف به اینست تا چگونه بتوانند رضای خداوند را در همان حدودی که، کدام کار مشروع بوده و کدام نامشروع، حاصل نمایند. خداوند (ج) مؤمنان را حکم نموده است تا در هنگام اجراء کار و تجارت حق یکدیگر را تلف و ضایع نسازند و نیز اینکه عدالت را مراعات نموده و قیمت و ارزش اجناس مردم دیگر را به نقصان مواجه نسازند.

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿هود: 85﴾

ترجمه: و ای قوم من پیمان‌ها و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید ○ در بعضی از آیات قرآنکریم، خداوند (ج)، ضرورت صادق بودن در تجارت، برخورد نمودن با مردم به حق و انصاف و به درستی و همچنان طرق نشان دادن صفات خوب و چگونگی حصول رضای خویش را برای ما آشکار ساخته است.

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿الإسراء: 35﴾

ترجمه: و چون پیمان‌ها می‌کنید پیمان‌ها را تمام دهید و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش فرجام‌تر است ○

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿الرحمن: 9﴾

ترجمه: و وزن را به انصاف بریا دارید و در سنجش مکاهید ○

در قرآنکریم، خداوند (ج) نیز بیان نموده است تا مردم چگونه مشغول شوند و چگونه دست به کاری بزنند. در قدم اول خداوند (ج) از حرام خوری و ربا خوری ما را منع نموده است:

... وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا ... ﴿البقرة: 275﴾

ترجمه: ... و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است ... ○

چیز دیگری که خداوند (ج) در قرآنکریم برای ما آشکار ساخته است اینست که چگونه داد و ستد و مطالبات و قرض گرفتن و قرض دادن را اداره نماییم. وی بیان نموده است که هر زمانی که يك شخص قرض می‌گیرد، باید آنرا یادداشت بگیرد تا بتواند آنرا بعد از مدت معین آن بدون کدام جنجالی دوباره تأدیه نماید. اگر خود شخص خیلی ضعیف و نالایق و بی مهارت باشد و نتواند که بنویسد، در آنصورت ولی و سرپرست و یا دوست وی برای وی به درستی بنویسد. و دو مرد باید میان قرض گیرنده و قرض دهنده شاهد باشند. به تفصیل موضوع به سوره البقره آیه ی 282 مراجعه گردد.

چيز ديگري كه مؤمنان بايد متوجه آن باشند اينست كه در هنگام كار، خصوصاً در هنگام اتخاذ نمودن كدام تصميمي، شروع تجارت جديد و بهبود بخشيدن عمليات و بهره برداري هاي جديد، بايد از نظر مردم ديگر استفاده نموده و با آنها مشوره نمايند. خداوند (ج) در قرآن بيان ميدارد كه اين يكي از خصوصيات و صفات مؤمنان است.

يقيناً، قرآن پاك، طوريكه ابعاد ديگر زندگي را ساده مي سازد، در حصه ي تجارت و داد و ستد نيز دستورالعمل هاي بهتر، آسان تر و خيلي واقعي اي را ميرساند، كه پياده نمودن آن در زندگي انسان خيلي مؤثر است. به اينگونه، مردم را در دوري از پريشاني و افسردگي كمك نموده و براي آنها شرايطي را ممكن مي سازد كه در يك محيط سالم، آرام و مسالمت آميز زندگي، جاييكه بتوانند از روي اخلاص خود را تسليم خداوند(ج) ساخته زندگي نمايند و در طول زندگي عمل خوب انجام دهند و نيز در هنگام اتخاذ نمودن كدام تصميمي با ديگران مشوره نمايند.

در پهلوي اين، انسان مؤمن در زندگي كاريي خويش يك انسان خيلي روشنفكر و طرفدار عمل مي باشد. هم در اتخاذ نمودن پلان هاي کوتاه و طويل كاري و هم در ترسيم نمودن مراحل مختلف آن از فكر خويش به گونه اي استفاده مينمايد كه مورد خشم خداوند(ج) قرار نگيرد. بعد از شروع نمودن كار خويش، وي مراحل بعدي آنرا بطور قطعي با سنجش موفقيت خويش و ارزيابي نتايج و عواقب بعدي آن ملاحظه مينمايد و شق ديگر ممكن كار خويش را قسمي تعين مينمايد كه موجب رضاي خداوند(ج) نيز باشد. هنگاميكه در كار خود مشغول مي باشد، همواره و از روي ثبات، خداوند(ج) را ياد نموده و خواهان است تا كار به آساني به انجام رسد؛ با در نظر داشت اينكه هيچ سرمايه گذار و تاجري نميتواند موفق باشد، مگر اينكه خداوند(ج) خواسته باشد. وي آرزو مينمايد تا كاري را كه براي رسيدن به اهداف دنيايي خويش به سر کرده است بايد طوري انجام شود كه باعث خشنودي خداوند(ج) نيز گردد.

در عصري كه ما زندگي مينمايم، اختراعات و پيشرفت هاي ساينسي نويني صورت گرفته است كه مردم ماقبل ما هيچ تصور آنرا نمي كردند. اصول و تدريسات قرآن ما را وادار به اين مينمايد تا از اين فرصت ها و از نعمات غير قابل قياس و بي مانند، از خداوند(ج) سپاسگزاري نمايم. طورمثال، ساينس، تكنالوجي، وسايل حمل و نقل جديد و وسايل ارتباطات و مخابرات اكنون در سطح خيلي بلند خويش رسيده اند. سپاس از كمپيوتر و تكنالوجي انترنت كه ذريعه ي آن مردم در سراسر جهان ميتوانند حتي در ثانيه، معلومات را شريك ساخته و با هم ارتباط برقرار نمايند. يقيناً، اينها همه نعماتي اند كه بايد تفكر و تعمق در آنها صورت بگيرد.

علاوتاً، ما بايد در هنگام مشغول بودن به كار به فكر خداوند(ج) باشيم، چونكه پيغمبراني كه خداوند(ج) در قرآن آنها را به گونه ي مثال بيان نموده است، هميشه خداوند(ج) را بطور خيلي مخلصانه پرستش نموده و در باره وي فكر مينمودند و در هنگام مشغول بودن به كدام كاري هميشه وي را ياد نموده و از وي سپاسگزاري مينمودند. در سوره صبا، خداوند(ج) چنين بيان ميدارد:

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَابِبٍ وَ تَمَائِيلٍ وَ جَفَانَ كَاجْوَابٍ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلًا مِنْ عِبَادِي الشُّكُورُ ﴿سبأ: 13﴾

ترجمه: [آن متخصصان] برای او هر چه می خواست از نمازخانه ها و مجسمه ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه ها و دیگرهای

چسبیده به زمین می ساختند ای خاندان داوود شکرگزار باشید و از بندگان من اندکی سپاسگزارند ○

## خریداری

امروز خریداری برای بسیاری از مردم يك فعاليت خيلي مهم بشمار ميرود. طور مثال، مردم ساعت ها و حتي روز ها را صرف خريدن كالاهاي مینمایند تا خود را براي دوستان شان جلوه دهند. آنها براي خريدن كالايي كه شايد آنها چند بار در زندگي خويش بپوشند، پول خيلي زيادي را به مصرف ميرسانند، حتي اگر صندوق لباس شان انباشته و پر هم باشد. آنها لباس را با هواي نفساني و اشتياق و علاقه ي شديدی خریداری مینمایند. براي اینگونه مردم، خریداری عوض اینکه در رفع نیازمندی هاي شان كمك نماید، به يك قسمت مهم و عمده ي زندگي شان مبدل شده است. حتي خصوصیت اینگونه مردم چنین است که در هنگام و بعد از خريدن چيزهاي گزاف و پر جلوه خود را ميبازند و بارها پشيمان و پريشان ميگردند.

يقيناً، خریداری براي هر شخص مهم بوده و يك كار خوش آيند و پسندیده است. ولي خطايي كه در آن ميباشد اينست كه كم كم و آهسته آهسته تمنيات و خواهشات دنيايي را در وجود مردم بيشتتر ساخته و آنها را از آخرت بكلي دور ميسازد. آنها وقت بيشتتر خود را صرف همين راه در زندگي خويش نموده، فكر و پلانههاي ايشان فقط توسط همين عمل احاطه گرديده و به عوض فكر نمودن در باره ي اينكه چگونه بتوانند رضاي خداوند(ج) را حاصل نمايند، خشنودي آنها فقط در همان خریداری و غيره اموري كه اينگونه خریداری آنها را ببار مياورد، ميباشد.

درست مثل عرصه هاي ديگر زندگي، براي انسان مؤمن، كسيكه در طول زندگي سيرت قرآنی ميباشته باشد، خریداری سرگرداني بيهوده يي نيست بلكه يك فرصتي است تا وي را با فاميلش در رفع نیازمندی هاي ايشان كمك مینماید. خریداری در حقيقت وي را از اطاعت خداوند(ج) باز نميدارد. خداوند (ج) در قرآن مؤمنان را چنین امر ميفرمايد:

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ○ ﴿الكهف: 28﴾

ترجمه: و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می خوانند [و] خشنودی او را می خواهند شکیبایی پیشه کن و دو دیدهات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده روی است اطاعت مکن ○

انسان مؤمن هنگامیکه به خریداری میرود اینرا درك میکند که خداوند(ج) انواع گوناگون غذاها، لباس ها و نعمات بیشتتر دیگر خود را براي بشر اعطا نموده است. مگر در بسیاری از کشور ها به اثر قحطي، جنگ و جدال و بیکاری و بي شغلي مردم چيزي براي خوردن پيدا کرده نمیتوانند. حتي مردم بعضي ازکشورهايي كه سرشار از منابع طبيعي اند نیز به فقر و گرسنگي مبتلا هستند و در رفع نیازمندی خويش محتاج اند. تمام اينها تحت امر و فرمان خداوند(ج) ميباشد و تعين اندازه ي روزي مردم توسط خداوند(ج) يعني به چه كسي به چه اندازه روزي داده شود دليلي دارد. خداوند(ج) توجه ما را در قرآن به اين امر معطوف مிடارد.

أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ○ ﴿الزمر: 52﴾

ترجمه: آیا ندانسته اند که خداست که روزی را برای هر کس که بخواهد گشاده یا تنگ می گرداند قطعا در اين [اندازه گیری] برای مردمی که ایمان دارند نشانه هاي [از حکمت] است ○

خداوند(ج) شرایط و پیشامد های متعددی را خلق نموده تا ذریعه ی آن بشر را مورد آزمایش خویش قرار دهد. و یک انسان مؤمن بدون توجه به اینکه وی را خداوند(ج) در کدام حالتی قرار داده است، از چیزی های قبلی ای که توسط پروردگار اعطا گردیده است اظهار سپاس مینماید. وی آگاه است که آزمایش و وضعیت کنونی وی ناپایدار و زودگذر میباشند. از این سبب، وی امید دارد تا هر لحظه ی خویش را با حاصل نمودن خشنودی خداوند(ج) سپری نماید. در چیزی که میگوید، در عملی که انجام میدهد و حتی در قلب خویش سپاسگزاری از اعطای نعمات خداوندی مینماید. پول خویش را بالای کارهای شایسته و خوب به خرج میرساند و زمانیکه خداوند(ج) روزی وی را محدود میسازد، از خود صبر و حوصله نشان داده و حتی بدون کدام تغییری از سپاسگزاری مخلصانه خداوند(ج) دریغ نمیورزد. وی میداند که تحت آزمایش قرار گرفته و از خداوند(ج) طلب صبر مینماید. در هرگونه شرایطی، انسان مؤمن با خداوند عزوجل راضی بوده و امید بر این دارد تا پروردگارش از وی نیز راضی باشد.

اما کسانی که زندگی خویش را مطابق به رسوم، عنعنات و ارزش های جامعه ای عیار میسازند که مبنی بر تدریسات قرآن نیست، با روبرو شدن با رنجش اندکی حس سپاسگزاری خویش را از دست میدهند. خداوند عزوجل ایشان را در قرآنکریم مورد اعتراض قرار میدهد چونکه ایشان نمیداند که آزمایش خشبختی و ثروت ایشان معادل آزمایش تنگدستی و احتیاجات ایشان میباشد.

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ○ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ○ ﴿الفجر: 15-16﴾

ترجمه: اما انسان هنگامی که پروردگارش وی را می آزماید و عزیزش می دارد و نعمت فراوان به او می دهد می گوید پروردگارم گرامی داشته است ○ و اما چون وی را می آزماید و روزی اش را بر او تنگ می گرداند می گوید پروردگارم مرا خوار کرده است ○

خداوند(ج) نعمات بیشمار خویش را بر روی زمین فرستاده، اما کسانی که این موضوع را درک ننموده اند از یاد میبرند که ایشان تابع اراده خداوند(ج) بوده و بدون اراده ی وی نمیتوانند غذا و یا لباس خریداری نمایند. از این لحاظ هیچگاهی اظهار قدردانی از پروردگار خویش نکرده و همیشه تحت فشار تمنیات اغراض آمیز خویش میباشند. یگانه موضوعی را که باید در آن توجه کنند اینست که کدام لباس میتواند دوستان ایشان را متحیر سازد. موضوع دیگری که ذهن آنها را مصروف نگه میدارد اینست که از کجا میتوانند جدید ترین لباس و مد های بسیار جذاب انواع لباس های رنگارنگ و با کیفیت بلند را خریداری نمایند. ایشان همواره از دارائی مردم دیگر پریشان اند و مردم را مورد حسادت خویش قرار میدهند. اینگونه اشخاص نمیتوانند زندگی بدون دارائی و اشیای مادی را تحمل نمایند. ایشان حس آرزو و خواهش داشتن دارائی و ملکیت شخصی بیشتری را دارند. همیشه دارایی خویش را با دارائی دیگران مقایسه نموده و ناصبوری مینمایند؛ این طرز فکری حالت ایشان را بگونه ای سوق میدهد که گویا با ایشان رفتار ناخوشایند صورت گرفته و از سپاسگزاری اجتناب مینمایند. در قرآنکریم، خداوند(ج) ناسپاسی کسانی که را هویدا مینماید که از چیزی که دارند خرسند نیستند و همیشه از حد بیشتر میطلبند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ○ ﴿النمل: 73﴾

ترجمه: و راستی پروردگارت بر [این] مردم دارای بخشش است ولی بیشترشان سپاس نمی دارند ○

انسان مؤمنی که سیرت قرآنی دارد از این حقیقت آگاه است که نعمات دور و کنار وی همه تحایفی اند که از جانب پروردگار وی بوده و مواظب میباشد تا پول خویش را از روی بی ملاحظه گی به خرج نرساند. در هنگام خریداری کوشش مینماید تا از ضیاع وقت و پول جلوگیری نماید. وی نظر به فرموده خداوند(ج) در قرآنکریم عمل مینماید:

...كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ ﴿الأعراف: 31﴾ ○

ترجمه: ... بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد ○

وي هیچگاهی فراموش نمی‌نماید که خداوند(ج) کسانی که را که پول خویش را بطور نامعقول و با افراط کاری به خرج میرسانند برادران شیطان خطاب مینماید.

... إخوان الشیاطین ... ○ ﴿الإسراء: 27﴾

ترجمه: ... برادران شیطان‌ها ... ○

قسمیکه به اساس قرآن لازم است تا پول خویش را در خریداری بطور اغراق آمیز بخرج نرسانیم، بخشش، سخاوت و گشاده دستی نیز لازم است. خداوند(ج) در سوره ی الفرقان اینرا چنین بیان میدارد:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتَرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ○ ﴿الفرقان: 67﴾

ترجمه: و کسانی اند که چون انفاق کنند نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند ○

این آیه خرد و حکمت لازمی را که باید مؤمن در هنگام خریداری داشته باشد بیان میدارد.

## ورزش و تربیت بدنی

هر شخصی که با ایمان باشد میداند که بدن وی تا یک مدت معینی در این زندگی خاکی بامانت سپرده شده است. وی مسئول است تا از آن بطور خوب و تا حد امکان مواظبت نماید به عباره ی دیگر از صحت خویش باید مواظبت نماید. نظر به این دلیل وی وقت مهم خویش را فدای فعالیت های روزانه ی ورزشی و تربیت بدنی مینماید. ورزش و تربیت بدنی سبب تقویت بدن گردیده، آنرا استقامت داده و ممکن میسازد تا بگونه منظم و صحتمند عمل و وظیفه انجام دهد. این درحقیقت شرایطی را برای مؤمن مساعد میسازد تا وی برای خشنودی خداوند(ع) کار بیشتر و خوبتری را انجام دهد.

میتابولیزم یا تحولات بدن یک شخص برای حفظ حیات وی با رکود و عدم فعالیت بدن سازگار نمیباشد و به سببی خلق شده است تا حرکت را حمایت نماید. اینکه ورزش کدام خوبی هایی را دارا است امروز بهتر شناخته شده است: سیستم های ایمنی و دفاعی بدن، دوران خون، تنفسی و عصبی را تقویت بخشیده، مقاومت بدن را در مقابل امراض و مکروب ها بلند برده، کارایی منظم سیستم هورمونی بدن، قلب و شریان را تأمین نموده، عضلات و مفاصل را نیروبخشیده، تنومندی و ستیری را بهبود بخشیده، در قسمت کنترل میزان شکر کمک نموده، اندازه کلسترول مضره را پایین آورده و اندازه کلسترول مفیده را بلند میبرد.

دلیل دیگری که چرا مردم با ایمان زحمات بیشماری را در این عرصه بخرج میدهند اینست که صحت بدنی یک فضیلت و برتری ای است که خداوند(ع) ما را بدان در قرآن متوجه میسازد. طور مثال، در آیه از قرآن قدرت فزینی و بدنی حضرت طالوت<sup>ع</sup> که برای رهنمایی قومش فرستاده شده بود را بیان میدارد:

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿البقرة: 247﴾

ترجمه: و پیامبرشان به آنان گفت در حقیقت خداوند طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است گفتند چگونه او را بر ما پادشاهی باشد با آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و به او از حیث مال گشایشی داده نشده است پیامبرشان گفت در حقیقت خدا او را بر شما برتری داده و او را در دانش و [نیروی] بدنی بر شما برتری بخشیده است و خداوند پادشاهی خود را به هر کس که بخواهد می دهد و خدا گشایشگر داناست ○

اینکه چرا مؤمنین مواظب باشند تا ورزش نمایند دلیل دیگری نیز دارد. یک شخصی که میخواهد کلام الهی یعنی قرآنکریم را برای مردم دیگر برساند اگر از نگاه فزینی نیرومند و جذاب باشد تأثیرات بیشتری خواهد داشت؛ یعنی سیمای ظاهری این شخص باشکوه و جذاب تأثیرات خوشبینانه و مثبتی را بالای کسانی میگذارد که به آنها کلام الهی میرسد.

به این دلیل، مؤمنین باید همواره زحمت به خرج دهند تا بدن نیرومند و صحتمند را حفظ نمایند. ایشان نمیتوانند تنبل، سهل انگار و اهمال کار در این باب باشند.

## عبادت و نماز خواندن

پروردگار عالمیان در قرآن کریم میفرماید که وی انسانها را خلق نموده است تا وی را عبادت نمایند.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ وَالْجِنَّ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (الداریات: 56)

ترجمه: و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند

به عباره ی دیگر، هدف از خلقت بشر قسمیکه خداوند(ج) در قرآن ذکر مینماید عبادت خداوند لایزالی است که تمام اشیا را خلق نموده است. بنابراین، کسانیکه قرآن کریم را سرمشق زندگی خویش قرار میدهند عبادت خداوند(ج) را بالاتر از تمام موضوعات دیگر قرار میدهند. ایشان زندگی کوتاه خود را که هفتاد سال و یا کمتر و اضافه تر از آن میباشد در صورتی که برای ایشان اعطا گردد، با از نظر گذراندن حیات بعد از موت و با حصول رضای خداوند(ج) سپری مینمایند؛ هر لحظه ی زندگی ایشان نشان دهنده این حقیقت میباشد.

انسان مؤمن از این حقیقت آگاه است که اصول و تدریسات قرآن کریم تنها منحصر به یک بخش، لحظه و مرحله ی از زندگی وی نمیشد بلکه آنرا باید در تمام مراحل زندگی خویش پیاده نماید. با توانایی کامل خویش و تا حد توان از اوامر خداوندی اطاعت مینماید. قسمیکه خداوند(ج) در قرآن کریم میفرماید این شخص وقت گرانبهائی خویش را صرف عبادت مینماید. وی وقتی که از یک کار رهایی مییابد به کار دیگری میشتابد.

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (الأعام: 162)

ترجمه: بگو در حقیقت نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است

در سعی و تلاش وی کدام مانع، محدودیت و گسیختگی ای نمیشد بخاطریکه وی به دنبال انجام دادن کار خوب و مؤثر میباشد. برای انسان مؤمن، آغاز مسئولیت جدید بعد از مسئولیت تکمیل شده نهایت ضروری است بخاطریکه وی اینرا درک میکند که باید هر لحظه و ثانیه ی زندگی خویش را طوری سپری نماید که باعث خشنودی خداوند(ج) گردد. علاوه برین وی میداند که در آخرت مسئولیت دارد تا از سپری نمودن هر لحظه ی از زندگی دنیایی خویش حساب دهی نماید. بدین ملحوظ، وی هر دقیقه ی زندگی خویش را با امید برای حصول رضای خداوند(ج) سپری مینماید و کارهایی را انجام میدهد که مورد خشنودی خداوند(ج) قرار بگیرد. خداوند(ج) در قرآن کریم برای مؤمنین امر میفرماید تا چگونه به سعی و تلاش خویش ادامه بدهند:

﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ﴾ (الإنشراح: 7)

ترجمه: پس چون فراغت یافتی به طاعت درکوش

اعمال شایسته ی انسان مؤمن بمنظور خشنودی خداوند(ج) از یک روز به روز دیگر بطور مسلسل و بدون وقفه میباشد. این واقعیت در قرآن کریم چنین بیان شده است:

﴿...وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا﴾ (مريم: 76)

ترجمه: ... و نیکهای ماندگار نزد پروردگارت از حیث پاداش بهتر و خوش فرجام تر است

و در آیه ی دیگر، پروردگار ما اینرا بیان میدارد که مردم باید در عبادت خویش استقامت بخرج داده و ثابت قدم باشند:



رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾ مريم: 65

ترجمه: پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است پس او را بپرست و در پرستش او شکبیا باش آیا برای او همنامی

می‌شناسی ○

طرز فکری فاسد مردم نادان ایشان را به شک کردن در باره ی حیات بعد از موت سوق داده و بدین لحاظ ایشان تنها بعضی اوقات عبادت خداوند(ج) را انجام میدهند.

بعضی مردم برای بدست آوردن نعمات این دنیا اشتباه خیلی بزرگی را انجام میدهند. ایشان نعمات دنیوی را هدف اساسی خویش قرار داده و هرگونه کاری را انجام میدهند تا باشد که ایشان پولدار شده، شهرت کسب نموده و صاحب چیزهای بیشماري گردند. در مدت بسیار کم، ایشان میل دارند تا در یک رقابت و ستیزه ی عظیمی بخاطر "ثُمَّناً قَلِيلاً" ﴿التوبة: 9﴾، "بهای ناچیزی" دخیل گردند؛ در حالیکه شاید آنرا در مدت بسیار کمی از دست بدهند. اما انسان مؤمن، کسیکه خشنودی خداوند(ج) و راه رسیدن به بهشت برین را دنبال مینماید، فقط بخاطر خداوند عزوجل جد و جهد مینماید. قرآن کریم این خصوصیت انسان مؤمن را چنین بیان میدارد.

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿١٩﴾ الإسراء: 19

ترجمه: و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد آنانند که تلاش آنها مورد حق شناسی واقع

خواهد شد ○

مؤمنی که حیات روزانه ی خویش را صرف حصول رضای خداوند(ج) مینماید در حصه نماز خواندن دارای عزم ثابت میباشد. وی خداوند عزوجل را در تمام روز در هنگام انجام دادن هرگونه فعالیتي در قلب خویش بخاطر داشته و قدرت، توانایی، علم، آفرینندگی و صفات عظیم دیگر خداوند عزوجل را نیز همیشه بخاطر میداشته باشد. آیه های ذیل بیان میدارند تا یک انسان مؤمن چگونه زندگی روزانه ی خویش را با عبادت سپری نماید:

...وَأَذْكُرُ رَبِّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحَ َح بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ○ ﴿آل عمران: 41﴾

ترجمه: ... و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان [او را] تسبیح گوی ○

وَأَذْكُرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ○ ﴿الاعراف: 205﴾

ترجمه: و در دل خویش پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس بی صدای بلند یاد کن و از غافلان مباش ○

در سوره ی الرعد خداوند (ج) میفرماید که قلب ها در هنگام یاد نمودن وی صلح و صفا و آرامش پیدا مینمایند.

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ○ ﴿الزهد: 28﴾

ترجمه: همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دلهای آرامش می‌یابد ○

شخصی که قرآنکریم را راهنما قرار میدهد نظر به امر خداوند(ج) در عبادت خویش یعنی در موقع پنج بار نماز خواندن، روزه گرفتن، وضو گرفتن و غیره خیلی دقیق میباشد. طور مثال، برای وی نماز خواندن به وقت لازم آن یک امر ضروری میباشد. وی نمیگذارد تا موضوعات دنیایی سد راه نماز وی گردند. وی همواره نماز خویش را با تواضع، خوشی و اشتیاق ادا نموده تا نماز سبب نزدیکی وی با خداوند(ج) گردد.

اما کسانی که نزدیکی با خداوند را با اینگونه اشتیاق نمیخواهند و نماز را برای نشان دادن و از ترس اینکه مردم دیگر در باره ی ایشان فکر بد ننمایند نماز را ادا مینمایند، هیچگاهی نمیتوانند از لذت عبادت خداوند (ع) بهره مند گردند. در هنگام ادای نماز ایشان دارای هیچگونه مفکوره ای نیستند که نماز میتواند آنها را به خداوند (ع) نزدیکتر سازد. به عوض یاد خداوند عزوجل، فکر ایشان مشغول امورات روزمره میباشد. در قرآن کریم خداوند (ع) برای کسانی که از نماز دوری مینمایند لعنت میفرستد:

﴿قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ۝ الَذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ ۝ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ۝﴾ [الماعون: 4-6]

ترجمه: پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند ۝ آنان که ریا می کنند ۝ و از [دادن] زکات [و وسایل و محتاج خانه] خودداری می ورزند ۝

چنین استنباط میگردد که ایشان نماز های خویش را معطل نموده و حتی هیچ ادا مینمایند. باوجودیکه این آیه به آن اشاره مینماید مگر انسانهای دانا و خردمند از آیه ی فوق پند گرفته و در جریان ادای نماز محتاط میباشند.

انسان غافل کسی است که خداوند را حاضر ندیده، در انجام دادن هر کاری وی را بیاد نداشته و ترسی از وی در وجود شان نیز دیده نمیشود. یک شخص زمانی میتواند رابطه ی خویش را با خداوند عزوجل نزدیکتر بسازد که مخلصانه نماز و عبادت نموده، از وی حیا و ترس داشته و با فروتنی از اوامر وی اطاعت نماید.

بعضی انسانها بدین باور اند که عبادت فقط با پیروی نمودن چندی از اوامر خداوندی که در طول روز مؤظف اجرای آن اند میباشد و آنرا کافی میپندارند. مگر اگر به قرآن نگاه شود، عبادت تنها به موضوعات دینی طور مثال نماز خواندن، روزه گرفتن، به حج رفتن و صدقه دادن نمیباشد.

هدف از عبادت تنها ذکر خداوند متعال نمیباشد بلکه فرمان برداری و اطاعت از اوامر وی نیز میباشد. به عباره ی دیگر، طرز برخورد یک شخص، حوصله و وضع روانی و تمام چیزهایی را که میگوید و کارهایی را که انجام میدهد منحصراً بنده ی خداوند شامل عبادت نمیباشد. به همان اندازه ای که نمازهای فرض نزد یک مؤمن حایز اهمیت است به همان اندازه از قهر نشستن، سخن خوب و مطلوب گفتن، از حلال بهره بردن و از حرام دست کشیدن، اعتماد به مؤمنین دیگر داشتن و از نزاع و آشفتگی دوری نمودن نیز حایز اهمیت بوده و شامل عبادت میگردد. بنابراین، رفتار نیک نیز شامل عبادت نمیباشد و ضرور است تا منحصراً یکنوع عبادت محسوب گردد. حالا چونکه انسان باید در هر لحظه و مصروف هر کاری که باشد باید خداوند را بیاد داشته باشد ضرور است تا در تمام معاملات عادی بطور مثال خرید و فروش، به کرایه دادن، ازدواج، طلاق و غیره کارها روش خوبتر و نیکتر آنرا بیاد داشته باشد تا باشد که کارهای وی مورد پسند خداوند است. خلاصه، مؤمنین کوشش مینمایند تا هر لحظه ی از عمر ایشان با فرمانبرداری از اوامر خداوند سپری گردد و از توصیه های رسول اکرم ص نیز مطلع بوده و مطابق به آن زندگی خویش را عیار میسازند.

هر مؤمن میتواند سخن خوب را برای دیگران برساند و این عمل وی در جمله عباداتی محسوب میشود که خیلی حایز اهمیت میباشد. بطور مثال، مردم را دعوت نمودن برای پیروی از راه راست، تشویق ایشان به انجام دادن کارهای خوب و منع ایشان از کار بد، و معلومات مردم را کافی ساختن در رابطه به اسلام، ایمان و احسان و همچنان خواندن قرآن کریم همه از جمله ی کارهای نیک بوده و در صف عبادات محسوب میگردند. این عبادت در حقیقت بخش مهم زندگی روزمره ی انسان نمیباشد. یک مؤمن مسئول است تا هر لحظه منحصراً خلیفه ی خداوند در بین مخلوقات وی عمل نموده، دین و آیین خداوندی را بطور علنی ذریعه ی گفتار، عمل و باطن خویش برای مردم اظهار نماید. انسان مؤمن سعی مینماید تا

برای کسان دیگر مثال باشد و تا حد ممکن به وجه بسیار نیک عمل مینماید. خداوند عزوجل در این باره در قرآن کریم چنین میفرماید:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ  
وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿التوبة: 71﴾

ترجمه: و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است ○

انسان مؤمن هرگونه سعی و کوشش به خرچ میدهد تا مردم را به راه راست و راهی دعوت نماید که مورد پسند خداوند است. این شخص از خداوند، از یگانگی وی، از صفات وی و همچنان از موضوعات دیگر از قبیل تکوین آفرینش، طرز برخورد خوب، و طرز زندگی ای که سبب خشنودی خداوند گردد، در باره ی خیر، شر، خوبی و بدی، روز جزا، بهشت و جهنم و غیره موضوعات مربوطه مردم دیگر را باخبر میسازد. این شخص مردم را از شخصیت و برتری رسول اکرم ص نیز باخبر ساخته و بگونه ای بیان میدارد تا مردم را بطور مخلصانه متوجه وی ص نموده تا ایشان طرز زندگی حضرت محمد ص را سرمشق زندگی خویش قرار دهند.

کلامی که مؤمنین بایکدیگر در میان میگذارند بطور متقابل میباشد. ایشان یکدیگر را بخاطر اطاعت از اوامر خداوندی و زندگی نمودن مطابق به سنت رسول مقبول ص امر نموده تا باشد که زندگی خویش را در مطابقت با ارزش های اسلامی بسر ببرند. خلاصه، یک مؤمن مسئول است تا پیام الهی را بیاد داشته و آنرا برای دیگران برسانند.

مؤمنین از میتود های کتبی و شفاهی پیام رسانی استفاده نموده و غرض رساندن پیام الهی تکنالوجی مدرن امروزی را بکار میبرند. برای آگاه سازی مردم از اصول و تدریسات قرآن کریم، ایشان از تلویزیون، رادیو، کتب، مجلات، اخبار، انترنت و رسانه های دیگر استفاده مینمایند.

باوجودیکه هر روزی که میگذرد در آن چانس خوبی برای مؤمنین است تا یکدیگر را به راه حق دعوت نمایند ولی اندکی از وقت خویش را باید برای آماده گیری نیز صرف نمایند. خداوند در قرآن کریم نشان میدهد که کسانی که در راه وی مبارزه مینمایند باید در قدم اول باید آماده باشند. بنابراین، هر مؤمن باید در هر گام این کار مهم باید آمادگی داشته باشد. خداوند میفرماید:

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً ... ﴿التوبة: 46﴾ ○

ترجمه: و اگر [به راستی] اراده بیرون رفتن داشتند قطعا برای آن ساز و برگی تدارک می‌دیدند ... ○

به منظور رساندن پیام الهی، کار مهمی را که باید انسان مؤمن انجام بدهد اینست که وی باید علم خویش را تقویه بخشیده و از یاد گرفتن هر نوع علمی که وی را در رساندن پیام الهی کمک نماید دریغ ننماید. به عباره ی دیگر، وی باید خویشتن را هم از نگاه فکری و هم از نگاه معنویت تقویت ببخشد. وی باید در سخن گفتن و نوشتن بسیار مختصر و مؤجز باشد، راجع به موضوع صحبت نموده، کوشش مینماید تا سخنان وی متقاعد کننده و مؤثر باشد تا سبب تشویق شونده ها گردد و تا شنونده و خواننده از حکمتی که دین خداوند دارد باخبر گردد. هدف اساسی اینست تا مؤمن دین اسلام را آموخته، معانی، مفاهیم و

منظور آیات قرآنی را درک نموده، خویش را مطابق با سیرت النبی ص عیار ساخته و مطابق به سخنان وی ص زندگی مینماید. بنابراین، تمام این سعی و تلاش در زندگی مسلمانی که شایسته و با صلاحیت است تا دیگران را بسوی خداوند و محمد ص دعوت نماید از جایگاه خاصی برخوردار است.

## بخواب رفتن هنگام شب

برای مردمان صاحب عقل و خرد نشانه های بیشتری در باره ی آفرینش شب موجود میباشد. خداوند این موضوع را در قرآن کریم چنین بیان میدارد:

وَأَيَّةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلَمُونَ ﴿37﴾

ترجمه: و نشانه ای [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] از آن برمی کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می روند

○

یکی از این نشانه هایی که عظمت خداوند را نشان میدهد در هنگام ناپدید شدن تدریجی روشنائی و تاریک شدن آسمان به وضاحت دیده میشود. چونکه این روش بصورت بسیار تدریجی و آهسته صورت میگیرد، با تغییری که در روشنائی و درجه حرارت شب و روز پی هم می آید همه ی زنده جان ها خو گرفته و هیچگونه خساره ای بالای ایشان وارد نمیشود. خداوند متعال با علم و قدرت کاملی که دارد بالای بندگان خویش و دیگر زنده جان ها لطف و مرحمت نموده و نعمات بیشمار خویش را برای تمام بشر اعطا فرموده است؛ اما بسیاری مردم در تمام زندگی خویش حتی یکبار هم به این نکته توجه نمینمایند.

هرگاه شخصی که مطابق به دستورات قرآن کریم زندگی مینماید این موضوع را ملاحظه مینماید ثبوت دیگری را نیز در قرآن کریم پیدا مینماید:

... وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿92﴾

ترجمه: ... و او مهربانترین مهربانان است ○

جاهی شک و شبه ای نیست که تناوب شب و روز یکی از نعمات بیشمار خداوند برای بشریت میباشد. بخاطریکه این موضوع خوبتر درک گردد، خداوند توجه ما را به این چیز ها در قرآن کریم چنین جلب میدارد:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿71-72﴾  
 اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿71-72﴾

ترجمه: بگو هان چه می پندارید اگر خدا تا روز رستاخیز شب را بر شما جاوید بدارد جز خداوند کدامین معبود برای شما روشنی

می آورد آیا نمی شنوید ○ بگو هان چه می پندارید اگر خدا تا روز قیامت روز را بر شما جاوید بدارد جز خداوند کدامین معبود برای

شما شی می آورد که در آن آرام گیرید آیا نمی بینید ○

خداوند منان شرایط، موازنه ها، سیستم ها و نظام هایی را برای شب و روز ضروری دانسته است که باهم در عمل اند و در صورت نبودن یکی از آنها هیچ کمک رسانی بجز از خداوند نمیتواند که کمکی برساند. در صورتیکه خداوند متعال اراده مینمود تا روز را پی در پی و یا شب را پی در پی خلق نماید هیچ زنده جانی از چنین شرایطی در حیات بسر نمیبرد. هرگاه این امر اتفاق می افتد، حیات در زمین خاتمه می یافت. جای شک نیست که خداوند عزوجل روز و شب را به صورت بسیار درست و با نظم خاصی خلق نموده و دارای محیطی است که زندگی را برای تمام زنده جان ها مهیا میسازد. این نشانه ای از لطف و مرحمت بی پایان خداوند میباشد. در آیه ای از قرآن کریم خداوند چنین میفرماید:

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿التقصص: 73﴾

ترجمه: و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد تا در این [یک] بیارامید و [در آن یک] از فزون بخشی او [روزی خود] بجوید باشد که سپاس بدارید ○

کسانیکه مطابق به قرآن کریم زندگی مینماید از خداوند عزوجل ترس داشته و در فکر و هوش ایشان همیشه معطوف تفکر در باره آفرینش میباشد. ایشان در باره ی دلایل متناوب بودن شب و روز نیز می اندیشند. خداوند در قرآن کریم اینرا چنین بیان میدارد:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿آل عمران: 190﴾

ترجمه: مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه هایی [قانع کننده] است ○

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ ﴿يونس: 6﴾

ترجمه: به راستی در آمد و رفت شب و روز و آنچه خدا در آسمانها و زمین آفریده برای مردمی که پروا دارند دلایلی [آشکار] است ○

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿البقرة، 164﴾

ترجمه: راستی که در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتیهایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می رساند و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبنده ای پراکنده کرده و [نیز در] گردانیدن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می اندیشند واقعا نشانه هایی [گویا] وجود دارد ○

خداوند میتابولیزم بدن انسان را طوری خلق نموده است که در هنگام شب نیاز به استراحت و سکون دارد و آنرا در آیه ذیل چنین بیان میدارد:

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿يونس: 67﴾

ترجمه: اوست کسی که برای شما شب را قرار داد تا در آن بیارامید و روز را روشن [گردانید] بی گمان در این [امر] برای مردمی که می شنوند نشانه هایی است ○

ذَالِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآيٍ تُوَفَّقُونَ ﴿المؤمن: 61﴾

ترجمه: آنانند که در کارهای نیک شتاب می ورزند و آنانند که در انجام آنها سبقت می جویند ○

در پهلوی اینکه شب برای استراحت آفریده شده است، دلایل خاص دیگری نیز برای آفریدن شب وجود دارد. یکی ازین دلایل اینست که همین ساعات پر از خاموشی و آرامی در تمام دنیا موقع خوبی برای عبادت و ذکر خداوند نیز میباشد. در مقایسه با روز ، انسان در شب فرصت بیشتری برای تفکر در باره

نعمات و آفرینش مخلوقات و کاینات، خواندن قرآن کریم و عبادت خداوند لایزال را دارد. خداوند اینرا در قرآن کریم چنین فرموده است:

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً ○ إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ○ وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً ○ ﴿المزمل: 6-8﴾

ترجمه: قطعا برخاستن شب رنجش بیشتر و گفتار [در آن هنگام] راستین تر است ○ [و] تو را در روز آمد و شدی دراز است ○ و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز ○

تعمق در باره ی مخلوقات، خواندن قرآن مجید، ذکر و عبادت نسبتاً در هنگام شب آسان تر است زیرا در مقایسه با روز که انسان مصروف میباشد در هنگام شب فکر انسان بخوبی متمرکز میباشد. مؤمنی که از این امر آگاه است تمام شب را استراحت نمینماید. وی در این هنگام بطور خفیه و آهسته از خداوند عزوجل کمک خواسته و از خطاها و گناه هایی که بدان مرتکب شده است طلب آمرزش مینماید. روزی را که سپری نموده است از نظر گذشتانده و هرگاه کدام خطایی از وی سرزده باشد توبه نموده و از خداوند طلب آمرزش مینماید. همیشه کوشا بوده تا وقت خویش را طوری به مصرف برساند که سبب خشنودی خداوند شده، وی را همیشه به یاد داشته و در صدد نزدیکی با وی نیز میباشد. یک انسان مؤمن در طول شب عموماً در باره ی موجودیت و عظمت خداوند متعال، قرآن پاک، خلقت شگفت انگیز کائنات، زنده جان های روی زمین با تمام سیستم های کامل و بدون عیب آن، نعمات بی پایان، بهشت، دوزخ و جاودانگی زندگی دنیای ثانی تفکر و تعمق بیشتر مینماید. خداوند عزوجل چنین حرکت انسان مؤمن را در بعضی از آیه های قرآن کریم ستوده است.

وَالَّذِينَ يَبْتُؤْنَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ○ ﴿الفرقان: 64﴾

ترجمه: و آناند که در حال سجده یا ایستاده شب را به روز می آورند ○

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ○ ﴿السجدة: 16﴾

ترجمه: پهلوهایشان از خوابگاهها جدا می گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می خوانند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند ○

أَمْ نَنْهَوُا قَائِلَاتِ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الأَلْبَابِ ○ ﴿الزمر: 9﴾

ترجمه: [آیا چنین کسی بهتر است] یا آن کسی که او در طول شب در سجده و قیام اطاعت [خدا] می کند [و] از آخرت می ترسد و رحمت

پروردگارش را امید دارد بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند تنها خردمندانند که پندپذیرند ○

با انجام دادن چنین کاری درحقیقت مؤمنین از سنت رسول کریم ص نیز پیروی نموده اند زیرا وی ص قسمتی از شب را در نماز، تفکر و عبادت سپری می نمود. این حقیقت در آیه ذیل بیان گردیده است:

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ ... ○ ﴿المزمل: 20﴾

ترجمه: در حقیقت پروردگارت می داند که تو و گروهی از کسانی که با تو در نزدیکی به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را [به نماز] برمی خیزید ... ○

این سنت و عقیده از رسول اکرم ص برای ما به میراث مانده است. وی صلی الله علیه وسلم دعا مینمود تا خداوند وی را صاحب اخلاق نیکو و سیرت ممتاز نماید. به نقل از کتاب احیاء العلوم الدین، امام غزالی رح حضرت محمد ص چنین دعا مینمودند:

**"یا الله، مرا رویه ی نیک و خوی نیک اعطا فرما. یاالله، مرا از خوی بد و رویه ی بد نگهدار"** (امام غزالی، احیاء العلوم الدین، جلد دوم ص. 328)

قسمیکه قبلاً گفته شد، باید از یاد نبرید که استراحت نمودن فقط مثل مرگ است. اگر خداوند بخوهد، هر شخصی که بخواب برود دوباره نمیتواند برخیزد. برین اساس، آخرین دقایق بیشتر از خواب ممکن آخرین مهلتی باشد برای انسان تا طلب آمرزش نماید. در این باره خداوند عزوجل چنین فرموده است:

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ ﴿الزمر: 42﴾

ترجمه: خدا روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند و [نیز] روحی را که در [موقع] خوابش نمرده است [قبض می‌کند] پس آن [نفسی] را که مرگ را بر او واجب کرده نگاه می‌دارد و آن دیگر [نفسها] را تا هنگامی معین [به سوی زندگی دنیا] بازپس می‌فرستد قطعاً در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی [از قدرت خدا] است ○

مؤمنی که مبني بر اصول قرآن کریم زندگی مینماید صریحاً درک مینماید که آخرین دقایق بیشتر از خواب با ارزش ترین فرصتی است که از جانب خداوند برایش اعطاً شده است. این امر را در ذهن داشته و در صدد نزدیکی با خداوند میباشد. وی همیشه در هنگام شب از خطاهایی که انجام داده طلب آمرزش نموده، از خداوند عزوجل در همه کارها یاری و مدد خواسته و در سکوت و آرامش شب فقط برای خداوند عبادت مینماید.



## بخش دوم سیرت قرآنی یک مؤمن

### طرز برخورد با فامیل و دوستان

انسان مؤمن هنگامیکه آفرینش والدین خویش را ملاحظه مینماید از خداوند متعال خیلی سپاسگزار میگردد چونکه والدین وی کسانی هستند که در طول سالهای متمادی از همان لحظه ای که چشم به جهان گشوده است وقت و زحمات خویش را صرف وی نموده اند. شخصی که مطابق به اصول قرآن کریم زندگی مینماید اینرا نیز در مییابد که خداوند عزوجل والدین وی را آفریده، بالای آنها شفقت و مهربانی نموده و محبت فرزندان را نیز در وجود آنها خلق نموده است. در حقیقت خداوند یک رابطه ی محکمی را میان والدین و فرزندان ایشان خلق مینماید تا والدین فرزندان خویش را از همان آوان کودکی تا زمانی که فرزندان از چنین کمک بی نیاز میگردند با محبت پرورش دهند. هیچگاهی والدین از لذت تغذیه و پرورش فرزندان خویش خسته و کسل نشده و همیشه به امید رشد و نموی آنها میباشند. خداوند در مورد اهمیت خانواده چنین فرموده است:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ۝﴾ ﴿القصص: 14﴾

ترجمه: و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر بازگرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است ○

خداوند در قرآن کریم میفرماید که ما با والدین خویش باید رفتار خوب نماییم:  
﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْهِمْ أَن لَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... ۝﴾ ﴿الأنعام: 151﴾

ترجمه: بگو بیاید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوام چیزی را با او شریک قرار مدهید و به پدر و مادر احسان کنید ... ○

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا... ۝﴾ ﴿الأحقاف: 15﴾

ترجمه: و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم ... ○

بنابراین، به اساس آیات فوق، انسان مؤمن همواره اعتنا به والدین خویش نموده، ایشان را محترم شمرده، با ایشان رفتار نیک و خوش داشته و با محبت کامل خویش در صدد این است تا قلب ایشان را با کلمات مهربان و خردمندانه مجذوب خویش سازد. اینکه انسانها با والدین خویش چگونه رویه نمایند خداوند در قسمت دیگری از قرآن کریم چنین فرموده است:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۝﴾ ﴿الإسراء: 23﴾

ترجمه: و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را پرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخورگی رسیدند به آنها [حتی] اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی ○

درین آیه ی مبارکه، خداوند عزوجل نشان میدهد که به چه اندازه باید با والدین خویش مهربان باشیم. با آیه ی فوق، خداوند ما را از کوچکترین حرکت اهانت آمیز، از بی احترامی و عدم رعایت حقوق والدین

منع نموده است. بنابراین، مؤمنین کسانی اند که مطابق به خواسته های پدر و مادر خویش با احترام و بردباری بیشتر عمل مینمایند.

ایشان از هیچگونه کمک و همکاری ممکن بخاطر آسوده ساختن والدین خویش دریغ ننموده و در بدل کمک خواهان احترام و یا توجه والدین به خویشان نمیگردند. این بخاطریست که والدین ایشان با مشکلات و تکالیف گوناگونی از نگاه سن، فکر و قدرت فزیک و غیره مواجه میباشند. حتی این افراد قبل از اینکه والدین از ایشان خواهش رفع نیازمندی و یا طلب کدام همکاری را نمایند، اینها با غم خواری و دلسوزی سریعاً از این امر آگاه بوده و عمل می نمایند. بخاطر خوشی والدین خویش از هرکاری که توانایی آنها دارند دریغ ننموده و در بدل احسان خویش خواهان کدام متاع مادی و یا غیر مادی از والدین خویش نیستند. بدون در نظر داشت حالات والدین خویش و همواره با محبت عمیق خویش از آنها پرستاری نموده و همواره ایشان را احترام مینماید.

حالت دیگری که مؤمنین با والدین خویش مواجه میشوند نیز موجود است؛ انسان مؤمنی که والدین وی راه بی دینی را انتخاب نموده باشد. در چنین حالت تغییر بزرگ در عقیده بی جانبین، انسان مؤمن با همان رویه نیک و خوب از والدین خویش دعوت بعمل می آورد تا به راه مستقیم وصل گردند. حضرت ابراهیم پدر بت پرست خویش را چنین دعوت مینماید و این مثال خوبی برای مؤمنین نیز شده میتواند:

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعُلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ○ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ○ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ○ ﴿مريم: 43-45﴾

ترجمه: ای پدر به راستی مرا از دانش [وحی حقایقی به دست] آمده که تو را نیامده است پس از من پیروی کن تا تو را به راهی

راست هدایت نمایم ○ پدر جان شیطان را پرست که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است ○ پدر جان من می ترسم از

جانب [خدای] رحمان عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی ○

از طرف دیگر، افراد بیشتری از والدین سالخورده و ضعیف خویش که به کمک نیاز دارد رو میگردانند. این روش و رفتار درین عصر خیلی عادی شده است. همه می شاهد سالخوردگانی هستیم که از نگاه مادی و روحی در حالت بسیار خرابی بسر میبرند و در خانه بی تنهایی زندگی مینمایند. هرگاه اندکی دقت گردد دیده میشود که چنین اشخاصی که از والدین خویش پرستاری ننموده و سخن والدین خویش را گوش نمیگیرند در حقیقت مطابق به اصول قرآن کریم زندگی مینمایند.

شخصیکه قرآن کریم را رهنمود عمل قرار میدهد با والدین، اعضای خانواده و کسانی که دور و بر وی اند با لطف و مهربانی عمل مینماید. وی از خویشاوندان، دوستان، و دیگر آشنایان خویش دعوت مینماید تا مطابق با احکام و اصول قرآن زندگی نمایند. این بخاطریست که خداوند عزوجل ما را در قرآن کریم از این امر آگاه میسازد:

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ○ ﴿الشعراء: 214﴾

ترجمه: و خویشان نزدیکت را هشدار ده ○

خانواده ای که زندگی خویش را مطابق به قرآن کریم و سنت پیغمبر ص عیار میسازد، خوشی و خشحالی همواره تمام اعضای آن را دنبال مینماید. چپ و فریاد، مشاجره و بی احترامی ای که در بعضی خانواده ها دیده میشود در خانواده های مؤمنین هرگز دیده نمیشود. اجتماع خانواده های مؤمنین آنچنان خوشایند است که هر یک از اعضای خانواده از بودن در خانواده خویش نهایت خرسند میباشند. اطفال با والدین خویش با نهایت احترام و محبت قلبی برخورد مینمایند. والدین اطفال خویش را امانتی از جانب خداوند عزوجل پنداشته و همیشه مواظب آنها میباشند. وقتی که از کلمه بی فامیل یا خانواده نام میبریم به ذهن ما

محبت، صمیمیت، احترام، آسایش خاطر و کمک متقابل خطور مینماید. باید خاطر نشان ساخت که کلمه خانواده برای مؤمنین فقط میتواند زمانی چنین معنی را افاده کند که ایشان زندگی خویش را مطابق به اوامر اسلامی سوق داده، از خداوند عزوجل ترس داشته و محبت وی را در دل خویش جا دهند.

## گرایش بسوی نعمات

هرگاه مؤمنین طرز تفکر هیشگی خویش را اندکی تغیر داده سپس به محیط خویش نگاه نمایند، به صراحت دیده می‌توانند که تمام اشیای ماحول ایشان نعماتی اند که از جانب خداوند فرستاده شده اند. ایشان درک مینمایند که - چشم ها، گوش ها، بدن، غذا هایی که نوش جان مینمایند، هوای صاف و پاکي که تنفس مینمایند، خانه ها، اموال و دارایی ها، ملکیت ها، حتی موجودات ذره بینی و ستارگان - به فرمان و خدمت ایشان گماشته شده اند. نعمات به اندازه ای بیشمار اند که قابل شمردن نبوده قسمیکه خداوند در قرآن کریم میفرماید:

وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿النحل: 18﴾

ترجمه: و اگر نعمت [های] خدا را شماره کنید آن را نمی‌توانید بشمارید قطعاً خدا آمرزنده مهربان است ○

یک انسان مؤمن از تمام نعماتی که از جانب خداوند عزوجل فرستاده شده استفاده می‌شروع نموده، هرگز فریفته می‌نماید، خداوند عزوجل، دستاویز قرآن کریم و روز جزا را همواره به خاطر دارد. توانایی، پول، خوشبختی و دیگر دارایی ها و ی را به سوی فساد سوق نداده و هیچ گاهی متکبر و مغرور نمیباشد. به عبارتی دیگر، اینگونه خصوصیات هرگز وی را از فرمانبرداری از دستاویز قرآن کریم باز نمی‌دارد. وی میداند که تمام نعمات از جانب خداوند فرستاده شده و در صورتی که اراده می‌کند باشد تمام نعمات دوباره زوال میگردند. انسان مؤمن آگاه است که نعمات خداوندی محدود و زود گذر و غرض آزمایش بشر بوده و از جانب دیگر بازتابی از نعمات واقعی بهشت میباشند.

برای شخصی که مطابق به دستاویز قرآن کریم زندگی مینماید نعمات این دنیا مانند ملکیت، دارایی و شخصیت و غیره وی را نزدیکتر به خداوند ساخته و همواره شاکر نعمات میباشند. بنابراین هدف وی داشتن نعمتی که حد اکثر انسان را تا چند دهه ای کمک مینماید. وقتی که عمر انسان ختم میشود همان خانه است که حد اکثر انسان را تا چند دهه ای کمک مینماید. وقتی که عمر انسان ختم میشود همان خانه ای را که وی در طول حیات خویش دوست داشته، ارزش داده و کار و زحمت نموده تا مالک آن در طول حیات خویش باشد از دست وی می‌رود. جای شکی نیست که مرگ یک نقطه ای معین جدایی میان فرد و نعمات دنیایی وی میباشند.

انسان مؤمن آگاه است که خداوند عزوجل صاحب نعماتی است که وی صاحب آن است و فقط از جانب وی فرستاده شده است. از پروردگار خویش در بدل اعطای نعمات سپاسگزاری نموده و از هیچگونه کار شایسته دریغ مینماید تا توانسته باشد تحسین و قدر دانی خویش را نشان دهد. در بدل نعمات بیشمار وی همیشه زحمت به خرچ میدهد تا در عمل و گفتار از خداوند عزوجل سپاسگزاری نموده، نعمات وی را بیاد آورده، بخاطر داشته و دیگران را نیز از آن نعمات برای آگاه میسازد. آیه های ذیل مطالب فوق را به صراحت بیان میدارند:

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى ○ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى ○ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى ○ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ○ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ○ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ○ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ○ ﴿الضحى: 5-11﴾

ترجمه: و بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد تا خرسند گردی ○ مگر نه تو را یتیم یافت پس پناه داد ○ و تو را سرگشته یافت پس هدایت کرد ○ و تو را تنگدست یافت و بی‌نیاز گردانید ○ و اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میازار ○ و گدا را مران ○ و از نعمت پروردگار خویش [با مردم] سخن گوی ○

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذِكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ زَوَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ الأعراف: ﴿٦٩﴾

ترجمه: آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را هشدار دهد و به خاطر آورید زمانی را که [خداوند] شما را پس از قوم نوح جانشینان [آنان] قرار داد و در خلقت بر قوت شما افزود پس نعمتهای خدا را به یاد آورید باشد که رستگار شوید ○

بعضی از افراد زمانی از خداوند اظهار سپاس مینمایند نعمت خاصی به آنها گردیده باشد و یا کدام مشکل بزرگ آنها حل شده باشد. هرگاه ایشان اندکی فکر نمایند، ایشان این را به آسانی خواهند دید که زندگی یک شخص پر از نعمات است. در هر لحظه ای بطور دایم، نعمات بیشمار از قبیل حیات، صحت، فهم و هوش، پنج حس و هوایی را که تنفس مینماییم برای ما داده میشود. در حقیقت ما باید در بدل هر یکی از این نعمات از خداوند عزوجل بطور جداگانه سپاسگزاری نماییم. افرادی که از یاد خداوند عزوجل غافل بوده و در باره ی نعمات تفکر نمینمایند ارزش نعماتی را که صاحب آن هستند درک ننموده و از خداوند عزوجل سپاسگزاری نیز نمینمایند. ایشان فقط هنگامی ارزش نعمات را درک مینمایند که آنرا از دست بدهند.

اما مؤمنین همواره از اهمیت و ارزش نعمات باخبر بوده و درک مینمایند که ایشان بیچاره و درمانده بوده و به نعمات ضرورت دارند و از همین لحاظ همیشه از خداوند عزوجل سپاسگزاری مینمایند. ایشان تنها به سبب ثروت، دارایی و ملکیت از خداوند عزوجل سپاسگزاری نمینمایند بلکه در موارد بیشمار دیگر نیز مخلصانه از وی خرسند بوده و اظهار سپاس مینمایند. طور مثال، اینکه خداوند صاحب و مالک همه چیز است، ایشان از وی از ناحیه صحت، صورت خوب و نیکو، علم، فهم و درک، بخاطر دوست داشتن دین خویش و نفرت داشتن از ادیان مفسد، به خاطر اینکه ایشان در راه مستقیم روان اند، به خاطر وابستگی ایشان به مؤمنین واقعی و درک، فهم و دانش آنها و بخاطر توانایی روحی و فزیکوی خویش همواره از خداوند عزوجل اظهار امتنان مینمایند. ایشان فوراً از دیدن یک منظره ی زیبا یا هنگامیکه کار خویش را به صورت خوب آن انجام داده باشند، هنگامیکه دسترسی به چیز مورد پسند خویش پیدا نمایند، سخن خوش بشنوند، شاهد عمل محبت و صمیمیت گردند و یا صاحب نعمات بیشمار دیگر گردند از خداوند عزوجل قلباً اظهار سپاس مینمایند. ایشان بخشایشگری و مهربانی خداوند عزوجل را خیلی به یاد می آورند.

هرگاه شخصی در بدل اعطای نعمات اظهار سپاس نمایند و سرکش، مغرور و متکبر نگردد، خداوند عزوجل نعمات بیشمار دیگر را نیز به وی اعطا مینماید. این موضوع را خداوند در قرآن کریم چنین بیان نموده است:

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧٠﴾ إبراهيم: ﴿٧٠﴾

ترجمه: و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعا سپاسگزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید

قطعا عذاب من سخت خواهد بود ○

در عین حال، خداوند نعمات را بخاطری اعطا مینماید که انسانها را ذریعه ی آن مورد آزمایش قرار دهد. بنابراین صاحبان خرد و مؤمنین واقعی، بر علاوه از سپاسگزاری، نعماتی را که به ایشان اعطا میگردد تا حد ممکن در کارهای خوب و شایسته استفاده مینمایند. ایشان تنگ چشم و نعمت پرور نمیباشند. این بخاطریست که جمع نمودن ثروت و مال یکی از خصوصیت های دوزخیان است. خداوند عزوجل در قرآن کریم چنین میفرماید.

كَلَّا إِهْمَا لَطَى ○ نَزَاعَةَ لِلسُّوَى ○ تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلَّى ○ وَجَمَعَ فَأَوْعَى ○ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ○ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ○ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ○ ﴿المعارج: 15-21﴾

ترجمه: نه چنین است [آتش] زبانه می کشد ○ پوست سر و اندام را برکننده است ○ هر که را پشت کرده و روی برتافته ○ و گرد آورده و انباشته [و حسابش را نگاه داشته] فرا می خواند ○ به راستی که انسان سخت آزمند [و بی تاب] خلق شده است ○ چون صدمه ای به او رسد عجز و لابه کند ○ و چون خیری به او رسد بخل ورزد ○

به جواب سوالی که مردم باید چه را بخشش نمایند، خداوند عزوجل در قرآن کریم چنین میفرماید:

...وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ ... ○ ﴿البقرة: 219﴾

ترجمه: ... از تو می پرسند چه چیزی انفاق کنند بگو مازاد [بر نیازمندی خود] را ... ○

این یکی از شرایط لازم دساتیر قرآن کریم است که مؤمنین قسمتی از درآمد و عاید خویش را جدا از ضروریات خویش در کارهای خوب و شایسته قسمی که خداوند عزوجل فرمان داده است به مصرف می رسانند. حد اقل قانونی آن زکات فرضی می باشد که ذریعه حکمفرما و یا رییس یک اجتماع جمع آوری گردیده تا برای فقرا و مردم بی بزاعت و کسان دیگری که خداوند عزوجل آنرا در آیه ی در مورد زکات بیان میدارد توزیع گردد. بخشایش بیشتر از حد اقل قانونی زکات فرض نبوده ولی بیشتر توصیه گردیده است.

مطمئناً، سپاسگزاری مؤمنین از برای نعمات طوری می باشد که نعمات را در راه حصول رضای خداوند عزوجل به کار می برند. انسان مؤمن مسئول است تا چیزی را که صاحب آن است در انجام دادن کارهای خوب قسمی که خداوند عزوجل امر فرموده است به مصرف برساند. بر علاوه ی توانایی مادی که به وی اعطا گردیده، انسان مؤمن جسم و بدن خویش را نیز در راه حصول رضای خداوند صرف مینماید تا باشد که در راه وی کار نموده، خشنودی، لطف و مرحمت وی را حاصل نموده و به نعمات بی شمار بهشت نیز نائل آید.

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ هُمْ الْجَنَّةَ ... ○ ﴿التوبة: 111﴾

ترجمه: در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است ... ○

جمع افرادی که سیرت قرآنی داشته و همچنان از سنت پیغمبر ص پیروی مینمایند با زکات و صدقه دادن در از بین بردن خشونت، ستمی و دعوی، دزدی و سرقت، و فعالیت های دیگر زشت جنایی که از فقر، گرسنگی و بیچارگی و مشکلات دیگر سرچشمه میگیرد کمک شایانی مینمایند. از همین طریق در صورتیکه خداوند عزوجل نیز خواسته باشد، آسودگی خاطر و خوشی ممکن به درجه ی کمال خویش برسد.

## گرایش بسوی زیبایی ها

ثروت، سربلندی و زیبایی از جمله خصوصیات آنی است که در بهشت موجود اند بناً زمانیکه مردم صاحب چنین چیزها در دنیا میگردند ایشان از بهشت و خصوصیات آن بیشتر آگاه میشوند. همینجاست که شوق و اشتیاق مؤمنین بیشتر گردیده و کوشش مینمایند تا همیشه در حصول بهشت کوشا باشند. اما کسانی که مؤمن نیستند چنین نعمات را منحصر به دنیا شمرده و به حیات بعد از موت هیچگونه تمایلی نشان نمیدهند. تمام چیزها - دریا های جاری بی پایان، محلاتی که منظره ی بسیار زیبا دارند، باغهای پر از رنگهای مرغوب، زیبایی انسان، کارهای متحیر کننده ی هنری و دیگر زیبایی ها - همه نعماتی است که از جانب خداوند عزوجل برای انسانها اعطا گردیده اند. هر کدام از این نعمات دنیایی خلقت خداوند عزوجل را در خود نشان میدهد. انسان مؤمن، تمام نعمات دنیایی را بازتابی از نعمات اخروی، اصلی، و منحیت یک خبر خوش تلقی مینماید:

وَيَسِّرُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنْتُمْ بِهِ مُتَشَابِهُونَ وَهُمْ فِيهَا أزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿البقرة: 25﴾

ترجمه: و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود که از زیر [درختان] آنها جویها روان است هر گاه میوه ای از آن روزی ایشان شود می گویند این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده و مانند آن [نعمتها] به ایشان داده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند ○

نعمات اخروی با نعمات دنیوی شباهت داشته اما نعمات اخروی جاودانی و ابدی بوده و ذاتاً نیز عالی تر اند. خداوند عزوجل بهشت را با نعمات بی شمار آن به صورت کامل خلق نموده است. شخصی که مطابق به ارزش های قرآنکریم زندگی مینماید خلقت و شگرفی بهشت را در هر چیزی که مبیند اندیشه مینماید. هنگامیکه به سوی آسمان مینگردد وی در باره ی "جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ" <sup>1</sup> ﴿آل عمران: 133﴾ تفکر مینماید؛ هنگامیکه خانه های زیبا و قشنگ را مینگردد وی به یاد "عُرْفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" <sup>2</sup> ﴿العنكبوت: 58﴾ می افتد؛ هنگامیکه جواهرات زیبا و قشنگ را مینگردد وی به فکر زیورات بهشتی می افتد "أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا" <sup>3</sup> ﴿فاطر: 33﴾. هنگامیکه لباس شیک و باسلیقه را مبیند وی در باره ی لباس بهشتیان "وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ..." <sup>4</sup> ﴿الکهف: 31﴾ بیشتر تفکر مینماید؛ در هنگام خوردن و نوشیدن غذاها و نوشیدنی های مزه دار، وی سریعاً به فکر "فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ حَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى" <sup>5</sup> ﴿محمد: 15﴾ که در بهشت است می افتد؛ هنگامیکه باغ و بوستانهای قشنگ را نظاره مینماید وی به یاد "مُدْهَامَاتَانِ" <sup>6</sup> ﴿الرحمن: 64﴾ شده و هنگامیکه به بلبل و فرنیچر دلکش نظر مینماید وی به فکر

1 ترجمه: بخشی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است ○

2 ترجمه: در غرفه های از بهشت جای می دهیم که از زیر آنها جویها روان است ○

3 ترجمه: دستبندهایی از زر و مروارید زیور ○

4 ترجمه: و جامه های سبز از پرنیان نازک و حریر ستر می پوشند ○

5 ترجمه: [چون باغی است که] در آن نهرهایی است از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته و جویهایی از شیرینی که مزه اش دگرگون نشود و رودهایی از باده ای که برای نوشندگان

لذتی است و جویبارهایی از انگبین ناب ○

6 ترجمه: که از [شدت] سبزی سیه گون می نماید ○

"عَلَى سُرِّ مَوْضُونَةٍ" <sup>1</sup> ﴿الواقعة: 15﴾. که در بهشت است افتیده و تعمق و تفکر بیشتر در باره ی چنین چیزها مینماید.

یگانه دلیلی که وی را به چنین طرز فکری وادار مینماید اینست که تمام چیزهای زیبای این دنیا سبب خوشی انسان مؤمن شده و یک فرصت خوبی برای سپاسگزاری از ایزد متعال را برای وی مهیا میسازد. هرگاه صاحب چنین نعمات هم نباشد، هیچ نوع تغییری در خوشی و طرز سپاسگزاری وی دیده نمیشود. در عین حال، چنین چیزها منابع مهمی برای خوشی وی گردیده و سبب میشود تا اشتیاق و آرزوی وی برای حصول بهشت بیشتر گردد.

انسان مؤمنی که قرآن کریم را سرمشق زندگی خویش قرار میدهد هیچگاهی با دیدن شخصی که پولدار تر و یا جذاب تر از وی باشد ناراحت و حسود نمیگردد. طور مثال، برخلاف کسان دیگر وی از بابت نداشتن خانه ی زیبا افسوس نمینماید بخاطریکه یکی از اهداف اساسی ای که در زندگی یک انسان مؤمن دیده میشود در حقیقت حصول زیبایی و دارایی آخرت است نه از زندگانی فانی و زود گذر این دنیا. خانه ی اصلی و حقیقی وی بهشت میباشد. خداوند عزوجل در قرآنکریم در این مورد چنین فرموده است.

يُسَبِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَاتٍ هُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ﴿التوبة: 21﴾

ترجمه: پروردگارشان آنان را از جانب خود به رحمت و خشنودی و باغهایی [در بهشت] که در آنها نعمتهایی پایدار دارند مژده

می دهد ○

تنها کسانی علاقه ی شدید به نعمات زود گذر دنیا پیدا مینمایند که چشم پوشی از دساتیر قرآنکریم نموده و حقیقتی را که بهشت خانه ی حقیقی بشر است از یاد برند. ایشان خواهان این اند تا از شخصیت آنها تعریف و تمجید صورت گرفته، شخصاً مهم و با احترام تلقی شده، زندگی مادی خویش را انکشاف داده و زندگی خوبتری را سپری نمایند. اینگونه مردم در طول زندگی خویش همواره در پی ارزش های زود گذر، بی اهمیت و فریبنده ی این دنیا میباشند. با دیدن چیزهایی که مالک آن نیستند ایشان حسود گردیده، طمع آنها بیشتر شده و غمگین نیز میگردند. طور مثال، ایشان از بسر بردن در خانه ی قشنگی که مالک آن نیستند خرسند نمیباشند. ذهن آنها با سوالاتی همچون "چرا ما به این سرحد پولدار نیستیم؟" و "چرا ما مالک اینگونه خانه ی قشنگ نیستیم" مشغول میباشد. اشیای خوب به طور معمول سبب تحریک ایشان میگردد. ایشان به این فکر اند که بخاطر لذت بردن از اشیای قشنگ باید حتماً صاحب آن باشند.

با این حال، کسانی که با توجه به تعالیم قرآن زندگی می کنند چیزهای زیبا را به صراحت درک می نمایند چه از خود آنها باشد و یا از اشخاص دیگر. به عنوان مثال، کسی است که از ایمان خویش آگاهی داشته ولی به عنوان بخشی از آزمون خداوندی در این دنیا ممکن در محله ثروتمند زندگی نمینماید، شاید حتی تا اکنون شخص ثروتمند را هم ندیده باشد. اما او متوجه می شود که دلیل مشخصی برای وضعیت او وجود دارد. مؤمن می داند که برای دیدن زیبایی های خلقت پروردگار لازم نیست تا وی به چنین مکان هایی برود. با ادراک و درک خاص خود، مؤمن زیبایی های غیر قابل قیاس نعمات خداوند عزوجل را در هر مکان و در هر لحظه ای مشاهده مینماید. شکوه و جلال ستاره ها در شب و زیبایی غیر قابل قیاس آن و همچنان رنگ و طراحی گل سرخ، دو مثال معمولی اند که هر کس می تواند از طرف روز و شب هنگام ببیند و تقدیر نماید.

قسمیکه در قبل تذکر داده شد، اشتیاقی که مؤمنین آنرا حس مینمایند سبب میشود تا محیط خویش را طوری آراسته نمایند که بهشت را بیان آنها همواره بیآورد. همانا، بهشت جایی است که اثر هنری آن خارج از اذهان و دارای چنان زیبایی های است که زیبایی آن در ذهن انسان حتی خطور هم نمینماید. اما

<sup>1</sup> ترجمه: بر تختهایی جواهرنشان ○



مؤمنی که سیرت قرآنی داشته از تمام شرایطی که در دسترس وی از استفاده مینماید تا محیط خویش را زیبا نگهدارد. قسمیکه از قرآن آموخته ایم، محوطه ای را که در آن حضرت سلیمان ع زندگی مینمود با شیشه تزئین گردیده بود

... قَالَ إِنَّهُ صَرَحَ مُرَدِّ مِّنْ قَوَارِيرٍ ... ﴿النمل، 44﴾

ترجمه: ... [سلیمان] گفت این کاخی مفروش از آبگینه است [ملکه]... ○

با مقام عالی، و بعضی اوقات قدرت و همچنان ملکیت بیشتری که اعطاً گردیده بودند، پیغمبران تمام نعمات را مطابق به امر و اراده ی خداوند عزوجل استفاده مینمودند. از همین لحاظ، از ایشان در قرآن مجید تمجید صورت گرفته است. مؤمنین زندگی پیغمبران را سرمشق قرار داده (قسمیکه اولیاءالله نموده اند) و مواظب اند تا نعماتی را که حاصل مینمایند به گونه ای استفاده نمایند که سبب خشنودی خداوند عزوجل گردد.

### واکنش علیه واقعات منفی ظاهری

دشواری های بیشماری را ممکن یک شخص در طول روز دچار گردد. بدون توجه به اینکه با چه نوع مشکلی مواجه میگردد، انسان مؤمن خویشتن را تسلیم خداوند عزوجل نموده و تعمق مینماید که "خداوند عزوجل ما را در هر چیزی آزمایش مینماید. این یک حقیقت مهمی است که آنرا باید از یاد نبریم. بنابراین، در هنگام برخورد با مشکلات طور مثال در کارهایی که انجام میدهیم و یا به فکر این می افتیم که کارها به خوبی به پیش نمیروند، باید خداوند عزوجل را از یاد نبرده و بدانیم که دشواری ها را خداوند عزوجل قرار حال ما میسازد تا ما را آزمایش و امتحان نماید."

در قرآن کریم، خداوند عزوجل میفرماید که هر مشکلی را که یک شخص با آن مواجه میگردد از جانب وی میباشد:

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ○ ﴿التوبة: 51﴾

ترجمه: بگو جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی رسد او سرپرست ماست و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند ○

هر چیزی را که ما در زندگی خویش شاهد آن هستیم از جانب خداوند عزوجل میباشد و برای مؤمنین خیلی ها مفید میباشد چه در دنیا باشد و یا آخرت. برای کسانی که از ایمان کامل برخوردار اند این موضوع خیلی ها روشن است. طور مثال، یک انسان مؤمن با از دست دادن بعضی از مالکیت های خویش که آنرا دوست داشته است منفعت بیشتر را برده است. ظاهراً این یک ضایعه تلقی میگردد اما از همین سبب انسان مؤمن خطاهای خویش را درک نموده، درک خویش را بیشتر ساخته و بیشتر مواظب اعمال خویش میباشد. منفعت دیگری را که حاصل مینماید اینست که وی بخاطر می آورد که وی صاحب هیچ چیزی نمیشود و درحقیقت مالک هر شی خداوند عزوجل است.

این برای همه چیز خواه خورد یا بزرگ که در طول حیات روزانه به وقوع میپیوندد نافذ است. طور مثال، بنابر سؤ تفاهم و یا غفلت یک شخص، تادیبه ی پول به طور درست صورت نمیگیرد؛ سندی را که یک شخص چندین ساعت بالای آن در کمپیوتر کار نموده است بنابر خاموش شدن برق از بین میرد؛ شاگردی که نمیتواند غرض مریضی ای که عاید حالش گردیده امتحانی را که وی بدان آمادگی خاصی گرفته بود تا ذریعه آن در دانشگاه راه پیدا نماید سپری نمی نماید؛ یک شخص بر اساس پروسیجرهای بروکراتیک دولت باید چندین روز در یک قطار ایستاده شود؛ اسناد یک شخص طی مراحل نمیگردد و مانع پیشرفت کار وی میگردد؛ شخصی که نیاز دارد تا به جای دورتری برسد بس و یا طیاره را از

دست میدهد... اینها واقعاتی اند که در زندگی هر شخصی ممکن واقع گردند و در حقیقت تراجیدی های دشواری اند.

اما برای صاحبان خرد و ایمان، در چنین رویدادهایی بسا زیبایی هایی نهفته است. از همه اولتر، انسان مؤمن درک مینماید که خداوند عزوجل رویه، سلوک و ایستادگی وی را آزمایش مینماید. اینکه وی میمیرد و باید حساب همه چیز را در دنیای دیگر بیان دارد بناً نگاه کردن بیشتر به چنین دشواری ها ضیاع وقت است. وی میداند که هر چیزی که واقع میگردد از جانب خداوند عزوجل بوده و دارای جنبه ی مثبت میباشد. وی هیچگاهی قلب خویش را از دست نداده و دعا مینماید تا خداوند عزوجل وظیفه ی وی را آسان ساخته تا نتایج کار وی پر رونق باشد. و وقتی که بعد از هر سختی ای آسانی ای میاید وی از خداوند عزوجل سپاسگزاری نموده بخاطریکه دعای وی قبول گردیده و خداوند عزوجل وی را کمک نموده است.

شخصیکه روز خویشتن را با چنین طرز فکری آغاز مینماید به ندرت امید خویش را از دست میدهد. بدون در نظر داشت اینکه چه واقع گردیده و یا خشمگین، قهر، هراسناک و بی چاره گردد، وی خداوند عزوجل را دوباره به یاد آورده و به طرف وی رجوع مینماید. وی میداند که خداوند عزوجل چنین چیزها را برای اهداف مفید و مثبت خلق نموده است. وی تنها هنگامیکه دچار آسیب عظیمی شود متوجه این موضوع نمیشود بلکه قسمیکه در قبل ذکر شد، در همه چیزهای خورد و ریزه ای که در طور روز بالایش واقع میشود متوجه ی این امر میباشد.

طور مثال، یک شخص هیچگونه پیشرفت در کاری را که باید انجام دهد از خود نشان نمیدهد؛ در دقایق اخیر هنگامیکه باید کار را به اتمام برساند وی دچار اشتباه عظیمی میگردد. این شخص از نهایت خشم کارگرفته، عصبانی و تیره روز گردیده و واقعات منفی دیگر را از خود نشان میدهد. اما شخصیکه یقین دارد که در همه چیز نکتی مثبت وجود دارد سعی مینماید تا بفهمد که خداوند عزوجل چه عبرتی در این کار برای وی میدهد. وی ممکن فکر کند که خداوند عزوجل به سببی چنین اراده نموده بود تا وی بار دیگر بسیار محتاط بوده و محتاطانه عمل نماید. وی از هر گونه احتیاطی کا گرفته و از خداوند عزوجل سپاسگزاری مینماید چون به سبب همین عمل از خسارات هنگفت دیگر جلوگیری گردیده است.

هنگامیکه وی بس را از دست میدهد وی میداند که ممکن ناوقت رسیدن و نرفتن ذریعه بس ممکن از کدام واقعه و حادثه ای در امان مانده باشد. اینها مثالهای کمی هستند. وی فکر مینماید که ممکن دلایل نهفته ی همانند همین مثال ها وجود داشته باشد که وی نتوانست به بس برسد. این مثال ها در زندگی انسان چندین بار عملی شده میتواند. اما چیز بسیار مهم اینست: پلان یک شخص مطابق به میل و اراده ی خود شخص برای همیشه به نتیجه ی مطلوب نمیرسد. وی ممکن خویشتن را در محیط کاملاً متفاوت از چیزی که پلان نموده بود ببیند که چنین حالتی برای شخصیکه تابع تقدیر خداوندی است پر از منفعت میباشد. وی همیشه در کوشا است تا علت الهی چیزی را بفهمد که بالای وی رخ داده است. در قرآن کریم خداوند عزوجل چنین میفرماید:

وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿البقرة: 216﴾

ترجمه: بر شما کارزار واجب شده است در حالی که برای شما ناگوار است و بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب

است و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است و خدا می داند و شما نمی دانید ○

قسمیکه خداوند عزوجل میفرماید، انسان نمیفهمد که چه چیزی پر از منفعت بوده و چه چیزی زیان آور است، اما خداوند تنها ذاتی است که از اسرار عالمیان آگاه است. یک شخص باید با خداوند دوستی نموده و خویشتن را به وی تسلیم دارد چون وی بی نهایت بخشنده و مهربان است. در این دنیا، یک شخص ممکن تمام دارایی های خویش را در آن واحد از دست بدهد. ممکن خانه اش آتش گرفته و از بین برود،

ثرمایه اش در رکود اقتصادی زیان ببیند و یا هم ممکن مالکیت های مهم و ارزشمند خویش را در صانع و یا تصادمی از دست بدهد. خداوند عزوجل در قرآن کریم میفرماید که مردم را با چنین حالاتی امتحان مینماید.

﴿البقرة: 155﴾ ○ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ○

ترجمه: قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می آزمایم و مژده ده شکیبایان را ○

خداوند عزوجل میفرماید که انسانها در طول زندگی خویش امتحانات بیشماری را مواجه میگردند و در مقابل صبر و استواری در حالات دشوار برای ایشان پاداش خوب داده میشود. طور مثال، یک شخص چیزی را که صاحب آن است از دست میدهد؛ صبر و استواری ای که خداوند عزوجل در قرآن کریم ذکر نموده است اینست که این شخص خویشتن را به اراده ی خداوند تسلیم میدارد، خواه خورد باشد و یا بزرگ. وی از حقیقتی که خداوند عزوجل تمام چیزها را آفریده باخبر میباشد و از همین لحاظ نمیگذارد تا رویه و رفتار وی نا متوازن گردد.

یک شخص ممکن در طول روز خساره ی بیشتر ببیند. طور مثال، هر گاه شخصی منبع پولی خویش را از دست میدهد برایش خیلی ها دشوار تمام میشود زیرا برای برآورده ساختن نیازمندی هایش وی قسمت بیشتر روز خویش را صرف همان وظیفه مینمود تا پول پیدا نماید. تعداد کثیری از مردم وجود دارد که از کودکی به فکر این اند تا صاحب یک وظیفه ی خوب باشند. ایشان هر لحظه ای از زندگی خویش را صاحب شدن یک وظیفه ی خوتبر و یا هم ترفیع در وظیفه ی کنونی صرف مینمایند. بنابراین، در صورت از دست دادن وظیفه روزهای ایشان پر از اضطراب و تشویش میباشد. زندگی ایشان به گفته ی خود ایشان معکوس گردیده است.

بطور معکوس، انسان مؤمن میداند که فقط ذات خداوند عزوجل است که برای وی معاش روزانه را فراهم نموده است که منبع عایداتی وی نیز برای همین منظور است. به عباره ی دیگر، نعماتی را که خداوند عزوجل برای وی داده اند تنها وسیله اند. بنابراین، هرگاه انسان با ایمان منبع عایداتی خویش را از دست میدهد وی این امر را با ثبات، استواری و سپردن قبول مینماید. در چنین حالاتی، وی شکیبای بوده، عبادت نموده و خویشتن را به پروردگار میسپارد. وی هرگز فراموش نمینماید که روزی وی از جانب خداوند عزوجل بوده و هر زمانی که اراده نموده باشد میتواند آنرا قطع نماید.

شخصی که قرآن کریم را سر مشق زندگی خویش قرار میدهد با از دست دادن منبع عایداتی خویش، هنگام دچار شدن با کدام مشکلی، کامیاب نشدن در دانشگاه مورد نظر خویش و یا حالات همانند اینها فکر و عمل خود را تحت کنترل خود میارود. وی ملاحظه مینماید که آیا رویه و رفتار وی سبب خشنودی و رضایت خداوند عزوجل میگردد و یا نه. افکار ذیل در ذهن وی خطور خواهد نمود:

- آیا من به صورت کافی در مقابل وسایل، متاع و یا مالکیت از دست رفته ی خویش سپاسگذار بودم؟

- آیا من از اعطای نعمات سپاسگزاری ننموده بودم؟

- آیا من خداوند عزوجل و آخرت را به سبب دوستی با مالکیت ها و متاع خویش از یاد برده بودم؟

- آیا به سبب مالکیت های خویش مغرور و گردن فراز بودم که سبب دوری من از خداوند عزوجل و تدریسات قرآنی گردد؟

- آیا من در عوض حصول رضای خداوند به دنبال حصول خوشی دیگران کار میکردم و یا در قبایل تمنیات و آرزو های شخصی خویش فکر مینمودم؟

انسان مؤمن برای سوالات فوق میتواند جوابات بی ریا ارایه نماید. مطابق به جوابات خویش، وی کوشش مینماید تا رویه و رفتار خویش را درست نموده تا باشد که رضای خداوند عزوجل حاصل گردد. وی با صدق دل و صمیمیت بیشتر با خداوند عزوجل تقرب مینماید. وی به خداوند پناه برده و از گناہانی که مرتکب شده است طلب آمرزش مینماید.

در هنگام امتحان خداوندی، ممکن خسارات پی هم شامل حال انسان گردد. اما شخصی که صاحب ایمان قوی است میداند که برای اینهمه خسارات دلایلی وجود دارد. یکی از دلایل عمده ی آن اینست که روحانیت با دشواری های بیشماری نایل میگردد.

... فَأَتَابَكُمْ عَمَّا بَغِمَ لَكُمْ لِكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿آل عمران: 153﴾

ترجمه: ... پس [خداوند] به سزای [این بی انضباطی] غمی بر غمتان [افزود] تا سرانجام بر آنچه از کف داده‌اید و برای آنچه به شما رسیده است اندوهگین نشوید و خداوند از آنچه می‌کنید آگاه است ○

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِكَيْلًا ○ تَأْسُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿الحديد: 22-23﴾

ترجمه: هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفسهای شما [= به شما] نرسد مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم در کتابی است این [کار] بر خدا آسان است ○ تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد ○

برای انسان مؤمن، واقعات دشواری که در طول روز پی هم رخ میدهند اسبابی اند که وی را به فکر آزمایشات خداوندی انداخته تا باشد که به وی تقرب یافته، به حد کمال رسیده و دنبال سیرت قرآنی باشد. وی آگاه است هک خداوند عزوجل وی را بدین ذریعه آموزش میدهد تا وی را برای نعمات بی پایان اخروی آماده سازد.

## روش و رفتار در هنگام بیماری

شخص باایمان در هنگام بیماری ثابت قدم بوده و خویشتن را به خداوند منان میسپارد بخاطریکه وی میفهمد که بیماری وی امتحانی است به همان گونه ای که صحتمندی وی امتحانی است از جانب خداوند عزوجل. وی آگاه است که رنج و مصیبت به سبب آزمایش بندگان از جانب خداوند منان بوده به همان شکلی که صحتمندی، خشبختی و آسانی میباشد. و همچنان میداند که امتحانات خداوندی ممکن خیلی ها سخت و دشوار باشد. بنابراین، بدون توجه به اینکه تا چه حدی وی نا راحت است، وی ثابت قدم بوده و از خداوندی عزوجل صادقانه پرستش مینماید. وی میداند که تنها خداوند میتواند وی را از بیماری رهایی دهد. در قرآن کریم، خداوند عزوجل کسانی را که در هنگام مرضی صبور، ثابت قدم و پابرجای میباشند توصیف نموده و ایشان را با **با تقوا ترین** انسانها خطاب نموده است:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿البقرة: 177﴾

ترجمه: نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینویان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایند آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزکارانند ○

در هنگام ثبات قدمی، انسان مؤمن از معالجه و درمان بیماری خویش نیز دریغ نمینماید. وی احساساتی نگردیده تا توجه کسان دور و بر را متوجه خود سازد. وی از معالجه و دواي که برایش پیشنهاد گردیده به صورت خوب استفاده مینماید. چنین طرز برخورد وی در حقیقت نوعی از عبادت است. در حین حال، نظر به سیرت قرآنی ای که دارد وی همواره عبادت مینماید تا خداوند عزوجل وی را صحتمند سازد. در قرآن کریم، خداوند عزوجل از حضرت ایوب ع یاد نموده که چگونه از خداوند خویش طلب کمک مینماید:

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ○ ﴿الأنبياء: 83﴾

ترجمه: و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که به من آسیب رسیده است و تویی مهربانترین مهربانان ○ باید خاطر نشان ساخت که تمام ادویه جاتی را که انسان به مصرف میراسند وسیله شفا میباشند. اگر خداوند عزوجل خاسته باشد همان معالجه را وسیله ی شفا میگرداند. در حقیقت خداوند عزوجل وسیله ی بهداشتی از قبیل مایکرو ارگانیزمها، حیوانات، نباتات و غیره را خلق نموده است که در ترکیب ادویجات از آنها استفاده میگردد. پس خداوند عزوجل تنها کسی است که ما را شفا میبخشد. در قرآن عظیم الشان، خداوند عزوجل حضرت ابراهیم ع را چنین مثال قرار میدهد:

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ○ ﴿الشعراء: 80﴾

ترجمه: و چون بیمار شوم او مرا درمان میبخشد ○

معکوساً، اعضای جامعه ی بیخدا سریعاً در هنگام بیماری از خود سرکشی مینمایند. ایشان طوری رویه و عمل مینمایند که از دهن ایشان جملاتی همچون "چرا این همه چیزها بالای من واقع گردیده است؟" بیرون میبراید. شخصیکه چنین طرز فکری دارد هیچگاهی خویشتن را تسلیم خداوند ننموده و سپردن خویش را به خداوند منان بدون منفعت میداند.

مؤمنین سعی مینمایند تا روی این فکر کنند که چرا به بیماری مبتلا شدند و متعاقباً آن را فرصت خوبی پنداشته تا به خداوند عزوجل نزدیک گردند. یکبار دیگر، ایشان درک مینمایند که صحت یکی از نعمات خیلی ها ارزشمند بوده و همچنان اینکه انسان موجود خیلی ها ضعیف میباشد. حتی یک بیماری عادی از قبیل سرماخوردگی میتواند انسان را در بستر بیاندازد. در این حالت، بدون توجه به اینکه ما چگونه قدرت مند، صاحب احترام و پول دار اند، ما نا توانیم و باید ادویه ی خویش را گرفته و استراحت نماییم. در چنین شرایطی، ما بخاطر میآوریم که به چه اندازه ی ما به خداوند عزوجل ضرورت و نیاز داریم و تاچه اندازه ی بیماری ما سبب گردیده تا نام خداوند عزوجل را بیاد آورده و نزدیک وی گردیم. و همچنان، برای یک انسان مؤمن هر بیماری ای یک هشدار است که زندگانی دنیا زودگذر بوده و مرگ و زندگی دنیای دیگر نزدیک است.

## طرز برخورد در مواقع ناسازگار و پریشانی آور

انسان ممکن است در هر لحظه ای از زندگی خویش دچار مواقع ناسازگار گردد طور مثال، گاهی که در سر سرک بالای کثافات اشتباه لگد میگذارد و یا در تشنایی که بوی بد از آن خارج میگردد و یا امثال آن در جاهای تنگ، تاریک و نمناکی که داخل میشود برای وی ناخوشایند مییابد. برای انسان مؤمن، حتی جاهایی که کثیف اند و ذهن انسان از آنجا دوری میکند نیز در خلقت خداوندی برای اهداف بیشماری بمیان آمده است. طور مثال، این چنین جاها انسان مؤمن را از دوزخ و بدبختی آن باخبر میسازد. جهنم جایی است که کثافت، پلیدی و آلودگی آن نسبت به دنیا به مراتب بیشتر مییابد. در قرآن کریم، خداوند عزوجل بیان میدارد که دوزخ جایی تاریک، کثیف و پلیدی است:

﴿الفرقان: 66﴾ **إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا** ○

ترجمه: و در حقیقت آن بد قرارگاه و جایگاهی است ○

﴿الواقعة: 41-44﴾ **وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ○ فِي سَعْمٍ وَحَمِيمٍ ○ وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ ○ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ○**

ترجمه: و یاران چپ کدامند یاران چپ ○ در [میان] باد گرم و آب داغ ○ و سایه‌ای از دود تار ○ نه خنک و نه خوش ○

﴿الفرقان: 13-14﴾ **وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَبِيحًا مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا ○ لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ○**

ترجمه: و چون آنان را در تنگنایی از آن به زنجیر کشیده بیندازند آنجاست که مرگ [خود] را می‌خواهند ○ امروز يك بار هلاک

[خود] را میخواهید و بسیار هلاک [خود] را بخواهید ○

شخصی که آیات فوق را به یاد داشته باید صریحاً دعا مینماید تا خداوند عزوجل وی را از آتش دوزخ رهایی دهد و همچنان طلب آمرزش گناهانی را که بدان مرتکب شده است از خداوند منان مینماید.

قسمیکه خداوند عزوجل در قرآن کریم بیان نموده است، دوزخ جای پر از تعفن، تنگ، پرسروصدا، تاریک، پر از دود و نم مییابد. آتش سوزانی در آنجا موجود بوده که بداخل بدن انسان نفوذ مینماید. غذا و نوشیدنی منجر کننده ی در آنجا موجود است. پوشاک آن نیز از آتش بوده و درد و رنج آن بصورت مسلسل مییابد. دوزخ جایی است که پوست میسوزد، جایی است که مردم فریاد و چیغ میزنند تا از آن رهایی یابند، جایی است که مردم غرض رهایی از آتش حاضرند بمیرند با وجودیکه مرده اند، اما نمیتوانند یکبار دیگر هم بمیرند. میتوان تصور کرد که آتش جهنم همانند آتشی که در بعضی فلم های که در آن بم اتم و یا انفجارات عظیم را نشان میدهد مییابد اما تاریکی و وحشتی که در این فیلم ها دیده میشود با تاریکی و محیط پریشانی آور جهنم به هیچ وجه مقایسه شده نمیتواند. درحقیقت، جهنم خراب ترین جایی است که مثل آن در این دنیا از خارج از تصور است.

جاهایی که در این دنیا تنگ، کثیف، تاریک و گرم هستند برای روح انسان خیلی ها پریشانی آور مییابد. در جهنم چنین مرض ترس از تنگ و فضای تنگ بیشتر و بدتر مییابد. کسانی که درین دنیا شیوه ی خاصی را برای محافظت از آتش انکشاف نموده اند در جهنم عاجز میمانند. آتش آن گرم تر از گرمترین صحرا بوده، خیلی ها محیط پریشانی آور داشته و پراز وحشت، کثافت و تاریکی مییابد. قسمیکه خداوند عزوجل در قرآنکریم ذکر مینماید، شعله ی آتش در درون کوچکترین حجره ی بدن انسان نفوذ مینماید. خطاکاران از شعله ی سوزان آتش در امان نبوده و هیچگونه محافظت از خود نمیتوانند. علاوه برین، حواس انسان در جهنم نسبت به این دنیا به مراتب قوی تر مییابد. در این دنیا، بعضی از دردها روی هم رفته کمتر شده میروند، زخم ها خوب شده و حتی شدیدترین زخم های انسان به مرور زمان التیام مییابد.

اما در جهنم، انسان از سوزش، درد و رنج آتش رهایی نداشته و به صورت جاودانی در آن میسوزد، به جز اینکه خداوند آنرا پایان بخشد.

در مثال دیگری محلاتی را که بطور غفلت شده کثیف میباشند انعکاس دیگری را میتوان نشان داد. فرضاً یک محل بنا بر غفلت فردی و یا هم یادفراموشی یک انسان کثیف باقی میماند. به هر حال، به محض اینکه یک انسان مؤمن این محل کثیف را میبیند درک مینماید که تا چه اندازه خداوند عزوجل بالای وی مهربانی نموده و در مقابل آن وی چگونه رویه نموده است؛ وی میفهمد که خداوند عزوجل محل بهتری را برای وی اعطا نموده است که در آن زندگی مینماید و اینکه وی در آنجا مهمان است. بنابراین، وی پی میبرد که اینک باید از هر نعمتی که به وی اعطا گردیده حفاظت نموده و همچنان از خداوند منان سپاس گذاری نماید. در غیر آن، وی طوری عمل کرده است که رضایت خداوند عزوجل حاصل نگردیده است. مؤمنی که از این امر آگاه است صریحاً درک مینماید که در چه موقعیتی بد رفتاری نموده و به خداوند عزوجل رجوع مینماید. وی همان پاکسازی لازمه را انجام داده، جبران اشتباهات خویش را داده و محتاط میباید تا خطای گذشته را تکرار ننماید.



## بخش سوم

## ویژگی برتر شخصیت یک مؤمن

## بیداری و هشیاری علیه مکر و فریب شیطان

خداوند عزوجل در قرآن کریم به طور واضح بیان داشته است که شیطان همیشه کوشا است تا مردم را از صراط المستقیم منحرف ساخته، آنها را از حکمت قرآن کریم دور نگه داشته و بلاخره از عقیده به خداوند باز دارد. این کار شیطان منحصر به یک لحظه نیست بلکه بیست و چهار ساعت درین تلاش است. بدون توجه به پولداری یا فقر، جوانی یا پیری، زیبایی یا بد رنگی انسان؛ شیطان در صدد گمراه نمودن تمام انسانهای روی زمین میباشد. در حقیقت، شیطان دشمن همگانی است.

ناخشنودی شیطان با بمیان آمدن اولین انسان هویدا گردید. بعد از اینکه حضرت آدم ع آفریده شد، خداوند برای شیطان امر فرمود تا آدم ع را سجده نماید ولی شیطان با تکبر، غرور، رشک و حسادتی که داشت از امر خداوند سرپیچی نمود و سجده ننمود. به اساس سرکشی و تکبر خویش وی از دربار خدای متعال رانده شد. خداوند در قرآن کریم چنین میفرماید:

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ○ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ○ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ○ ﴿الأعراف: 11-13﴾

ترجمه: و در حقیقت شما را خلق کردیم سپس به صورتگری شما پرداختیم آنگاه به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس [همه]

سجده کردند جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود ○ فرمود چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از اینکه

سجده کنی گفت من از او بهترم مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی ○ فرمود از آن [مقام] فرو شو تو را نرسد که در آن

[جایگاه] تکبر نمایی پس بیرون شو که تو از خوارشدگان ○

شیطان از خداوند پاک تا به روز قیامت طلب مهلت نمود تا انسان را اغوا نماید و از صراط المستقیم بیرون راند.

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُعْتَبُونَ ○ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ○ قَالَ فِيمَا أُغْوِيَنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ○ ثُمَّ لَا تَنبَهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ○ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُومًا مَّدْحُورًا لَّمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿الأعراف: 14-18﴾

ترجمه: گفت مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته خواهند شد مهلت ده ○ فرمود تو از مهلت یافتگان ○ گفت پس به سبب آنکه

مرا به بیراهه افکندی من هم برای [فریفتن] آنان حتما بر سر راه راست تو خواهم نشست ○ آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان

و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت ○ فرمود نکوهیده و رانده از آن

[مقام] بیرون شو که قطعاً هر که از آنان از تو پیروی کند جهنم را از همه شما پر خواهم کرد ○

شیطان تمام بشر را مورد آماج خویش قرار میدهد و در قدم اول انسانهایی را مورد آماج قرار میدهند که سرسختانه به دین و آیین خداوند چنگ زده اند میباشد. هدف اساسی وی اینست تا بیشترین مردم را در آتش با خود بکشاند. شیطان میخواهد مانع کسانی گردد که خداوند عزوجل را بطور مخلصانه و قلباً پرستش مینمایند، کسانی که عقیده ی کامل به موجودیت خداوند دارند و کسانی که از قرآن کریم پیروی مینمایند تا آنها را به آتش جاودان سوق دهد.

کسانیکه مؤمن اند به وضاحت دریافته اند که شیطان دشمن بزرگ ایشان بوده و از تمام چال و فریب های وی نیز باخبر اند. به عباره دیگر، چونکه مؤمنین کوشا میباشند تا از اوامر خداوندی پیروی نمایند شیطان همیشه در کار میباشد تا مانع شود. از تحریک و انگیزش شیطان و همچنان از بوجود آوردن ترس و هراس بی معنی توسط شیطان، مؤمنین باخبر بوده و هیچگاهی نمیگذارند تا برخلاف اصول قرآن پاک عمل نموده، آنرا از یاد ببرند و یا از خداوند عزوجل دور شوند. بطور مثال، یکی از حالات غافل کننده ای را که شیطان در ذهن انسان بوجود می آورد در آیه ذیل خوبتر درک میگردد:

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿البقرة: 268﴾

ترجمه: شیطان شما را از تهیدستی بیم می دهد و شما را به زشتی وامی دارد؛ و (لی) خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد، و خداوند گشایشگر داناست ○

قسمیکه از این آیه اطلاق میگردد، شیطان میکوشد تا ذهن شخصی را که وظیفه اش را از دست داده مغشوش سازد تا آنشخص اینرا از یاد ببرد که خداوند روزی رسان است. همچنان آن شخص را میهراساند که وی دیگر قادر به کسب پول نخواهد بود و ممکن گرسنه بماند. با ترویج اینگونه بیم و هراس در ذهن مؤمنین، وی میخواهد تا مردم را بطرف خویش بکشاند. اینکه یک انسان در چنین موقع از خود چگونه عمل نشان دهند خداوند ج آنرا در قرآن پاک چنین بیان میدارد.

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ○ إِنَّ الدِّينَ اتَّقُوا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿الأعراف: 200-201﴾

ترجمه: و اگر از شیطان وسوسه ای به تو رسد به خدا پناه ب ر زیرا که او شنوای داناست ○ در حقیقت کسانی که [از خدا] پروا دارند چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند ○

هرگاه شخصی میخواهد خویشتن را از مکر و فریب شیطان نجات دهد باید به خداوند عزوجل پناه ببرد. هیچگاهی از یاد نبرد که شیطان تحت کنترل خداوند میباشد و قدرت ندارد تا بدون اراده ی خداوند کدام کاری را انجام دهد. در قرآن کریم، خداوند میفرماید که هنگامی که میخواستید به خداوند از شر شیطان پناه ببرید این آیت را به زبان آرید:

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ○ مَلِكِ النَّاسِ ○ إِلَهِ النَّاسِ ○ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ○ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ○ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ○ ﴿الناس: 1-6﴾

ترجمه: بگو پناه می برم به پروردگار مردم ○ پادشاه مردم ○ معبود مردم ○ از شر وسوسه گر خنای ○ آن کس که در سینه های مردم وسوسه می کند ○ چه از جن و [چه از] انس ○

هرگاه یک شخص دارای صفاتی باشد که در قرآن ذکر گردیده، وی همواره از شر شیطان به خداوند عزوجل پناه میبرد. این شخص همواره کمک میشود تا وسواس شیطان را به آسانی درک نماید. در هر لحظه بیدار و هشیار بوده و به وسواس شیطان توجهی نمینماید. هیچگاهی نمیخواهد تا شیطان سد راه تفکر و یا اعمال وی گردد. طور مثال، هنگامیکه در جریان مصروفیت، یا تنها بودن و یا در هنگام سخن گفتن با اشخاص دیگر کدام مصیبتی بالایی وی واقع میگردد و یا دچار سختی ای میشود، وی صریحاً درک مینماید که شیطان در کمین بوده و وی را وسوسه مینماید تا به طریق نا مطلوب و ناپسندیده حرف بزند و یا عمل نماید. این بخاطریست که شیطان میخواهد تا این شخص کاری نماید که سبب خشنودی

خداوند نگردد. اما در چنین حالت و در هر حالت دیگر گفتار و اعمال انسان مؤمن مطابق با اوامر قرآن میباشد. همینجاست که انسان مؤمن هیچگاهی در دام شیطان گیر نمی افتد. خداوند عزوجل در قرآن کریم چنین میفرماید:

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿١٠٠﴾ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿٩٩﴾ ﴿النحل: 99-100﴾

ترجمه: چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند تسلطی نیست ﴿١٠٠﴾ تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی‌گیرند و بر کسانی که آنها به او [=خدا] شرک می‌ورزند ﴿٩٩﴾

### همدردی، صبر و بخشش

خداوند کریم در آیه ی 36 سوره ی النساء امر میفرماید تا مؤمنان با کسان دور و بر خویش به شیوه بسیار خوب رفتار نمایند.

...وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنْبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ... ﴿النساء: 36﴾

ترجمه: ... و به پدر و مادر احسان کنید و در باره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همشین و در راهمانده و بردگان خود [نیکی کنید] ... ﴿٣٦﴾

مؤمنین هیچگاهی ستیزه گر، مخالف و منفي نبوده و با مردم بصورت نیک و پسندیده عمل مینمایند. چون ایشان سیرت قرآنی داشته شخصیت ایشان طوری است که همواره به مکالمه باز بوده و مصالحه را با دیگران ترجیح میدهند. ایشان از این حقیقت آگاه بوده که قهر، آشفتگی و حس تمایل به جنگ و جدال کسانی که بی دین اند صریحا در مغایرت با سیرت قرآنی مؤمنین میباشد. به همین دلیل، ایشان صبور و بردبار بوده و در هر کار و چیزی متوجه جهت و بُعد مثبت آن میباشدند. خداوند عزوجل این چنین طرز برخورد را در قرآن کریم چنین بیان میدارد:

وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿الشوری: 43﴾

ترجمه: و هر که صبر کند و درگذرد مسلما این [خویشتن داری حاکی] از اراده قوی [در] کارهاست ﴿٤٣﴾

خداوند کریم از مؤمنین میخواهد تا همدردی، صبر و بخشش را پیشه ی خویش قرار دهند؛ قسمیکه در آیه ذیل معلوم میگردد.

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿النور: 22﴾

ترجمه: و سرمایه‌داران و فراخ‌دولتان شما نباید از دادن [مال] به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند و باید عفو کنند و گذشت نمایند مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشايد و خدا آمرزنده مهربان است ○

نظر به این دلیل، انسان مؤمن محتاط می‌باشد تا با مؤمنی که در زندگی روزمره با وی مواجه می‌گردد از صبر و همدردی کار بگیرد. طور مثال، وی با مؤمن دیگری که وی را با صدای بلند از خواب بیدار مینماید از صبر کار می‌گیرد. وی آگاه بوده تا مطابق با اوامر خداوندی عمل نماید و سریعاً به فکر می‌افتد که خداوند عزوجل می‌خواست تا وی ذریعه‌ی چیغ بلند آن مؤمن از خواب بیدار گردد. این یکی از شیوه‌های برخورد در چنین مواقع است. اما، برای شخصیکه از صبر و حوصله کار نمی‌گیرد همین موقع سبب خشم، نزاع و آشفتگی می‌گردد. انسان مؤمن متوجه است تا با مؤمنانی که سبب اذیت ناگهانی به وی می‌گردند بطور مؤدبانه برخورد نماید. بدون توجه به حالت سخت و دشواری که عاید حال وی می‌گردد، وی خونسردی خویش را حفظ نموده، قهر نگردیده و باعث پریشانی دیگران هم نمی‌گردد. وی در آرزوی چنین طرز برخورد از کسان دیگر در موقعی که خود وی دچار کدام اشتباهی می‌گردد نیز می‌باشد. قسمیکه قبلاً ذکر گردید، وی امید دارد تا خداوند با لطف و مرحمت بی‌پایانش از اعمال ناشایسته و گناهان وی درگذرد. انسان مؤمن میداند که خداوند عزوجل خیلی با رحم و بخشنده بوده و از همین لحاظ وی نیز همواره دیگران را مورد بخشش قرار میدهد، در غیر آن وی برخلاف اصول و تدریسات قرآن عمل نموده و مؤمن کامل نمی‌باشد.

شخصیکه سیرت قرآنی دارد دارای خصوصیات خوب اخلاقی می‌باشد. بخاطر چنین رویه‌ی نیکی که وی در جریان روز در خانه، مکتب، دانشگاه و یا محل وظیفه از خود نشان میدهد، وی از بروز تنش و پریشانی جلوگیری مینماید.

از معلوماتی که امام الغزالی در باره‌ی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم از علماً جمع آوری نموده است، در مورد رویه‌ی پیغمبر صلی الله علیه وسلم با کسان دور و برش چنین مینویسد:

"... سلام اول در هنگام ملاقات بادیگران همیشه از جانب محمد ص داده میشد. وی در حالت ایستاده و نشسته به یاد خداوند عزوجل میبود..."

"... وی صلی الله علیه یاران خویش را با القاب افتخار آمیز صدا میزد و کسانیکه صاحب القاب افتخار آمیز نبودند ایشان را ملقب با القاب افتخار آمیز میساخت..."

"... وی در هنگام برخورد و ارتباطات با مردم نهایت مهربان و همدرد میبود..." (امام غزالی، احیاء العلوم الدین، جلد دوم ص. 798)

یقیناً چیزی را که باید مقلد آن باشیم همانا سیرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم می‌باشد. کسانیکه ارزشهای قرآن را پذیرفته و متابعت از سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم مینمایند، به زندگی دنیایی خوبتری که مطابق به خواست و اراده‌ی خداوند عزوجل است و همچنان به حصول نعمات بیشتر در آخرت از جانب خداوند عزوجل امید دارند.

## ثبات و استواری

در هر جامعه ای مردمی وجود دارد که مؤمن نبوده اما به اندازه ای مطابق به ارزشهای که خداوند عزوجل در قرآن کریم فرموده است زندگی مینمایند. در هنگام ضرورت، این مردم بطور سودمند، بارامی، با فداکاری، لطف و عدالت رفتار مینمایند. اما به هر اندازه ی که ایشان مدعی باشند که دارای خصوصیات خوب اخلاقی اند، لحظاتی را نیز میگذرانند که نمیتوانند چنین رویه ی خوب خویش را نگه دارند. طور مثال، یک شخص باید امتحانی را سپری نماید اما ساعت دستی وی شکسته است و به وقت از خواب بیدار نمیگردد. هنگامیکه وی از خواب بیدار میشود به سوی مکتب و یا دانشگاه به شتاب میرود و گرفتار تراکم ترافیکی میگردد. وی میخواهد تا به مکتب و یا دانشگاه تلفون نماید که وی اندکی دیرتر شاید بتواند به امتحان حاضر گردد اما تمام خطوط تلفون مصروف اند. هرگاه کدام دوست وی در این هنگام در کنار وی باشد و کدام سوالی را از وی پرسان نماید، ممکن این شخص به تندی و به لحن خراب به وی جواب داده و یا هم ممکن کدام جوابی برای دوستش نداده و خیره بطرف وی نگاه نماید. با وجودیکه این انسان خویشتن را یک شخص بردبار و صبور فکر مینمود، شرایط مذکور سبب شد تا وی بطور ناخشانید عمل نموده و صبر و حوصله ننماید.

در تمام حالات و پیشامدها، یک انسان مؤمن مصمم است تا مطابق به ارزش های قرآن عمل نماید. وی با کسانی که سخنان ناخشانید و نا صحیح را میزنند صبور و شکیب میباید.

به عنوان مثال، کسی وی را ضربه میزند تا به از وی زود تر به موتر بس سوار گردد. دوست وی چیزهای خش را به او در هنگامی که در خشم است میگوید. از اثر بی توجهی درایور موتر، سر تا قدمش آلوده با خاک و گل میگردد و یا ممکن در چنین حالات دیگری قرار بگیرد. کسیکه از ارزش های قرآنی حمایت میکند فوراً درک مینماید که تمام این چیزها در سرنوشت وی درج بوده و هر گز بطور ناشایسته و با مزاج تند و خوی بد عمل نمی نماید. البته وی از احتیاط لازم کار میگیرد تا چنین عملی دوباره بالایش واقع نگردد و متوجه میباید تا کدام کاری واقع نگردد که سبب خشم و قهر وی گردد. با توجه به ارزش های قرآنی، حتی زمانی چیزی اتفاق می افتد که باعث آسیب شخصی میگردد، شخص مذکور باید صبور و بردبار بوده و جواب رویه ی بد را به رویه ی نیک بدهد. در قرآن کریم، خداوند عزوجل توجه ما را به حقیقتی که مؤمنین با صبر و حوصله ی خویش میتوانند اعمال بد را با مهربانی دفع نمایند سوق میدهد.

وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿34-35﴾  
صَبْرًا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿35﴾

ترجمه: و نیکی با بدی یکسان نیست [بدی را] آنچه خود بهتر است دفع کن آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یکدل می گردد ○ و این [خصلت] را جز کسانی که شکیب بوده اند نمی یابند و آن را جز صاحب بهره ای بزرگ نخواهد یافت ○

خداوند کریم در آیه ی 36 سوره ی النساء میفرماید تا مؤمنان با کسان دور و بر خویش به شیوه بسیار خوب رفتار نمایند.

## سخن خوب و مطلوب

برخی از مردم ترجیح می‌دهند تا یکدیگر را نبخشیده و جواب خطا را بزرگتر از خطای شخصی که خطا نموده است می‌دهند با وجودیکه ضمیر و وجدان ایشان خواستار اینست تا از خطای دیگران در گذر باشند و بطور مؤدبانه به کسیکه ایشان را ضرر رسانده است سخن گویند. کسانی که چنین طرز فکری تاب خورده دارند چنین می‌بندارند که صحبت نمودن با کج خلقی، ناراحت ساختن اشخاص با کلمات توهین آمیز و بی احترامی نشان دهنده ی برتری است.

در واقع، چنین طرز فکری کاملاً در مغایرت با قرآن کریم می‌باشد. در قرآن کریم خداوند عزوجل در باره ی زبان و لحن خوب و همچنان اینکه همواره چگونه بشر از آن منفعت می‌برند چنین می‌فرماید:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ۝ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَصْرُبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۝ ﴿إبراهيم: 24-27﴾

ترجمه: آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است ۝ میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد و خدا مَثَل را برای مردم می‌زند شاید که آنان پند گیرند ۝ و مثل سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد ۝ خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار ثابت میگرداند و ستمگران را بی‌راه می‌گذارد و خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد ۝

قسمیکه از آیه ی فوق استنباط می‌گردد، شخصی که سخنان با کمال را از دهان خویش بیرون آورده و مطابق به آن عمل مینماید، نعمات و خوشی‌های بیشمار را در هر دو دنیا بدست می‌آورد. از سوی دیگر، شخصی که سخنان ناخوشایند را از دهان خویش بیرون آورده و مطابق به آن عمل مینماید، در حقیقت در سرک تاریکی که وی را به آتش جهنم نزدیک می‌سازد در حرکت است.

انسان مؤمن با دیگران در طول روز بطور خوب و عالمانه صحبت مینماید. هر کجایی که باشد، وی در باره ی دین الهی صحبت نموده، مطابق به قرآن کریم مشوره داده، خداوند عزوجل و پیغمبر کریم ص را با کلمات منزه یاد مینماید و همچنان با مردم بطور مؤدبانه صحبت مینماید. به منظور تشویق و ترغیب دوستانش، وی صفات عالی ایشان را که در مطابقت با سیرت قرآنی یک شخص و همچنان در مطابقت با سنت رسول کریم ص است تعریف و تمجید نموده و طوری صحبت مینماید تا دیگران به خوشی و نشاط روز خویش را بسر ببرند. رویه و رفتار مؤمنین را میتوان به مثال **درخت مثمر** که در آیه ی فوق ذکر شده است، تشبیه نمود.

بهرحال، بعضی اشخاص ترجیح می‌دهند تا در باره ی ویژگی‌ها و صفات عالی دیگران صحبت ننموده، نقاط ضعف و خطاهای ایشان را نمایان ساخته تا سبب تحقیر ایشان گردد. قسمیکه تذکر دادیم، در آیه های سوره الابراهیم، خداوند عزوجل توجه ما را به این موضوع مطعوف داشته و چنین طرز سخن گفتن را به درخت فاسدی که غیر مثمر بوده تشبیه مینماید. به همان گونه ی که کلمه ی خشن ارتباطات خوب را تخریب مینماید، اشتیاق و میل جناح دیگر را نیز کمتر ساخته و سبب حسرت و پشیمانی می‌گردد.

از سوی دیگر، هنگامیکه انسان مؤمن در باره نقاط ضعف و خطاهای یک شخص به خود همان شخص مشوره می‌دهد، مواظب می‌باشد تا با وی به خوبی صحبت نموده و کلمات خوب و مطلوب را انتخاب نماید. با چنین کاری، وی از امر خداوند متعال که در قرآن کریم چنین فرموده است، اطاعت مینماید.

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا ﴿الإسراء: 53﴾

ترجمه: و به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند که شیطان میانشان را به هم می‌زند زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است ○

از سوي ديگر، هنگامیکه انسان مؤمن در باره نقاط ضعف و خطاهای یک شخص به خود همان شخص مشوره میدهد، مواظب میباشد تا با وي به خوبی صحبت نموده و کلمات خوب و مطلوب را انتخاب نماید. با چنین کاری، وي از امر خداوند متعال که در قران کریم چنین فرموده است، اطاعت مینماید.

خداوند متعال در این آیه به صراحت فرموده است که شیطان در صدد اینست تا مردم به یکدیگر بطور خوب سخن نگویند تا سبب دشمنی ایشان گردد. هنگامیکه کلمه ي منفي از دهان بیرون می آید، شیطان فوراً گمان بد را در ذهن هر دو جناح کاوش مینماید تا این دو را از یکدیگر جدا بسازد. شخصی که توسط کلمه ي منفي زیان دیده است توسط وسواس شیطان هیجانی گردیده و به همان طور به جناح مخالف پاسخ میدهد. این کار دوستی ایشان را ویران ساخته و حتی از بیخ ریشه کن میسازد. اما سخن خوب و نیک برعکس عمل نموده و مردم را از دام شیطان نجات میدهد. ازینرو، مؤمنین همواره متوجه بوده تا سخنان خوب و نیک را از زبان خوش بیرون آورند تا برای شیطان هیچگونه مجالی باقی نماند. چنین رویه و روش سبب تقویقت بخشیدن پیوند دوستی ایشان میگردد. پیغمبر ص همواره برای مؤمنان خطاب نموده است تا سیرت نیکو داشته و بطور نیک، پسندیده و مثبت صحبت نمایند.

بایکدیگر حسادت مورزید؛ از یک دیگر نفرت نداشته باشید؛ از یکدیگر گریزان مباشید؛ یکدیگر را ضعیف نسازید؛ او بندگان پروردگار! باهم برادر باشید. (مسلم)

احوال پرسی با یک شخص صدقه است. به انصاف عمل کردن صدقه است. سخن خوب صدقه است. (بخاری و مسلم)

در ترازو هیچ چیزی پر وزن تر از اخلاق حسنه نیست. (امام احمد و ابو داؤد)

## با فکری

در جامعه ای که ارزش های قرآنی در آنجا حکم فرما نمیباشد، مردم آن گستاخ، بی ادب، لاقید و بی اعتنا میباشند. اما مؤمنین از اینگونه حالات و رفتار ها آگاه بوده و اجتناب مینمایند. چگونگی شخصیت آنها ملامت نکردنی بوده و ایشان با ادب، حساس، با فکر و با ملاحظه میباشند. اینها همه ویژگی های پیغمبران میباشند. در قرآن کریم ما را خداوند (ع) از طرز فکری دقیق و ماهرانه موسی (ع) چنین باخبر میسازد:

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْكُنُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ○ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ○ ﴿القصص: 23-24﴾

ترجمه: و چون به آب مدین رسید گروهی از مردم را بر آن یافت که [دامهای خود را] آب می دادند و پشت سرشان دو زن را یافت که [گوسفندان خود را] دور می کردند [موسی] گفت منظورتان [از این کار] چیست گفتند [ما به گوسفندان خود] آب نمی دهیم تا شبانان [هگی گوسفندانشان را] برگردانند و پدر ما پیری سالخورده است ○ پس برای آن دو [گوسفندان را] آب داد آنگاه به سوی سایه برگشت و گفت پروردگارا من به هر چیزی که سویم بفرستی سخت نیازمندم ○

موسی (ع) با حساسیت و حس پاسخدهی خویش سریعاً اینرا درک کرد که زنانی را که با آنها ملاقات نمود نیاز شدیدی به کمک دارند و آنها را بدون ضایع نمودن وقت فوراً کمک نمود. این خصوصیت و ویژگی حضرت موسی (ع) در قرآن ستوده شده و مؤمنین این نوع ویژگی را یک مثال خوبی برای زندگی روزمره ی خویش میندازند. هرگاه کسی را دچار کدام مشکلی و یا در حالت پریشانی و اضطراب ببیند، از هر نوع همکاری دریغ مینماید. علاوه برین، به گونه ای برخورد مینماید تا سبب خوشی شخص پریشان گردد و همچنان در صدد ساختن محیط خوش و زیبا برای آنها میباشند تا سبب خشنودی شخص تنگدست گردد.

اینکه باید طوری عمل نمود تا سبب ناراحتی مردم نگردد در حقیقت از بافکری یک انسان است. شخصی که در خانه ی خویش اشیا و محل خویش را پاک و منظم نگه میدارد، از سخن زدن به شیوه ی بلند و یا از گوش دادن به موسیقی به آواز بلند جلوگیری مینماید تا سبب آزار کسان دیگر نگردد، و یا مشاهده مینماید که شخصی را که باوی میخواهد هم کلام شود آیا بیکار است و یا مصروف کدام کاری است و همچنان کسی را که در حالت عجله مصروف کدام کاری است از کار نمی اندازد، مثال خوبی از بافکری میباشند که در جریان روز ما شاهد آن میباشیم.

علامه ی دیگر بافکری در اینجاست که انسان مؤمن ترتیب تقدم و پیشی گرفتن را نیز درک مینماید. در یک مکالمه ای که در آن دو شخص در باره ی چیزهای صحبت مینمایند که هر دو ی ایشان در رابطه معلومات دارند و یکی آنها دیگر خویش را میگذارد تا سخن بگوید و دیگر آن صبر مینماید تا این شخص آخرین لقمه نان خویش را بخورد، یک مثال خوبی از بافکری محسوب میشود. علاوه برین، رها نمودن چوکی موتر برای کسی که بدان نیاز دارد و اجازه دادن شخص دیگر در جریان خریداری بعد از اینکه خریداری خویش ختم میگردد راه های اند که مردم را با یکدیگر متصل میسازد و ارتباطات خوبی را بنا مینماید. مردمی که از خواست و اراده مردم دیگر باخبر بوده و با فکر میباشند سبب ساختن ارتباطات خوبی ذریعه ی دوستی و احترام میگردند. علاوه برین، ایشان از زندگی با مردمی که در همسایگی ایشان قرار دارند لذت برده و از دیدن دوباره ی آنها خرسند میباشند.

از سوی دیگر، در محیطی که افراد آن به منظور فایده و منفعت خویشتن کاری را برای دیگران انجام میدهند، دوستی حقیقی وجود نمیداشته باشد. خود نمایی در هنگام مکالمه و رویه ی مصنوعی سبب میشود تا دوستی حقیقی هیچگاهی شکل نگیرد. سخن خالی و بسا اوقات سخنان طعنه آمیز سبب ایجاد



---

فضای سرد میشود. در حقیقت در جاهایی که در آن یادی از خداوند (ع) نباشد هیچ شخصی نمیخواهد تا در آنجا باشد.

## مهمان نوازی

در قرآن کریم فرموده شده است که حضرت ابراهیم (ع) مواظبت خوبی از مهمانان خویش نموده است. با خواندن این آیات به صراحت دیده میشود که چگونه مهمان نوازی ای صورت بگیرد تا سبب خشنودی خداوند(ج) گردد.

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ○ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ○ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ○ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ○ ﴿الذاريات: 24-27﴾

ترجمه: آیا خبر مهمانان ابراهیم به تو رسید ○ چون بر او درآمدند پس سلام گفتند گفت سلام مردمی ناشناسید ○ پس آهسته به سوی زنش رفت و گوساله‌ای فربه [و بریان] آورد ○ آن را به نزدیکشان برد [و] گفت مگر نمی‌خورید ○

مؤمنانی که طرز مهمان نوازی ابراهیم (ع) را سرمشق قرار داده، از مهمانان خویش به خوشی و اشتیاق بیشتر پذیرایی نموده، ایشان را با خوش آمدید گرم ملاقات نموده و با نشان دادن دوستی و احترام زیاد ایشان را راحت میسازد. بعد از آن به فکر این می افتد که مهمانان به چه نیاز دارند و بدون خواست و پرسن ایشان هرگونه چیزی را مهیا میسازد. علاوه‌ا، تمام چیزها را بدون اندک تأخیر و یا دو دل بودن عرضه میدارد. این بخاطری رسم و رواج مسلمانان است که محمد (ص) فرموده است که برای مهمانان باید بهترین غذایی که در خانه است تقدیم گردد.

بهرحال، بعضی از افراد حتی دروازه‌ی خویش را برای مهمانان باز نمی‌نمایند، حتی اگر با ایشان آشنایی قبلی هم داشته باشند. اینکه از مهمان پذیرایی خوب نمایند برخلاف میل و اراده‌ی ایشان میباشد. مهمانان را خارج از رسم و رواج و مسئولیت اجتماعی میپذیرند. رفتار آنها با وضعیت و حالت مهمان در تغیر میباشد. هرگاه مهمان ایشان شخص غریب باشد رفتار ایشان خوب نبوده و غذای خوبتری را تقدیم مهمان نمی‌نمایند. در صورتیکه مهمان ایشان پولدار و دارای نفوذ و قدرت باشد، ایشان تمام زحمات خویش را به خرج میدهند تا بهترین غذا را در بهترین مکانی برای آنگونه مهمان عرضه دارند.

اینکه شخص میزبان از مهمان خویش به گونه سرد پذیرایی نموده و احساسات مهمان را نادیده گرفته در حقیقت فضای ناراحتی و پریشان خیالی را در فکر مهمان ایجاد مینماید. این طرز برخورد فضا را طوری میسازد تا هر دو جناح زود تر بپایان برسانند. مهمان از آمدن متأثر شده و میزبان بخاطر تهیه نان و تلف وقت خویش متأسف میباشد.

در خاتمه باید گفته شود که مکالمه خوب، مهمان نوازی، اتفاق و همکاری زمانی میان مردم رشد نموده میتواند که مردم مطابق به قرآن، سنت رسول مقبول (ص) و همچنان مطابق رویه و رفتار مسلمانان نیکوکار عمل نمایند.

## سلامتی و احترام متقابل

تقدیم نمودن تمنیات قلبی به یکدیگر در طول روز در هنگام ملاقات یکی از ویژگی های دیگر مؤمنین بشمار میرود. با این عمل خویش، ایشان در حقیقت فرمان برداری از سخن خداوند(ع) مینمایند. در قرآن کریم خداوند (ع) مؤمنین را هنگامیکه داخل خانه ها میشوند امر به سلام دادن مینماید:

... فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦١﴾ «النور: 61»

ترجمه: ... پس چون به خانه های [که گفته شد] درآمدید به یکدیگر سلام کنید درودی که نزد خدا مبارك و خوش است خداوند

آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می کند امید که بیندیشید ○

هنگامیکه انسان مؤمن از خانه خویش بیرون میاید، برای همسایه های خویش روز خوش را تمنا نموده و خواهان فضل و مرحمت خداوند(ع) برای ایشان میگردد. به همین ترتیب برای کسانی که در کوچه، سرک و بازار و یا در مکتب، دانشگاه، محل کار و جاهای دیگر آنها را ملاقات مینماید نیز سلامتی و درود خویش را عرضه میدارد. زمانیکه با کسی ملاقی میگردد بدون توجه به شخصیت همان فرد، انسان مؤمن تمنیات آن شخص را پذیرفته و در بدل آن درود و تمنیات خوبتری را عرضه میدارد. این یکی از خصوصیات برجسته ای بوده که ذریعه قرآن و سنت نبی کریم (ص) در روابط اجتماعی آورده شده است. با عرضه نمودن درود و سلام، آن فضایی سرد و کشیده میان افرادی که با یکدیگر آشنایی ندارند از میان میرود. حتی اگر یکدیگر را نشناسند، باهم نزدیک گردیده و فضایی گرمی میان ایشان ایجاد میگردد.

در جوامع عادی، درود و سلام دادن یک پدیده ی عادی نمیشد. بعضی از مردم فقط کسانی را درود و سلام میدهند که از آنها منفعت میبرند و یا در امید منفعت بردن از ایشان اند. حتی بسا اوقات سلام اشخاصی را که از ایشان از نگاه درجه کهنتر میباشند هیچ نمیپذیرند و یا فکر میکنند که نشنیده اند تا سبب تحقیر ایشان گردد. متأسفانه در میان گروه های بیشماري اینگونه رویه خیلی نورمال پنداشته میشود.

## اجتناب از نزاع و آشفتگی

اختلافات سبب نزاع، جنگ و جدال گردیده و میان مردم آشفتگی را بیار می‌آورد. در صورت بروز کوچکترین اختلاف نظر میان دو دوست، تمام حواس مثبت ایشان به قهر و خشم مبدل می‌گردد. در آیه ی از سوره الکهف خداوند (ع) توجه ما را به این نکته ی منفی جلب داشته و می‌فرماید که انسانها، بالاتر از همه، جدلی اند:

...وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾ ﴿الکهف: 54﴾

## ترجمه:

به همین دلیل، به هر قیمتی که تمام گردد مؤمنین باید از اختلافات جلوگیری نمایند. این اختلافات موجب ضعف و از بین بردن روحیه اتفاق، سازگاری، و برادری می‌گردد. خداوند(ع) واضحاً در قرآن از چنین عمل ما را باز میدارد:

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ... ﴿٤٦﴾ ﴿الأنفال: 46﴾

ترجمه: و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با

شکیبایان است ○

نزاع قوت مؤمنین را از میان برداشته، هیچگونه راه حل را در ارتباط به مشکل عرضه نداشته، کدام منفعتی نداشته و به اساس تحریک و اغوای شیطان بروز مینماید. باوجودیکه خرد و علم انسان جنگ و جدل، نزاع و آشفتگی و آشوب را غیرقابل قبول و زشت میداند، با آنهم انسان ذریعه ی نفس خویش به سویی منازعه و کشمکش در حرکت مییابد. به همین دلیل، شخصیکه قرآن را راهنما قرار داده و مطابق به آن عمل مینماید هیچگاهی اجازه نمیدهد تا تمایل به جدال بگیرد. ولو آنکه کدام اختلافی به سبب غفلت و بی توجهی وی بوجود بیاید، وی خویش را از دست نداده، امر خداوند(ع) را همیشه بیاد داشته و میداند که عملی را که انجام داده است مورد پسند خداوند(ع) نمیباشد؛ اینجاست که وی این عادت خویش را ترک مینماید.

انسان مؤمن در طول روز با مردم متعددی ملاقی شده و سعی بر دوری از اختلافات مینماید. طور مثال، در وقت خریداری این شخص با صاحب دوکان از منازعه و گفتگوی خشن جلوگیری مینماید، یا به همراه درایور بس بخاطر ناوقت آمدن مشاخره نمینماید و یا در هنگام ایستادن در صف های انتظار با مردم و کارمندان همان جا منازعه نمینماید. در صورتیکه با وی رفتار خوب نگردد، خشن نگردیده و گفتگو را از طریق برخورد با شخص دیگر به گونه ی مثبت و هوشمندانه حل مینماید. خداوند(ع) در قرآن کریم می‌فرماید که مؤمن باید از خشم پرهیز نماید.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالذَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ○ ﴿آل عمران: 134﴾

ترجمه: همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نکوکاران را

دوست دارد ○

در این رابطه پیغمبر (ص) نیز اشاره فرموده است. هنگامیکه شخصی از وی طالب مشوره شد، وی (ص) در جواب به آن شخص خطاب کرد که "از خشم پرهیز کن" (چهل حدیث، امام النوای).

شخصی که سیرت قرآنی دارد فکر خویش را مطابق به رویه ی شخصی که ملاقی آن میشود تغییر نمیدهند. ممکن شخصی بالای وی گاهی تمسخر نموده، گفتار بدی را به وی گوید، بالای وی خشم بگیرد و یا وی را مورد ستیزه قرار دهد، مگر انسان مؤمن ادب، شکسته نفسی، لطف و ملایمت خویش را تغییر نمیدهد. هرگاه کسی وی را توهین و نکوهش مینماید وی بلافاصله وی را توهین نمینماید یا تمسخر را با تمسخر و خشم را با خشم جواب نمیدهد. در صورتیکه کسی بالای وی قهر باشد، وی آرام بوده و نفس خویش را تحت کنترل نگه میدارد. وی مطابق به فرموده های پیغمبر (ص) عمل مینماید که در چهل حدیث النواوی ذکر گردیده است:

**در هر کجا که هستید از خداوند ترس داشته باشید، جواب عمل بد را با عمل نیک بدهید زیرا آنرا پاک میسازد و همراهی مردم به شایستگی عمل نمایید. (چهل حدیث امام النواوی)**

انسان مؤمن آگاه است که هر فرصت و چیزی که برای وی مهیا میگردد بخاطر امتحان وی میباشد. بدین ملحوظ، به عوض مشاجره و منازعه با دیگران، وی از سخنان خوب کار گرفته و غرض غیله بر خشمی که متوجه وی است ثبات و استوار میباشد. وی میداند که این عمل وی باعث خوشی و خشنودی خداوند (ج) میگردد.

## اجتناب از حرص و خودپرستی

حرص و خودپرستی در سرشت بشر یکی از کیفیت های خیلی منفی میباشد. خداوند کریم در قرآن پاک ما را از آن منع میدارد:

... وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿النساء: 128﴾

**ترجمه:** و [لی] بخل [و بی گذشت بودن] در نفوس حضور [و غلبه] دارد و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه نمایید قطعاً خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است ○

هرگاه مردم دیگر صاحب چیزهای بیشماري بوده و یا اندکی از نگاه مادیات و یا معنویات بلند باشند مورد حسد و رشک انسانهای حریص و خود پرست قرار میگیرند. ایشان از دیدن یک انسان مقبول و جذاب به حسادت رو میبرند. بعضی مردم از سرمایه، کامیابی، علمیت، تربیت، پشت کار و دارایی های بیشمار مردم دیگر همیشه در حسادت بسر میبرند. پرستیژ، نام و نشان و مقام سبب حسادت ایشان بوده میتواند. بهرحال، یکی از نکات مهمی را که خداوند(ع) در قرآن بیان داشته است ایشان از یاد میبرند:

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ... ○ ﴿النساء: 54﴾

**ترجمه:** بلکه به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند ... ○

پروردگار ما مالک تمام چیزها بوده و اینکه به کی چه اندازه نعمات خود را اعطا مینماید نیز تحت اراده ی وی میباشد. انسان در این حصه خیلی ناتوان بوده زیرا مالک مطلق زیبایی، مال و متاع، ثروت و برتری فقط خداوند متعال میباشد. از این امر انسان مؤمن آگاه میباشد. در جریان روز با چیزهایی که مالک آن نیست برخورد میکند و یی را حسود نمیسازد بلکه برای وی خشانید میباشد. با دیدن انسان پولدار و یا جذابتر از خویشان وی به فکر خداوند(ع) می افتد چونکه مالک تمام زیبایی ها و دارایی هاست. وی به این نکته توجه مینماید که همان شخص را خداوند(ع) انتخاب نموده و به هر اندازه ای که بخواهد برایش از نعمات خود می افزاید. در حقیقت انتخاب و تصمیم از جانب خداوند پاک میباشد. وی از این حقیقت آگاه است که تمام چیزها و نعماتی که برای انسانها داده میشود به بهترین وجه و پرمفعت خلق شده اند. و نیز اینکه تمام نعمات به سبب امتحان و آزمایش اعطاً میگردد. یعنی زندگی واقعی در دنیای دیگر است. وی میداند که رفتار و رویه ی دنیوی وی نزد خداوند پاک میزان میگردد.

هنگامیکه وی دارایی های خویش را بادیدگران شریک میسازد و یا اشیایی را که خود مالک آن است برای دیدگران میدهد از حرص و آز جلوگیری مینماید. طور مثال، وی در حصص دادن اشیایی مورد علاقه ی خویش به قسم تهنه و یا بگونه ای که شخص دیگر از آن استفاده کرده بتواند، هیچگونه مشکلی را سر راه خویش نمیبیند. خداوند عزوجل در قرآن پاک چنین طرز برخورد را برای مؤمنین توصیه مینماید:

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ○ ﴿آل عمران: 92﴾

**ترجمه:** هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست ○

انسان مؤمن با توجه به اینکه نعمات دنیوی زود گذر بوده و برای امتحان خلق شده اند و بیاد میداشته باشد که حرص و آز، حسادت و خود پرستی شایسته وی نمیباشد.

## اجتناب از گمان بد و بدگویی

در جوامع فاسد و گمراه، بعضی مردم صاحب عاداتی اند که جز لایفک زندگی ایشان گردیده است. گمان بد در باره ی دیگران، کاوش سایر موضوعات بیمورد، سعی و تلاش در باره ی موضوعات شخصی دیگران که مربوط ایشان نمیگردد و تهمت نمودن از جمله ی عادات عمده ی این اشخاص میباشد. ایشان همیشه غیبت و بدگویی نموده و در غیاب و عقب افراد دیگر صحبت بد مینمایند. دلیل اصلی ای که بالای کسی تهمتی را مینندند اینست که ایشان از قبل در باره ی همان شخص فکر نامناسب و بیجا داشته اند. به همین دلیل شخصی که به کار دیگران با کنجاوی نگاه مینمایند در حقیقت بد گمان است.

برای اینگونه رویه ی ناخوشایند در اصول و تدریسات قرآنکریم هیچ جایی نیست. خداوند عزوجل در قرآن بما خطاب میدارد تا از آن اجتناب نماییم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿المحجرات: 12﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد از آن کراهت دارید [پس] از خدا بترسید که خدا توبه‌پذیر مهربان است ○

انسان مؤمن همیشه مواظب میباشد تا آیه های قرآن را در ذهن خویش داشته باشد تا برخلاف رضای خداوند(ج) عمل ننماید. وی هیچگاهی در باره ی شخص دیگر معلومات را با سوء نیت جمع آوری نمینماید. وی از گفتن سخن نامناسب، سخنی که بدان متیقن نیست جلوگیری مینماید و از ضرر رساندن به احساسات دیگران نیز در حذر میباشد. در باره ی کسیکه وی معلومات کافی ندارد هیچگاهی ظن و گمان ننموده و رشک حسد نیز نمیبرد. گمان و اندیشه ی وی در باره ی کسیکه با وی آشنایی ندارد، مثبت میباشد. وی سعی مینماید تا در باره ی نکات و جهات خوب و جذاب همان شخص سخن گوید. بنابراین، با توجه به عکس العمل مؤمنین در رابطه به تهمت به زنان و یا همچنان سایر موضوعات دیگر، خداوند (ج) در قرآن میفرماید تا یک انسان مؤمن در صورتیکه از حقیقت موضوعی که در خصوص دیگران است متیقن نباشد، باید فکر مثبت داشته باشد:

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ ﴿النور: 12﴾

ترجمه: چرا هنگامی که آن [بختان] را شنیدید مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند این بختانی آشکار است ○ طرز فکری مؤمنین در باره ی فامیل، دوستان، و کسان دور و بر و در هنگام سخن گفتن در رابطه با موضوعاتی که مربوط به ایشان میگردد مثبت میباشد و امید برین دارد تا ایشان نیز بدینگونه عمل نمایند. اما چون انسانها همیشه مورد آزمایش قرار دارند، فراموشکار خلق شده اند و ایشان مرتکب خطاهای گوناگونی میگردند. با آگاهی از خطای خویش، فوراً به خداوند لایزال رجوع نموده و طلب مغفرت مینمایند.

## اجتناب از سخن طعنه آمیز

طرز برخورد کسانی که از قرآن کریم دور اند کاملاً بگونه ی استهزا آمیز میباشد. مردم جاهل و نادان کمبودی ها، خطاها، وضع غیر عادی فیزیکی، لباس پوشیدن، نداشتن مال و متاع، بی توجهی، طرز برخورد، طرز سخن گفتن، و بطور خلاصه تمام چیزهای یکدیگر را به مسخره گویی گرفته و مردم را مورد استهزاء قرار میدهند. بخاطر ریشخند ساختن افراد، ایشان بعضی کلمات را بزبان آورده و حتی بعضی حرکاتی را با دستها و دهان خویش انجام میدهند. نزد اینگونه افراد، این نکته حایز اهمیت نیست که به سبب استهزاء ایشان به احساسات مردم ضرر میرسد و یا ذریعه ی آن مردم پریشان و عصبانی میگردند. نکته حایز اهمیت اینجاست که ایشان میخواهند تا سبب پستی و حقارت دیگران شوند تا باشد که فخر، غرور، تکبر و سربلندی خویش را جلوه دهند.

خداوند(ج) در قرآن کریم به صراحت مردم را از مورد استهزاء قرار دادن یکدیگر منع نموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّغَابِ بِسْمِ الْأِسْمِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾ ﴿الحجرات: 11﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردهاید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند ﴿

در آیه ی دیگر قرآن کریم خداوند(ج) به مردمی که به این گونه زشتی عمل مینمایند هشدار داده است:

وَيْلٌ لَّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾ ﴿الهمزة: 1﴾

ترجمه: وای بر هر بدگوی عیبجوی ﴿

هیچ نوعی از استهزاء میان مؤمنان قابل قبول نمیشود. ایشان از این حقیقت آگاه بوده که ثروت، زیبایی، خرد، قوه فکری و کیفیت های دیگر زندگی را برای انسان فقط خداوند(ج) اعطا مینماید. با دیدن کیفیت های خوب در وجود و زندگی دیگران ایشان نهایت خرسند میشوند چونکه ایشان میخواهند تا رضای خداوند(ج) را حاصل نمایند. نشانه ای از خصوصیات مردم بخیل و نادان در ایشان دیده نمیشود و در چنین حالات نفس خویش را تحت کنترل خویش میداشته باشند. بدین ملحوظ، مؤمنان همیشه صبور، فروتن و مثبت اندیش میشوند.

در حین زمان، مؤمنان آگاه بوده که عیب و نقصی را که در وجود و یا زندگی یکدیگر مبینند امتحانی است از جانب خداوند عزوجل. بنابراین، آنقدر توجه خاصی را معطوف این موضوعات نمینمایند. ایشان از انجام دادن کوچکترین عمل، اشاره با دست و روی و یا گفتن کلمه ی که سبب استهزاء دیگران گردد اجتناب مینمایند.



## فدا کاری و از خود گذشتگی

کسانیکه به این باورند که زندگانی تنها محدود به زندگی دنیایی است هیچگاهی از خود فداکاری نشان نمیدهند جز اینکه در آن سودی را دریابند. ایشان هیچگونه اقداماتی را برای کمک رسانی به مردم نیازمند اتخاذ نمی نمایند. این بخاطر نیست که ایشان از این حقیقت بیخبرند که ایشان در بدل کارهای شایسته و کارهای بد پاداش و سرزنش عظیمی را در آخرت نصیب میشوند. در بعضی از سوره های قرآن کریم خداوند (ج) توجه ما را به طرز فکری فاسد اینگونه مردم معطوف میدارد:

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ○ ﴿المعارج: 19﴾

ترجمه: به راستی که انسان سخت آزمند [و بی تاب] خلق شده است ○

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى ○ وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى ○ ﴿النجم: 33-34﴾

ترجمه: پس آیا آن کسی را که [از جهاد] روی برتافت دیدی ○ و اندکی بخشید و [از باقی] امتناع ورزید ○

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ○ ﴿النساء: 37﴾

ترجمه: همان کسانی که بخل می ورزند و مردم را به بخل وامی دارند و آنچه را خداوند از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پوشیده

می دارند و برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده ایم ○

یک شخص باید خویش را از خود پرستی و فرومایگی نیز رهایی دهد. در این رابطه، پروردگار ما چنین بیان میدارد:

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لَأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ○ ﴿التغابن: 16﴾

ترجمه: پس تا می توانید از خدا پروا بردارید و بشنوید و فرمان ببرید و مالی برای خودتان [در راه خدا] انفاق کنید و کسانی که از

خست نفس خویش مصون مانند آنان رستگارند ○

نظر به این آیه ی مبارک، مؤمنی که سیرت قرآنی دارد از حرص، جاه طلبی و خود پرستی جلوگیری نموده و سعی برین میدارد تا چیزهایی را که خود مالک آن است با دیگران نیز شریک سازد. طور مثال، وی در صورت شریک ساختن غذای خویش با کسی که خیلی گرسنه است لذت میبرد. وی قسمتی از ملکیت، متصرفات و یا هم اندکی از ثروت ارزشمند خویش را فدای کسی میکند که نهایت بدان محتاج است. وی چیزهای اضافی را که بدان ضرورت ندارد برای مردم بی بضاعت معاونت مینماید.

...يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ... ○ ﴿البقرة: 219﴾

ترجمه: ...از تو می پرسند چه چیزی انفاق کنند بگو مازاد [بر نیازمندی خود] را ... ○

این شخص میدانند که در روز آخرت پاداش عظیمی را نصیب میگردد. در قسمت دیگر قرآن کریم، خداوند (ج) سلوک ستوده ی اصحاب پیغمبر (ص) را چنین بیان میدارد:

وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ○ ﴿الحشر: 9﴾

ترجمه: و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده‌اند هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند و هر کس از خست نفس خود مصون ماند ایشانند که رستگارانند ○

از اینکه ذریعه‌ی فداکاری ایشان مردم دیگر خوش و خشنال می‌گردند نهایت خرسند می‌باشند. ایشان از اثر شناخت خداوند(ج) و داشتن باطن پاک با سلامتی روحی زندگی مینمایند. حتی هنگامیکه خود ایشان محتاج باشند از این امر دست نمی‌بردارند. ایشان هیچگاهی عمل فداکاری خویشتن را خاطر نشان نساخته تا سبب قدردانی و یا برگزیدن آنها میان افراد دیگر گردد. انسان مؤمن اینرا نمی‌پذیرد که دیگران مرهون و گرویده‌ی احسان و کمک‌وی باشند.

### قضاوت منصفانه

مؤمنین ذریعه دیدن و شنیدن نا انصافی و بی عدالتی و یا هم ذریعه کسب معلومات غیر مسقیم در رابطه به یک موضوع تحت تأثیر قرار میگیرند. در حقیقت، اصول و تدریسات قرآن کریم آنها را هدایت داده تا برخلاف بی عدالتی و بیرحمی عمل نموده، از حقوق کسانی که آنها در بین مردم سهوه بد پنداشته میشوند دفاع نموده و پا میان گذارند. در قرآن کریم خداوند عزوجل مؤمنان را از عدالت و قضاوت منصفانه چنین با خبر میسازد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُوا أَوْ نَعَرْتُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿النساء: 135﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است ○

مؤمنین سعی و تلاش بیشتری را بخرج میدهند تا از بی عدالتی جلوگیری نمایند. کسانی که در مخالفت با این راه عمل نمایند، نمیتوانند مؤمنین را سهل انگار بسازند. مؤمنین اینرا خوب میدانند که در روز آخرت در رابطه به اینکه عدالت را چگونه مراعات نمودند و کدام کاری را انجام دادند که سبب محو بی عدالتی گردید. ایشان از مسئولیت خویش در گریز نبوده قسمیکه مردم دیگر از دیدن، شنیدن و یا ملاحظه کردن بی عدالتی در گریز بوده و از آن چشم پوشی مینمایند. هرگاه مؤمنین در این خصوص بی اعتنا باشند، نه تنها به خود زیان مینمایند بلکه کسانی را که در معرض بی عدالتی قرار دارند نیز در جمله بازندگان شامل میسازند. در صورتیکه مؤمنین روی این موضوع توجه خاصی نماید از یک طرف خویشتن و از طرف دیگر مردم مظلوم و متضرر را از مزایای حیات بعد از موت مستفید ساخته و در جمله کامیابان شامل میسازند. این یک دلیل خیلی مهمی است که ایشان هیچگاه سیل بین بی عدالتی نمیباشند. در صورت موجودیت بی عدالتی ایشان به مصروفیت های خویش توجه نکرده و یا اینکه گمان نمایند که چیزی را مشاهده ننموده اند، بلکه با آن برخورد مینمایند.

حتی اگر اصول قرآن کریم در تضاد با منفعت انفرادی یک شخص باشد که قبول نمودن آن یک امر دشوار است، عدالت باید بدون فرق گذاشتن میان مادر، پدر، آشنایان، بیگانگان، پولدار و یا غریب رعایت گردد. بدین لحاظ، انسان مؤمن هیچگاهی در جریان روز بی عدالتی ننموده و چشمان خویش را هیچگاهی از بی عدالتی نمیبندد بلکه در صدد جستجوی بی عدالتی بوده و بر علیه آن مبارزه مینماید. او تلاش می کند به دادن همه آنچه که هر شخص شایسته آن باشد.

طورمثال، در هنگام گذشتن از کنار مردم و ایستادن در ایستگاه بس و موتر، وی سعی میکند تا بی اعتنایی و بی احترامی ننموده و مثل دیگران چشمان خویش را بسته نگه نمیدارد. وی با اخلاق و سلوک نیک و بدون تنش عمل مینماید. در یک مسابقه و یا کدام رقابت دیگر، وی متوجه میباید تا به ستایش کسانی بپردازد که سزاوار ستایش برای دریافت جایزه اند. وی تنها از دوستان خویش طرفداری و یا ستایش نمینماید بلکه دیگران را با دوستان خویش به یک نگاه میبیند. هرگاه دوست صمیمی وی مرتکب کدام اشتباهی میگردد وی فوراً آنها برای دوست خویش خاطر نشان مینماید خصوصاً هنگامیکه خطای دوست وی برای کسان دیگر ضربه وارد نموده باشد. وی در جبران عملی که دوستش انجام داده است از هیچگونه همکاری دریغ نمینماید.

### دیانت و راستکاری

بعضی مردم بخاطریکه توانسته باشند خطای خویش را محفوظ نگهداشته، فایده ای بدست آورده، خویش را از حالات دشوار به خوبی نجات داده و یا ذریعه مردم کاری را که خواسته باشند انجام دهند، دروغگویی نموده و مردم را فریب میدهند. با وجودیکه میدانند که گفته ی ایشان صحت نداشته و ممکن است مردم در هر لحظه ای بدان پی برند، آنها باز هم به این حرکت ناخوش آیند متوسل میگردند. ایشان در حقیقت از یاد میبرند که در روز رستاخیز از تمام کرده هایی که انجام داده و سخنانی را که گفته اند حساب میدهند.

اما مؤمنین، دیانت و راستکاری خویش را در معرض سوء ظن قرار نمیدهند. ایشان از اینکه مکلف اند تا همیشه راستکار باشند باخبر اند؛ قسمیکه خداوند (ج) در قرانکریم بیان داشته است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿الأحزاب: 70﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوید ○

مؤمنین از امر فوق اطاعت باریکبینانه ای مینمایند. طور مثال، قسمیکه در موضوع قبلی یاد آور شدیم، مؤمنین غرض محفوظ نگهداشتن خطاهای ایشان هیچگاهی به دروغ متوسل نمیگردند. هرگاهی که مرتکب کدام اشتباهی میشوند معذرت خواهی نموده و امید به اصلاح آن دارند. ایشان دروغ نمیگویند تا ذریعه آن احترام کسب نموده و یا هم مورد پسند مردم قرار بگیرند. آنها دروغگویی را هیچگاهی راه حل نمیپندارند.

بنابراین، شخصی که روزانه مطابق به اصول قرآن کریم زندگی مینماید هیچگونه تشویشی از بابت دروغگویی ندارد؛ چونکه دروغ نمیگوید از فاش شدن دروغ نیز به تشویش نمیباشد. در زندگی مطمئن و خاطر جمع بوده و یک زندگی خوب و صلح بخشی را دارا میباشد زیرا از دیانت و راستکاری کناره گیری ننموده است. هر شخصی که چنین سلوک رستودنی را در این دنیا اتخاذ نمایند در آخرت صاحب پاداش عظیمی میگردد. خداوند عزوجل در قرآن پاک برای نیکوکاران چنین وعده داده است:

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿المائدة: 119﴾

ترجمه: خدا فرمود این روزی است که راستگویان را راستی‌شان سود بخشد برای آنان باغهایی است که از زیر [درختان] آن نهرها

روان است همیشه در آن جاودانند خدا از آنان خشنود است و آنان [نیز] از او خشنودند این است رستگاری بزرگ ○

### خاتمه و نتیجه گیری

در تمام حصص این کتاب ما شاهد بودیم که مؤمنین اینرا قاعده و اصل زندگی خویش قرار میدهند تا بیست و چهار ساعتی را که سپری مینمایند مطابق به همان ارزش هایی باشد که خداوند عزوجل در قرآن پاک بیان داشته است. با وجود برخورد با ناملایمات و وضعیت های نامناسب، هیچگاهی خود را از دست نداده و برای نشان دادن رویه ی خوش و نیک همیشه کوشا میباشند. اعتبار و پابندی ایشان به ارزش های قرآنی هیچگاهی در تغییر نبوده و همیشه تابع فرمان و حکم خداوند عزوجل میباشند. ایشان از پیغمبر (ص)، کسیکه در قرآن چنین تحسین و تمجید گریده است پیروی مینمایند:

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿القلم: 4﴾

ترجمه: و راستی که تو را خوبی والا است ○

برای نجات کلی از آتش جاودان دوزخ، فقط یک راه وجود دارد و آنهم زندگی کردن مطابق قرآن پاک و سنت رسول مقبول (ص) است. این بخاطریست که خداوند عزوجل به وسیله همین دو، کلام و پیام خویش را برای بشر رسانیده است. در حقیقت، این راه مردم را از جهل و تاریکی ای که در آن غوطه ور اند، طرز تفکر ابتدایی و پوچ، محیط های پر از پریشانی، سیرت ها و صفات منفی، ترس و وحشت بی اساس، اعتقادات فاسد و گمراه کننده نجات داده و بلاخره از عذاب آتش جهنم که تمام چیز هایی که ذکر شد موجب این عذاب اند، نیز در امان نگه میدارد. در عوض این چیزها، مردم صاحب خرد و حکمت، عزت بلند، یک محیط سالمی که مملو از آسودگی خاطر است، بوده و مهمتر از همه صاحب زندگی بهشتی میگردند که پر از نعمات بی شمار است.

از طرف دیگر برای از بین بردن اضطراب و تشویش، زد و خورد، جنگ و جدال، دشمنی و عداوت، فقر و تنگدستی و غضب و برآشفتگی نیز یک راه وجود دارد: زندگی کردن به اساس تدریسات قرآنی و سنت رسول مقبول (ص). برای بدست آوردن و رسیدن به خوشحالی، صحت و عاقبت، عدالت و مساوات، صلح و دوستی ای که خداوند (ع) خواهان آن است دیگر هیچ نوع راهی برای مردم وجود ندارد.

زندگی کردن مطابق با اساسات و تدریسات قرآن و سنت نبوی برای مبارزه بر علیه بی عدالتی، کشمکش، اختلاف، حسادت، جنگ، غرض ورزی، تفریط، وحشت، تعصب، بیرحمی، خشونت، بیحرمتی، فساد و بد اخلاقی و دیگر مسایل مربوطه یکی از راه های اساسی و چاره ساز میباشد تا ذریعه آن مردم بتواند با آسانی، صلح، خوشی و دادگستری زندگی نمایند.

در صورت بررسی موضوع فوق و با در نظر داشت اینکه انسانها ضعیف اند، افراد متذکره بالایی خویش زیان بی اندازه ای مینمایند؛ چونکه برای حاصل نمودن بهره ی نهایت کوچک یعنی فایده دنیایی، روی خویش را از دین واقعی میگردانند. چشم پوشی، دوری و روگردانی این افراد از قرآن و سنت، ایشان را وادار به این میسازد تا بطور همیشه از حقایق اساسی ای که درک آن خیلی مهم است بیخبر باشند. از سوی دیگر، منابعی را که این گونه مردم و دیگر انسانهای فانی جمع آوری نموده اند، پایداری ایشان را در حالات مختلف و در هنگام برخورد با مشکلات گوناگون در این جهان تضمین نخواهد کرد. حتی ایشان تمام زندگی خویش را در سختی، اضطراب، غم، اندوه، ترس و مشکلات و غیره بدبختی ها بدون کدام چاره سازی میگذرانند. و بعدها، ایشان همینگونه حالت را قبول نموده و زندگی خویش را در غفلت به پیش برده و در فریب میباشند؛ ایشان فکر میکنند که رنج و عذاب فقط یک حقیقت زندگی است؛ در حالیکه این عذاب بالایی ایشان به سببی آمده است که عذابی است که از دین درگریز اند و به آیین آن جنگ نزده اند.

مؤمنانی که تابع و فرمانبردار ارزش های قرآنی بوده و زحمت به خرج میدهند تا آن ارزش ها را در هر لحظی زندگی خویش پیاده نمایند، با بهترین وجه ممکن زندگی خویش را بسر میبرند. خداوند (ع) برای اینگونه بندگان خویش در بعضی از آیه های قرآن کریم چنین بشارت میدهد:

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِآئِنِ تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعِيفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ ○ ﴿سَاء: 37﴾

ترجمه: و اموال و فرزندانان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده

باشند پس برای آنان دو برابر آنچه انجام داده اند پاداش است و آنها در غرفهها [ی بهشتی] آسوده خاطر خواهند بود ○

إِنَّ الدِّينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ○ ﴿البقره: 277﴾

ترجمه: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند ○

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْفُضُونَ الْمِيثَاقَ ○ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ○ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ هُمُ عُقْبَى الدَّارِ ○ ﴿الرعد: 20-22﴾

ترجمه: همانان که به پیمان خدا وفادارند و عهد [او] را نمی‌شکنند ○ و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می‌پیوندند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب بیم دارند ○ کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم نمان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی می‌زدایند ایشان راست فرجام خوش سرای باقی ○

نوت: نمبر های انگلیسی به فارسی تبدیل گردد

ء ه ي بي و غیره دیده شود

صلی الله علیه وسلم جل جلاله باید دیده شود

فاصله پاراگراف ها از هم 2 پاینٹ باشد.

نمبر صفحه

ترجمه آیه

احادیث

"مدیریت خودی یک مسلمان" سب عنوان کتاب